در جولا نواب موصوف له بموافقت اهل کاران پونه
برداخته بی موجب مجوز شکست بمان دوستی ها و
عازم جازم مجادله و محاربه ما شدند محل
تعجب و تحیرست بیش ازین اکثر مراتب اوالیش و داد
و انصاف و انتظام مهمات دولت طرفین و اهل پونه با مشافهه
محمد افتخار خان فهمانیده روانه نموده شده بود اکثر خان
مذکور مشروحاً ظاهر میکرد و مذالینه نواب موصوف که امیر
کبیر و دانای صایب تدبیر هستند میبایست موده درین
ایام که فیمابین دوستدار و اهل پونه ما حوشی که بظهور
آمده ست بصلاح ان و بنظم و نسق دادن اولیش رونق
امور هر سه دولت و استحکام بنیان موافقت
همدیگر متوجه شده کیفیت او دلی محملا اینکه چند انکه ازین
طرف سوال آشتی براستی و درستی شد اهل کاران
انجا جواب بدرشتی و برهمی میرسانیدند این ماجرا طویل
الشرح و از حیز تحریر بیرون است همه کیفیات زبانی

لجهش راه متصدی که فهمیده و معتمد سرکار است موصوح
و مکشوف خواهد شد باید که راه مذکور را از مکنونات
خاطر نواب موصوف مطلع ساخته زود روانه ایصوب
نماید یکدست خلعت مهابی بمقتضای فرط محبت
مرسلست خواهد رسید زیاده حمیت و شادمانی ها
بر رجه بی بیوسف خان قلعه دار لود برای درک
عرضداشت مرسله متضمن اینکه همیته به پیاده های
انجا هفت عکره ناکری میرسد الحال
عامل انجی کراب که رای کرر خواست میدارد تاکید
درباره بحال داشتن هولکداه پیاده ها موافق
معمول بحساب ناکری ضرور معلوم شد بروانه تاکید
پیام عامل درباره محسوب کردن بحساب ناکری
هولکداه پیاده اما بابت سنوات گذشته درخواست
نکردن کراب که رای وارآینده محسوب کردن بحساب
که رای ملفوفت بارسانند

463

پنجم ماه ماضی سال دلو برابر فرانسیس سپاهت
دعوالی مرتبت بسالت و معالی منزلت سرآمد فرمان
روایان کشور فرنگ عمده حکام ما ذینک سلمه الله تعالی
اهدای مراسم محبت و وداد و لوازم خلت و اتحاد
مشهود خاطر عاطر موده می آید پیش ازین دو ورقه
دو قطعه رقیمه معه غلاع موفت موسی سرمک ارسال
یافته موصول شده باشد من بعد بر جهاز
غلام علیخان و لطف علیخان و دیگره سرداران سرکار
را معه خطوط و تحایف از راه بصره پیش آن سپاهت
مرتبت روانه نموده شد مع الخیر خواهد رسید در مولا
از نوشته موسی کشتی کورندور هولجری معلوم شد
که ان مهربان با مهربانه را رفیم موده اند که انچه مانع
برای خرج فوج خود کرسر کرده آن موسی دسمن و سفرجن
و موسی هوسی بوده از طرف سرکار رسیده است
حساب کرده بسرکار رساند از بیغنی خیلی تعجب رو داد

محض بپاس دوستی و افزایش آن که از قدیم الایام
منوط و مربوط است جمعیت آن مهربان را از مورتس
طلبیده کرور خرج و لکوک مردم بکار آمدند خنه تا پنج
سال به تنبه انگریزان پرداخته شد و در سنه ۱۰۰۰ که
انگریزان ازین ملک ستاصل شوند و بار انگریزان
پیام صلح نموده بودند اینجانب قبول نخواهد
داد که با تفاق صلح فرانسیس صلح سرکار خواهد شد
علیحده هرگز معمل نخواهد آمد درین اثنا موسی هوسی
سرکرده فوج آن شهامت مرتبت اینجانب را اطلاع
نکرده صلح نمود یعنی تمامی فرانسیس در ممالک اندر
معلوم است جمله اخراجات و محنت ها محض برای
فرانس دوستی و نام آوری طرفین نمودیم اگر باز
مرتضی آن مهربان باشد الخ و الا مدعی آن
شهامت مرتبت تنبه واقعی نموده خواهد شد یک
بیدق دو صربی که در کار خانجات سرکار تیار شده

برای شهامت مربت معه یکدست خلعت کارچوبی
درستاده شد خواهد رسید و مزاج انجانب اکثر صنایع
و فراهمی صنعت کران راغب است اگر آن مهربان به
مقتضای دوستی قدیمی چند صنعت کر هر فن روانه
سازند موجب کمال محبت مشعور خواهد شد غلام علیخان
وغیره سرداران بمرور خواهند رسید سخن طولست که
معتبری دیگر بر منازل آنمهربان روانه نموده شود اگر
متعلقداران خود در ینجانب تاکید خواهند نوشت معتبری
دیگر بر جهازان مهربان روانه نموده خواهند

۱۱۸۱ اسنع سال دلو مجهاشروف دیوان فیض حضار

عرضداشت رسید از نظر گذشت نوشته بودند
که تعلقه اومال داره بجهار هون جمعندی دارد
معه باقی پنجهزار هون تا حال متعلقه مذکور با قبت
ندالولمزاج نام ساکن ارکات را العالی اومال داره
مقرر کرده فرستاده متعلقانش را در فیض حضار

داشته شد معلوم و مستحسن گردید نوشته بودند که از
نادرستی معاملت عامل مبلغی بعلقه مارمری ثابت
برادر محمد شریف عامل اندی است لهذا هوشیار
است اگر امر شود روانه تعلقه مذکور موده شد معلوم
گشت بهتر است شما را به بعاملی تعلقه مذکور مقرر کرده
روانه نمایند و عامل سابق را طلبیده به حساب در یافته
روانه حضور سازند

۱۲ ارمرحدی بمیر ابراهیم تعلقه ارمستان در باب
برطرف کردن عمالان سابق و مقرر کردن عاملان
جدید هوشیار و نگ بروانه بنام سیدی امام فوجدار
سابق هوکیان برای تنبیه دزدان تعلقه مستارجب
درخواست میر مذکور

۱۳ اصدر سید محی الدین رضا معه تاکید نام عامل متضمن
رسانیدن ده ده فلم به پیاده های هر یک و وضع
گرفتن اینده بطلب آنها و دادن رسید برای یکایک

215

واگذاشت هولکنداره

۱۴ میرزا خان مضمن اینکه حسب الحکم سرکار
کورنر جانتن نوشته است که بتعلقداران ساکوه
تاکید شدید نموده ام که زمیدار بکنور و مردم متعلقه
در اینجا نه نمیدهند لهذا نوشته میشود که شما ملک الکزنر
را اذیت نرسانیده بکاری که مامور شده آید بعمل
آرید امام خان سپهدار را معه فشون نزد شما روانه
نموده شد خواهند رسید.

۱۱ میر به موسی سیاک کورنر تلگرفی درباره بازپس
فرستادن زمیدار اخبار نویس جناب سیاتن سیاتن
و بقیمت دو تیدن هفت هشت هزار بندوق بسرکار

۱۳ میر قمرالدین خان در باب اینکه سی هزار روپیه
برای خرچ فوج همراهی شما براسکدار فرستاده شد
برسر افرود آمده بحضور عرضداشت نمایند قسمی گذار
حضور حکم رسد موافق آن عمل آرند

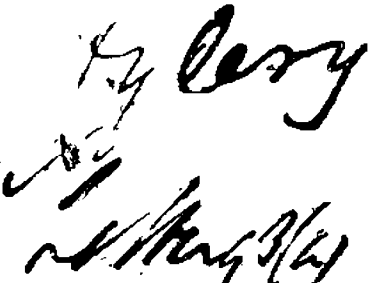

ان

ان رفیع الشان معه خریطه رقیمه الوداد روانه نموده
خواهند رسید زیاده والسلام

---

۸ حیدری بمحمد غیاث و نور محمدخان متضمن انکه بموجب
معروضه شما پروانه منضم انکه اگر موسی و انس
نام کلاه پوش معه جمعیت از فوج کشن چندت نزد
شما برسند نامبرده را بخبری خرج رسانیده حضور
سازند به برهان الدین نوشته شد تاریخ مذکور
به برهان الدین هم بمضمون صدر پروانه نوشته شد

---

۹ سید محمدخان درباره دهانیدن یک یک فلوس
بویه برای خرج بالای سر اسم جوانان
اسد الهی از قلعه ارسنجلزر جوانان مذکور و
کرفتن ماوا ارجام سه ماه برای معالجه برده
احمدی از توشکی به حسی و فرستادن بعقوب
اسد الهی را به حضور

---

۹ حیدری بحکیم جان سالور رقیمه حضرت بضمیمه چهره

وصول نمود مرقوم بود که مبلغ هجده لک روپیه را
نشان ساهوان نموده شد باقی هشت لک روپیه
معاف شود یا برسال آینده موقوف باشد معلوم
گشت مبلغی که مردم آن مهربان از خبری ایمهربان
خورد و برد نموده یاد داشت ان بمفرق وزبه هرکس
فرستاده شد زر رسیده از سارقان وصول کرده
داد آن چه دشوار باقی هشت لک روپیه نبود وصول کرده
نشان ساهوان نموده زود ساهوان را روانه
حضور سازند

تا بمیر کاظم داروغه های مسقط درباره فی الفور
تفروختن مرچ سیاه وصندل وعود وغیره بوقت
نرخ دلخواه

دا مربه بدر الایمان خان درباب معقد کردن سرکرده
های مفسد ماکسی رای تعلقه کوژبال وطلبیدن
موکول رامعه جمعیت برای ملاقات واطلاع

داون

داون ایمرات بحضور

۱۶ ام بقوت محمد خان عرضداشت مرسله از نظر گذشت

همگی حساب و کتاب اجناس و بنده به غلام محمد قپانچی
مع حساب و مردم همراهی خود بحضور برسند مرقوم گردید
کرده آورده اند مع یادداشت خریدی ان ذمه غلام محمد
نمایند که بعد ازاله برا روانه حضور خواهند کرد و
کاشته های دلال را مع نخالیف همراه خود آورند در باره
دادن سوداری بانها در مزدوران برای نخالیف به
غلام محمد نوشته شد برای نوکر داشتن سر یک و سه
فلاصی ملوح را نیز نوشته شد محمد ابراهیم دوده دهلت را
پیش از خود روانه حضور سازند جهار دنگی فراسیس
را همراه خود آرند

۱۶ به برهان الدین عرضداشت رسید بجهن زاد بجاور
ساحی نبدت در نظر بندی داشته شما مع فوج بقاصله
یک رباط کوه از قلعه پستور فرود آمده دیه ای وساحی
نبدت

کشور

را طلبیده ارند الربیانیدهها والا با ستصواب سید محمد
و سید غفار بهر طور قلعچه مذکور را بتصرف سرکار آرند

۱۸ امیر کاظم وغیره وارد دغه های مسقط در باب اینکه
تخم زعفران در آنضلع هر جا که بهم رسد بکیوکس را از
طرف سرکار نوکر داشته در انجا فرستاده یک دو من
تخم زعفران بقیمت طلبیده ارسال حضور سازند و هم
کرم های ابریشم و سر و رشش کنده های ان را بهم رسانیده
خرج داده روانه حضور نمایند در رباب به دلال نیز
برداشته نوشته شد

۱۹ میر عمر الدیجان در رباب رسیدن حضور رقعه فوج
همراهی و جمیع متصدیان متبعه خود را به متن نوشته
همه متصدیان را همراه خود بحضور ارند

براجه رام چندر در رباب تیار کنانیدن کارخانه تفنگ
در قلعه خانجان میله واگر چهل پنجاه خانه خانه نشانه
شود مضایقه ندارد و غرباي مذکور در همه خانه انبار کرده

سکونت خواهند ورزید و نبودن جمعیتی تعلقات که
بادشاهی و غره ماه بود بحساب که رای از کردهی

بجی الدین خان دیوان کرده در باب نوکر داشتن
میر علاء الدین قلعه ار معزول جمل نمود و فرستادن
او معه یک منصدی برای سرانجام معدن سرب بملک
ملیوار

ام مسمی بجمعیات و تو محمد خان نوشته بودند که از
بزنار داران همراهی خارج ازیشان با کار پردازان
انجا سوال و جواب مینمایند و مخل امورات سرکاری
شوند ایمعنی موجب تعجب مصور شد که با وصف
بودن شما ها اینچنین حرکت بعمل آید ایشان اینرا
چرا نازیانه کاری و قبیه واقعی نمی کنند که ایام کسی
مرتکب اینچرکت شده است بحضور اطلاع دهند
برای خرج نوشته بودند متعاقب هندوی [illegible] فرستاده

منبود خریطه را و راسی و عرضداشت ایشان که همراه

ایلچی رسیده بود پیش ازین ان و سناد

ج و ا ب

ش

---

۴۴ بقوت محمد خان عرضداشت مرسله رسید حساب
خریدی مروارید بمبس عامل نویسانیده معه یادداشت
آن مروارید مذکور را و مروارید بابت خریدی برکاظم
معه یادداشت حواله عامل نمایند حساب
و سرب و مس و اسامی که در کوتهی سقط پیش
عامل نویسانیده و وزن کرده داده شما معه مردم
گماشته دلال را ی حضور شوند مردم مس وغیره
مردم هراهی را معه محمد ابراهیم وغیره که از بغداد آمده
اند روانه حضور نمایند امام بهاری و زین العابدین
را که بکار خانجات مامور اند حواله عامل نمایند که
هر دو کی را باز روانه سقط خواهد کرد

---

۴۵ بمحمد یوسف الدین خان و غلام حیدر داروغه

توشکخانه در باب دادن یک قبضه توپ در عوض تعلام علیخان
و دادن دو لی برای سواری ضیاء الدین و یکصد نفر دور
برای حمل سر انجام عماری و یالکی در رسید صندوق و سبد
کدی کاغذ

۴۳ بدر الزمان خان در باب فرستادن اسیران سابق
و حال جوانان حبش همراه داده شش غلام علی بخشی
انجام

۴۴ بدر الزمان خان در باب دادن بهته بمردم حبش
براه رام چندر در باب تشخیص قیمت کرده گرفتن نجره از
مانوفاکچی از نزد رعایای سکونه و کولار و بابو نانکار
را تشخیص قیمت کرده باز بر عایا دادن

۴۵ شمس الدینخان و بخشی و داروغه توشکخانه در باب
گرفتن نامه در که تعلق دارکونهی ملک التجار میدهند و عوض
ان دادن هر نامه که انها درخواست نمایند به نرخ سرکار

۴۶ محمد عیاث و نور محمد خان عرضداشت مرسله مرقوم

۷۵ چیدری از نظر گذشت غلاف تا که بهر دو در گاه
ببرند و نیاز رسانند منحص شد و خلعت برانبوری
و یک بندوق که روز آمدن تواضع راه را سی نمودند
خوب کردند نوشته بودند که راه را سی آراوه فرستادن
معتمدی بنجو مل مکتوبات خود بحضور دارند معلوم شد
بهتر است راه مذکور معتمد خود را بنجو مل مذکور آت روانه
حضور سازند یعنی بگمان دوستی ابلاغ باید نمود جواب
خلیطه راه مذکور پیش ازین مرسول شده بود می بلغین
برای خرج مردم همراهی ایشان متعاقب فرستاده
میشود مرقوم بود که مقصد بان همراهی خود بسیار خرک
اختیار کرده سوای اطلاع خود سوال و جواب با مذاکر انهام
دهری بیدت میماند و مخل امورات سرکار میشوند
ایمعنی از راه راسی و هم از خارج مسموع شد موضوح
گشت ابهمه قصور ایشان است که مردم متعینه ایشان
بجهت حرکت حالت دالشان بسزای اینها نبرداخته

فریاد انها بحضور معروض داشتند مقضای کبر سن و
نامناسب دهوای انجا خواهد بود کدام کدام کس ترکیب
ایحرکت نشنیده شده است نام انها معروض دارند
طلوعی میرکاظم وارد عه مسقط صندل اول فی
کهدی یکصد و شصت هون صندل دوم فی کهدی یکصد
هون صندل سوم فی کهدی نود هون صندل چهارم
فی کهدی هشتاد هون مرج سیاه فی کهدی هشتاد
هون باید فروخت غیر ازین نرخ نباید فروخت اگر سال
دو سال امانت هم باشد مضایقه ندارد کندک و مس
بکفایت خرید باید کرد خریدی طلا و سرب درکار نیست
بهر سال سی من بسنه و دو صد من بادام و پانزده
من مصطکی نی تخم خرید کرده بفرستند شما بهر سه رعه
مروارید کلان و غلطان خرید کرده بیارند مروارید
خورد درکار نیست

براجه رام چندر در باب دادن مس و برنج بموجب

درخواست سید سر برای تیاری چهار ضرب توپ

شمس الدین خان در باب فرستادن کتب سایل

بموجب فرد ملفوفه

به بدیع الزمان در باب دریافتن و فیصله کردن حساب

جزو کل جمیع تعلقات دخور و برد متصدیان وغیره و

نوکر داشتن سوهرا و متصدی بکار فیصلات حساب

محالات

بمحمد غوث در باب نقل ساختن سید بدیع الزمان

بجمیع مقدمات جزو کل و نشان موصی الیه بجمیع کوائف

کنانیدن تاکید اکید و نوکر داشتن سوهرا و متصدی

معرفت بدیع الزمان و مامور کردن بکار تعلقات

ه طلوعی بزین العابدین بخشی احشام و ضبط حصار

عرضداشت مرسله از نظر گذشت نوشته بودند که

وقت کامگاری قلعه کوری کوهه زیر چیونتره زمین

کنجی بود وقت کندیدن آن یک دفعه سه کنج خالی و

دیگر

در یک کنج بهمراه و نهصد و هفتاد و پنج تنکه و دو غه نانی
سه کنج خالی و در یک کنج شش هزار و شش تنکه
برادی برآمد معلوم شد باید که زمین کنجی بکنند البته
زر و طلا و نقره خواهد برآمد

شمس الدین خان در باب آفتاب دادن بهجده
تخته شالهای کرم خورده و کالی زبری وغیره در
تخته ها کرده بسته باز یاحتیاط نگاهداشتن و مدادن
هونهای کلان به تعلقداران ملک الجبار و روانه کردن
متصدیان میر قمرالدین خان بحضور

میر قمرالدین خان در باب رسیدن حضور

طلوعی بشمس الدین خان روبروی غلام حیدر
یک متصدی و دو دکانشته دو دفتر نوشکی نه
دو داروغه و متصدیان نوشکی بجنبی و یک متصدی
و یک دکانشته دفتر دیوانی کچهری بمن تشخیص قیمت
پارچه ها کن سیده بسته ها بسته اند

در یک کنج بهمراه و نهصد و هفتاد و پنج تنکه و دو غنانی
سه کنج خالی و در یک کنج شش هزار و شش تنکه
رادی برآمد معلوم شد باید که زمین کنجی بکنند البته
روطلا و نقره خواهد برآمد

شمس الدین خان در باب آفتاب دادن بهجده
تخته شالهای کرم خورده و کالی زبری وغیره در
تخته ها کرده بسته باز یاحیاط نگاهداشتن و مداوای
هوتهای کلان به تعلقداران ملک الحار و روانه کردن
منصدیان میر قمرالدین خان بحضور

بمیر قمرالدین خان در باب رسیدن حضور

طلوعی بشمس الدین خان روبروی غلام حیدر و
یک منصدی و دو دکانشته دو دفتر توشکخانه
دو داروغه و منصدیان توشکخانه حبسی و یک منصدی
و یک دکانشته دفتر دیوانی کچهری بمن تشخیص و سپ
پارچه ناکنده بسته بالبستانند

بسیده بدیع الزمان میرزا بدریافته فیصله حساب
تعلقات سرکرم بوده یک متصدی تعلقه کچهری خود
را بکار اسامدن کهنه ای پارچه نامقرر نماید
محمد اشرف بروانه متضمن اینکه غرضداشت محمد واصل
قلعدار باربری ملفوف و مرسول است باید که از ان زال
بهمه کیفیت دریافته زر خورد و برد بدهد هر کس که
باشد به تشدد بوصول ارند
بمحمد واصل اینکه همه کیفیت پیش محمد اشرف ظاهر
بکند که موصی الزر خورد و برد از مردان بوصول
خواهد آورد
ه طلوعی بروانه حافظ محمد جان قلعدار اکشن کچهری
در باب گذاشت عورات صیغه سرقلی امور کرده
براجه رام چندر در باب تقرر نمودن ملصد وست
و بجریده به دلکاجی بندت دیوان دوم کچهری سکلور
و داخل نمودن و در ماهه اسامی مردادمی منجمله اسامی

ای روداد

ای مرد ادمیان در راهه عامل کوری شده و رسانیدن
بهار دنبم هون در راهه و نکی حیله فرستاده سید محمد فلعدار
بتن و کرفتن کاراذو و فرستادن باروت و کوله توسط محمد
دیوان فیض حصار از دک مست و چهار روپیه رطل مقرر
نموده

محمد اشرف درباره دادن رسید باروت و کوله فرستاده
راجه رام خبر رو و زن کرده کرفتن از دک مست و چهار
روپیه رطل مقرر نموده

سید محمد خان بخشی کچهری اسد اللهی مضمن رسیدن عرضداشت
مرسله معه اودیه مردم اسد اللهی و تقسیم نمودن وجه
طلب اسد اللهی واحدی مستحسن شد

۸ مهر محمد حیات و نور محمد خان دو قطعه عرضداشت مرقوم
۱۶ و ۱۹ حدری از نظر کذشت مضمون عرضداشت زمانداران
نوشته بودند معلوم شد مردم تابع را حود را اسفدر جمعه
کرده و به تنبه و تادیبه کاری نبسته و بست نموده موجب کبر

سن بست الحال هم انها را نزد خود در سرک نگاه دارند
و تفتیش نمایند که بی حکم شما بیرون نبر آیند نوشته بودند
که علیحده از هر یکی استفسار کردند هر یکی به یکی می
اندازد و هر یکی را جدا جدا از ماجرا کاری کرده استفسار
نمایند و تقریر هر کس از دست او نویسانیده دست
او نیز با بگیرند و نام انها بنویسند عرضداشت ضروری
بدست یک یک جوری هرکاره بفرستاده باشند
برا سکدار نه فرستند و عفرت آشنگ سوفوف کرده
می شود فرستاده اسد راو را سی که فرستاده بودند
رسید متعاقب قسمیکه از حضور حکم شود جواب دهند
بردن بارچه وغیره رسمیات وی شش راو را ستی خوب
شد و متصدیان را جرا بخانه راو را ستی همراه برونده و
می برند از همچنین بیوقوفی شما ها انها چیره شدند سوای
مختصران هرکاره دیگری را همراه نباید برد سرکاب و
با دواشت غلاف وغیره هر دو در سکاه رسید

۹ مه علی رای عرضداشت مرسله مصحوب فخرالدین از
نظر گذشت و کیفیت معروضه موضوع گشت دیم موی الیه
بعوض احوال شما پرداخت قاعده دموی این است
که نوکر در تابع خود را برای تقدیم کار و خدمات و فرمان پذیری
و اطاعت و انقیاد میدارند ما را با بان عصمت مرتبت
در باب رسیدن حضور نوشته بودند ایشان عذر و علله
در پیش آوردند و همه عذر ها بیجا بود
در میان داشتند در اینصورت چه باید کرد ایشان
خود منصف شوند روی و مزاج که حاضر حضور شد از
اجاره تعلقه جرکل و دیگر انعامات سرفراز گشت اگر
ایشان حسب الحکم می آمدند البته بجمیع وجوه بمورد
عنایات حضور میشدند باقی حقیقت از نوشته فخرالدین
موضوح خواهد شد

۱۰ اطلوعی بدیوان و بخشی هر هفت بخیری دارالسلطنه در تا
آنکه بتاریخ ۱۴ اطلوعی که روز تولد خاص بت موافق شد

حکم نامه بعمل آرند

به برهان الدین در باب فرستادن یک غلاف
سر یکی سه یکصد و بیست و پنج روپیه بدستگاه اسد خان
صاحب لهری در بلگاوان

بارشد بیک خان وزین العابدین و غلام حسین دیوان
و بخشی کلنکوت در باب اینکه عاملان معزول سابق
انچه باقی بر رعایا بنویسند انداز رعایا بمیر ابراهیم
عامل منصوب رجوع و مقابله کنانند که موافق ان
وصول نمایند و رسیدات در تعلقات در دیوان
کچهری نویسانیده بدستخط دیوان و نشانی متصدیان
و مهر ارشد بیک خان میداده باشند

بمیر ابراهیم عامل سابق در باره انکه در باده رجوع
و مقابله کنانیدن زر باقی که عاملان معزول بر رعایا
نوشته اند

بارشد مکی خان و زین العابدین و غیره نوشته شد که الحکم

برجوع و مقابله خواهند کنانید موافق آن بوصول آرند
رسیدات زر شرح صدر منکرفته باشند

۳ اطلوغی بسید محمد خان بخشی اسد اللهی در باب
فرستادن هشت کس عهده دار بهر مال را موسوم
بال و بوسدان وغیره سرانجام بحضور از راه برهان

۵ ابو محمد اشرف در باب مقرر کردن عمال و سرشته داران
هوشیار متعلقه سرویل و حالکل مری

برین العابدین بخشی احشام در باب روانه کردن
دو دوجوق بدیلی به بادامی وغیره همه قلعه انطرف
سک بهدرا و بعد بهرنه دو دوجوق دیگر بار روانه کردن
دو دوجوق برای بدیلی

۵ اطلوغی بنام بدرالزمان خان متضمن رسیدن
سواری خاص نه نل کاوری و شما از طرف خود کسی
را در انجی گذاشته معه متصدیان خود بحضور
آنچه فرموده نیت بالک فهد فرموده خواهند شد

شب بیست و دوم ماه شاه نور الله و علام علیخان
محتوی فرستادن یاد داشت خلاع و جواهر و غیره
بابت روانگی رودم همراهی شما بهمرود و خط خاص

۱۹ اغلوعلی به حسینی مارخان و زین العابدین در باب
اینکه زر پیشکش از بالیکاران به تاکید شدید بوصول
آرند و به وکلای اینها که زود زر سرکار برسانند باز
ملک دست بردار شوند

سید محی الدین معلقدار هکونه مضمن اینکه شما
بهکونه رفته کیفیت زر بیاورد که بیکاران بدیع الزمان
از زر تحصیل متعلقه مذکور خرج کرده آند و خورد و برد
دریافته بحضور برگذارند و براجه رام چندر و تربیت علیخان
بنویسند

۲۱ به تربیت علیخان نوشته بودند که تا مقدمه
فارسی هوشیار برای سرشته بهمرسانده آند باید
که مقدمی مذکور را روانه حضور نمایند که از نظر خاص

547 Delhi 225

گذشته باز نزد ان رفعت نشان روانه خواهد شد

به غلام حیدر دار و غه توشکی نه در باب موردا شتن
نقاشان بکار محل بعل باغ و جلد تیار کردانیدن
آن و بکراس حاموس ضعف معلقه قلعدار رسید
کرفتن

۴۳ طلوعی به محی الدین علیخان ان وارسد الله خان و لوا
و بخشی کری به مضمن مقرر کردن ظفر آباد نام کورم کنده
واشتهار دادن ان در تمام ملک

۴۴ به غلام علیخان عرضی محمد شفیع عامل سنجر و خط برا
نامبرده موسومه نامبرده مضمن سوال و جواب سلطان
روم با وکیل انکر بحضور رسیده بود ملفوظ حقیقت
ان دریافت نماید و بکاری که مامور شده باشد زود
زود روانه خود پس ازین عنایتنامه مردی آدمی را
با یک قطعه خط مسین بسبب ایلچی مملکت از طرف
ایشان و شاه نور الله مزار سلطان روم روانه نموده

شد معلوم شود که بعد رسیدن نامرده این سوال و
جواب سلطان روم با وکیل انگریز موده آند

نوشتهٔ بخشی یارخان در ماده نامهٔ ملک هون
کبی رای نزد برهان الدین سعه پروانه موسومه برهان الدین
در ماده فرستادن رسید دولک هون سابق وحال
بعد نامه نزد بخشی یارخان

شمس الدین خان داروغه توشکی نه بین در باب
تحقیق کردن اینکه از جوانان اسد اللهی کدام کس
کنه های پارچه بریده پارچه ها برآورده گرفت و باز بخیر
کردن او و بحضور معروض داشتن و تاکید کردن به
داروغه و متصدیان توشکی نه حسبی در باب احتیاط
مال بسرکار معه راهداری دوازده مردم و دو راس
یراق تعلقه عبد الجبر خان

بسند محمد خان بخشی اسد اللهی در باب تحقیق کردن که
از جوانان اسد اللهی کدام کس کنه های پارچه بریده و با

برنجیر کردن او و بحضور معروض داشتن

برین العابدین بخشی احشام فرح باب حصار دریاب
اکه کرده و اداین جمع اجناس به قلعه رام درک موافق
جمعیت قلعه مذکور که ضابطه آن در حکم نامه مندرج است

به نام چیند معه دو راهدار یکی برای فرستادن
ادمان و کاروان همراه زر به بتن و دوم برای فرستادن
ادمان و کاروان همراه باروت و گولا بقبض حصار

به نام چیند در جواب عرضداشت سید مدبع الزمان
متضمن رجوع کردن پنجاه هزار هون بذمه عامل معزول اینکه
بغلط زر شده و اینکه پنجاه هزار هون دیگر رجوع شدنی بود
که بحضور رسیده بجنس ملغوف است باید که دریافت
نموده مبلغ مذکور زود بوصول آرند در جناب نقد تبلیغ
دانند

بست و چهم ماه بطلوعی به رحمت خان رقمه حضرت
ضمیمه همراه ارای وصول شده مسرور و منشرح ساخت

پیش ازین که برای ملاحظه فلاع مکلور وغیره جریده
اتفاق نهضت شده بود فتنه انگیزان ملک کورک
بمقضای بامال اندیشی بخیال باطل مساعدت لشکر
فیروزی که جامه مفسدان این العرض قابوطلب
بکسر سر بسورس برآورده بودند بمجرد استماع ایشان
بقلعار رسیده چهل هزار کورکه ای قابوطلب فتنه
انگیز را که از رعب آمد آمد لشکر فیروزی در تراکم
اسپ و شوامخ جبال که عبور طیور متعذر بود خزیده
بودند یکقلم همه را اسیر ساخته واز وطن فساد
موطن اینها برآورده مشرف باسلام و داخل زمرا
احمدی نموده شد جواب این نوید موجب عبرت
منافقان و مسرت موافقان و روسای اهل ایمان
است لهذا بالقلم و داد رقم امد احال عبرت ان
نواح مصمم پیش نهاد خاطرات عفت لشکر
فیروزی در ان نواح سپرسد و ملاقات ان مهربان

که از مدت اشتیاق است دست بیدهد راجه دهرم داس
و خواجه لطف الله را شعاقب رخصت و نزد ان مهربان
رفته شنوده می شود ترصد که تا زمان ملاقات بوصول
رقایم غربت ضمایم مسرور و شادمان باید داشت

۹م میر احمد علی تعلقدار نرسی پور عرضداشت مرسله
از نظر گذشت نوشته بودند که عامل معزول با وصف
چوکی از قلعه مفرور شد معلوم گردید مبلغ سی هزار روپیه
سرکار بذمه عامل مذکور واجب الطلب است عامل
مذکور را زود پیدا باید کرد والا مبلغ مذکور ذمه شما خواهد

سه

یوسفی بیعت خان مبلغ مازده لک روپیه وجه
مشکش که بطرف ان مهربان واجب الادا بود از انجمله
نظر بر محبت و وداد چهار لک روپیه تخفیف کرده هفتاد
لک روپیه صحاح تحفه پیش ازین لکار سیده بود
صادر راجه دهرم داس و خواجه لطف الله باز باظهار

عسرت مبالغه لرومدهند ایجاه هزار روپیه دیگر تخفیف
کرده شش لک و پنجاه هزار روپیه و بست و پنجهزار روپیه
بابت یکساله جمله شش لک و هفتاد و پنجهزار
روپیه تشخیص یافته موعی الیهما هست ایصال مبلغ
مشخصه مذکور قرار یافته مقصن رسانیدن سه لک
و سی و هفت هزار و پانصد روپیه بوعده پنجم ماه جمادی الاول
سنه ۱۱۷۲ هجری و وعده دیگر جهت ایصال سه لک و
سی و هفت هزار و پانصد روپیه ثانی بمسم رجب سنه
نوشته داده هر دو موعی الیه مرخص شدند مع الخیر
خواهند رسید درباب کذاشت تعلقات ان مهربان
که بضبطی سرکار آمده اند تاکید بنام دیوان و بخشی
فیض حصار مرقوم و محول موعی الیهما نموده شد لازمه
وداد انست که مبلغ مذکور بموجب وعده های صدر
عاید سرکار شود که بنای دوستی استحکام کرفته
نیز فیل دیکدست خلعت جهانی بمقتضای اتحاد

۱۲

رسلت خواهد رسید همیشه بوصول رقایم ضریب ضمایم
سرور روشن دمان دارند

بنام راجه رام چندر و نربت علیخان در عرصه یکماه
سواری خاص برای ملاحظه کامگاری قلعه درانجا
میرسد حساب فیصلات تعلقات وقلعجات شما ها
بموجب حکمنامه میارماید داشت

هفتم یوسفی سال جلوس زیاده وسنادن سه قطعه
راهداری حسب درخواست شما مرقوم وملفوف
رسلت

هفتم منه بنام شمس الدین وعلام سیدر وزیاده
رسیدن سه صد هون سرمن ملی بابت وجه طلب
کاربان فیلخانه

هفتم ودهم یوسفی سال جلوس نام سر معین الدین
بفضل الهی وباعانت خاب رسالت پناهی ص
بنظم ونسق تعلقه طفرآباد حاجه باید فراغ حاصل

کردید و جماعه اشرار کورکه با قریب پنجاه هزار زن و مرد
را کبسر اسیر نموده داخل زمره احمدی ساخته مع الخیر
والظفر نهم بازدهم یوسفی سال جلو داخل دار السلطنه
بنین کردیدیم چون ایمعنی موجب تقویت اهل اسلام
بران برادر فرخنده و همایون باد نهضت رایات
نصرت آیات دوازدهم ماه یوسفی مصمم و مقرر شده
است لهذا بالقلم می آید که شما متوجه جمعیت خود کوچ
کرده باشید بهمین مضمون سه قطعه مراسله روانه شد
زیاده چه

سیر کاظم داروغه بسقط ششم یوسفی سال جلو عرضداشت
مرسله معه بسته سربمهر مروارید با یادداشت خریدی
ان از نظر گذشت و کیفیت مندرجه کاهی ظاهر
گشت مروارید مرسله فی الجمله کران خرید شد ندا اگر
خریدی آن در بحرین بکفایت شود خریده باید طلبید
و در صورت کفایت بسقط هم خریدن مضایقه

ندارد و ده نفر غواص را بطریق مشکی داده روانه حضور
نمایند که برای برآوردن مروارید از دریای کورمال
ضرور آمد نوشته بودند که ضدل و مرج حالا ارزان شده
است معلوم شد چندی باید دانست هرگاه که گران
شود فروخت باید کرد ارزان فروختن ضرورت
مگر الایچی را به نرخ انجا کفایت مدنظر داشته فروخت
باید نمود آنچه از کم شدن سبب خشکی نوشته بودند مفهوم
شد در وزن اگر کم شود مضایقه ندارد در حساب
باید نوشت کوتهی مسقط ذمه علام عامل کورمال است
حساب خرید و فروخت جزو کل و مسقط و جمع و خرج انجا
نزد عامل مذکور روانه باید کرد خریدن مس و سرب
درکار نیست مکرکندک به نرخ انجا کفایت دارد خرید نماید
در ماده اضافه او ماکولر و مقرر نمودن حرو کاری
بنام او نوشته بودند معلوم شد بموجب دریامه حرو کار
سالق اضافه نامبرده نمانده بجنس مورهای سیاه

را وزن کرده بفروشند کشادش در صورت
نقصان چه ضرور برای اضافه پرمانند مبلغ مرقوم
بود ظاهر شد بجرویه اضافه او باید نمود عرایض
آمام و علمان و بهم جی دلال که فرستاده بودند
از نظر گذشت شما را محض برای خرید و فروخت
اجناس در انجا واشته شد هرگاه که در آن
کفایت سرکار باشد بلا برو انکی حضور باید کرد
و منتظر حکم باید بود مروارید بسیار مطلوبست
مادهٔ هزار روپیه را کفایت خریده روانه نمایند
مرقوم بود که دو صد و شصت روپیه محمد ابراهیم
و یکصد و دو روپیه عثمان خان ملازمان سرکار از
دلال گرفته اند دلال مذکور زر بحری میخواهد معلوم
شد باید که زر مزبور به دلال رسانیده رسید بگیرند
در عرضی مرسله محرره هفدهم ذی حجه سنه ۹۹ هجریه نوشته
بودند که صندل قسم دوم بابت غوث محمد خان امانت

Delhi 230

ست وان را با غیار قسم سیوم و چهارم کم و زیاد
دارند مفهوم شد صندل مذکور امانت دارند هر گاه
که خریداران آن پیدا شوند مکفایت بفروشند
ده نفر تجار کار یکه تیار کنند و او صرف و ارد انها
را هم رسانیده بفرستند در پروانه قسمیکه تاریخ
ماه و سال نوشته میشود شما هم در عرضی خود می
نوشته باشند انچه از گرفتن حویلی کرایه برای
داشتن مال سرکار نوشته بودند موضوع شد
از حضور روانه میشود بعد رسیدن ان برا
کوتهی سرکار حویلی تیار باید کرد اینند صد نفر خلاصی
را سر نفر بدرماهه هفت روپیه نوکر داشته و
بست و پنجنفر را یک سردار مقرر نموده روانه حضور
نمایند بعد رسیدن انها بر عهده ها مامور نموده خواهد
شد زیاده چه

وهم منه بنام ارشد بیگ خان و غلام حسین خان در ان

فوجدار و دیوان و بخشی کلنکوت رسوم لشکر سازی
ح مرل و یکی ماوسیهه ولد راو سیهه دلال
ساکن مسقط سرکار دهم در محصول مقرره خرید و
فروخت اجناس در ده حصه چهار حصه معاف
نموده سند بهر دو سمط نوشته داده شد باید
بدفاتر هر دو علاقه ثبت نموده موافق سند حضور
سال بسال سکرخته باشند درین باره تاکید دانند
زیاده چه

دهم منه بنام محمود علیخان تعلقدار خوسحال پور
در محصول خرید و فروخت اجناس ماوسیهه ولد
راو سیهه دلال ساکن مسقط سرکار در ده حصه
چهار حصه معاف نموده سند نوشته داده شد
باید که موافق سند حضور سال بسال سکرخته باشند
زیاده چه

دهم منه بنام مرتضی یارخان عامل ماهور راکهوی

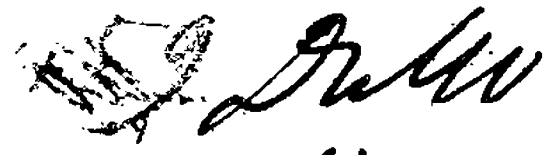

همانجی کماشتهای دلال مسقط بحضور رسیده اظهار
ساختند که بدرالدین نایب کریم بیک عامل معزول
بنادر مبلغ دو صد و هشتاد هون بهادری از خود
باکرفته چهار دنبه کندی مرج سیاه داده در عوض
زر سه مارجه نزد خود داشته بود و درین اثنا که عمل
اینجانب مقرر شده شمامرج سیاه و پارچه های
مذکور را از خود باکرفته بضبطی سرکار آورند لهذا
بقلم می آید که مرج سیاه وغیره بقدر دو صد و هشاد
بامبلغ مذکور بقدر بکماشتهای مسطور رسانند درین
باب تاکید مکرر نه طلبند زیاده چه

نه عاملان حال و استقبال بندر محمکلوت مذا
که رسوم لنگرسازی بحساب فی دیکی چهل روپیه
از دیکی های تجارت سیاه ماوسفهه ولدراو سفهه
دلال ساکن مسقط از سابق مقرر بود و عاید سرکار
می شد درین لانظ نقدوت وعدولتواهی دلال

0253

بسطور رسوم مقرری لنگرسازی یک منزل دکی شش راله
معاف فرموده شد باید که رسوم مقرره مذبور از یک
منزل دکی دلال مرقوم صرف نما برده دیده نه طلبند درین
باب تاکید شناسند

دهم شهر عالیان حال و استقبال بنادر سرکار بدانند
که محصول اجناس خرید و فروخت تجارت بنادر و
دلدر او سته دلال ساکن مسقط که از قدیم الایام در
بنادر سرکار مقرر است از ده حصه مقرر کرده درمیان
چهار حصه موقوف نموده شش حصه از کنان دلال
مذکور میگرفته باشند و زیاده ازین نطلبند و درین باب
تاکید شناسند

دهم شهر عالیان حال و استقبال بندر کور بدانند
که هر قدر رسومهای یک سرکار نزد کماشته های تجارت
بنادر او سته دلدر او سته دلال مسقط فروختنی باشد
باید فروخت سوای ان اگر کماشته های دلال مسطور

از نزد رعایای تعلقات بندر کورمال برنج خرید نمایند
بهتر است شما مانع و متعرض نباید شد در جواب تاکید
شناسند

رهم منه سامی صحیفه خیریت طراز مصحوب عنوت محمد خان
بهره ارای وصول شده مسرور و منشرح ساخت
و هم زبانی خانمنطور مراسم محبت و یکجهتی که آن ایالت
مرتبت با دوستدار دارند دریافته خاطر خورسند
شد از ابهازات و داوهای آن شهامت مرتبت
تعلقداران بنادر سرکار انچه محصول میکرفتند بنظر محبت
رانی و بالفعل در انجان نصف موقوف کرده و در
باب تاکیدات بجمیع تعلقداران بنادر سرکار نوشته شد
آن ایالت مرتبت ابهازات و داوهای خود را بمعه
اجناس تجارت همیشه بنادر سرکار میفرستاده باشند
مشروحا از اظهار میکاظم موضوع خواهد شد چون در بنادر
سرکار تاکید است که تاجران بنادر بیگانه را کسر بعوض

ح ۱۱۳۶

462

برنج بقیمت نباشد و اولیتر اینها بسبب گرانی غله دیگر
تاجران را زیاده از تمام مسقط برای خریدی
اجناس برنج وغیره به بنادر سرکار مسفر نیستند لهذا
در تمامی بنادر سرکار تاکید بعمل آمد که هر تاجری از
مسقط چنهی بهر دو سنخط تعلق داران کوتهی سرکار
بیارد و در ابی عذر برنج بقیمت بیداده باشند آن
رفع العذر هم به تاجران اینجا تاکید نماند که وقت
آمدن به بنادر سرکار چنهی بهر تعلقداران کوتهی سرکار
با خود می آورده باشند و به تعلقداران کوتهی تاکید
بقلم آمده است که وقت دادن چنهی هیچ از تاجران
رعایت نکنند

عرضداشت مرسله مصحوب عوث محمد خان و نزکم دار سر
از نظر گذشت و بمکنیت معروضه و تصمیم اراده داشتن
کوتهی در بندر سرکار موضوع گشت زبانی خان مسطور
معروض داشته بودند که تعلقداران بندر کلکوت اردشیر

ای حودی دیگی چهل روپیه رسوم لنگرسازی بگیرند از سرکار
معاف شود و امام مسقط از دیگر بنجار سرصد ده روپیه
محصول و از خود سرصد شش روپیه بگیرند همین قسم از
سرکار هم سرفراز باید فرمود و دیگر اینکه هر قدر موده های
برنج که تعلق دارد ان بنادر سرکار بقیمت خواهند داد کماشته
های خود خرید خواهند کرد سوای آن حکم شود که از رعایا هم
موافق سابق کماشته های خود برنج خرید نمایند کسی متعرض
نشود معلوم شد رسوم لنگرسازی هر منزل دیگی شمار
سرصد چهار روپیه در روضه محصول معاف فرموده و
خریدی برنج از رعایای تعلقه بندر کورمال سوای برنج
سرکار مدراس خمسه قطعه اسناد بمهر و دستخط خاص
حوالکماشته های شما نموده شد باید که بخاطر جمع کوتهی
خود در بندر کورمال مقرر کرده خرید و فروخت اجناس
جاری دارند در باب مقرر کردن کوتهی های سرکار در بندر
مندی تعلقه کچه و در بندر جام نگر نوشته بودند معلوم شد

متعاقب معتمدان سرکار را با خطوط بنام هردو راجه مذکو
معه رسمیات دوستی روانه موده می شود باید که معرفت
خود ملاقات هردو راجه کنانید کوتهی سرکار در هردو جا
مقرر کنانند حسب المعروضه شما در باب مجرا دادن
مبلغ دو صد و ست روپیه بابت محمد ابراهیم و یکصد
دو دو روپیه بابت عثمان خان جمله سه صد و شصت و
دو روپیه بنام میر کاظم نوشته شد در حساب سرکار
مجرا خواهند داد

غره یوسفی سال دلیو بریل الدین بخشی احکام
فرخ باب حصار عرضداشت مرسله از نظر گذشت و
کیفیت مندرجه موضوح گشت نوشته بودند که یک
سررشته دار کنری برای نوشتن حساب پیمایش زمین
وغیره بموجب حکم سابق حضور داشته اند اگر حکم شود
بموجب سررشته داران دیگر در مایه سررشته دارند
نورد گماشته هاش مقرر کرده شود معلوم شد سررشته دار

مذکور را معه کماشته او دیگر سرشته داران مطلوبه بهمان
برای مثل بحضور بفرستند باز از حضور روانه کرده می
شود انها را بکارهای مامور باید ساخت

---

۳ ماه آبزدی برابه رام چند عرضداشت مرسلاز
نظر گذشت و کیفیت مندرجه موضوح گشت نوشته
بودند که وجه راتب و خرچ بالای از تاریخ مرقوم منشور
حضور به نشاد جوان معه سارکه پیش ازین داخل
اسد اللهی شده اند میدهند و سد سر راتب و طلب
سابق که باقیست نیز میخواهند معلوم شد قلعدار
مذبور از عقل معرا هستند وجه راتب و خرچ مردم
مسطور از تاریخ مرقومه منشور حضور میداده باشند

بعلی راجه عرضداشت مرسلاز نظر گذشت نوشته
بودند که منشور حضور موسومه مروی ورم راج به نامبرده
رسیده شد لیکن نامبرده حسب الحکم بعمل نیا
بلطایف الحیل میگذراند معلوم شد الحال منشا

مجدد تاکید شد در باب گذاشت دهات وغیره
بموجب حکم حسب الامر مرقوم و ملفوف است باید در
نامبرده بی عدد و حرکت حسب الحکم بعمل خواهد آورد
هم ابزدی به تربیت علیخان مجرا آمد آدن طلب
پیاده های متعینه اهولی بسبب داخله ندادن بحالی
و برطرفی پیاده های مذبور عامل بهرن درک تعلقدار
و سررشته دار انجا در جمع و خرچ احشام قلعه بهرن درک
خوب شد.
براجه رام چندر فرستادن سررشته دار بندوبی و
کنری به تعلقه مکنور خوب شد باینها تاکید برنگارند که
حساب تعهد تعلقه مذبور خوب دریافته نوشته بفرستند
مجرد رسیدن حساب تعهد بحضور ارسال دارند در
بندحساب تخمیناً تعهد تعلقه مذبور که بموجب حکم مورخه
وغیره ملفوف عرضداشت فرستاده بود در رسید.
بمن الباقی بخشی احشام فرخ باب حصار قلعه دار ان
تعلم

تعلقه شماکان نوکری بنگلور و بن را بسبب عدم پابداری
حضور تعلقات خود واداشته اند همه قلعداران تواکید
نویسند که انها را نگذارند و حسب نوشته خود الواره
انهی ناکاره انها کلواری وغیره تعلقات طلبیده بکار
خانه بناد بق وغیره بدهند

براجه رام چندر و بریت علیخان وقت نگاهداشت
جوانان چنین و پیاده ها شما ها رسید سر باتفاق در
کچهری خود نشسته جوانان شایسته نگاهداشت باید
کرد و جوانان چنین که قلعداران مذکور سابق از بن نگاه
داشته اند موجودات انها و بن جوانان ناکاره آورده
طلب جوانان شایسته مجرا ماه داد

بعامل ترکنا بی معه پروانه سوسوته قلعداران و رعایا
نفرستادن پیاده ها بمواضع و نکردن کشمکش رعایا
جهت نوکری

۶ ماه اپریل سنه عیسوی مطابق ۱۱ شعبان سنه ۱۲۱۵ فصلی

عرضداشت رسله از نظر گذشت نوشته بودند که در
قلعه هندی است پور و سوند و باروت بسیار کم و
هم قلعدار کنج کوه برای باروت می نویسد و دو
صد جوانان جیش متعینه هندی است پور و صد
جوان متعینه کنج کوه بی بنادیق هستند و خبر فرستادن
سنگهای چقماق ضرور معلوم شد باروت بقدر مناسب
بهر سه قلعه مسطور و بنادیق و سنگ چقماق بمقدار
مطلوب هندی است پور و کنج کوه و نوشتند
بروانه درمیان دادن باروت و بنادیق و سنگهای
چقماق موجب اظهار شما بنام سید عمر قلعدار مرقوم
و ملفوف است و یک بروانه بنام دولت خان در باب
فرستادن سه صد گولی معه بروانه موسومه شما خواهد
فرستاد

۸ ماه ایزدی سید الزمان خان دو قطعه عرضداشت
رسله معاودت مردم اسرای ما بهار از نظر گذشت

یکصد و سی و پنج نفر اسرای تاتار را خفته کشانیده بارده
نفر کم سن را در زمره اسد اللهی و نفوذ و چهار نفر را در
زمره احمدی داخل ساخته بسیر و قلعه از نگر نمودند
خوب شد قلعه از نگر تاکید باید کرد که همه وجوه
احتیاط و خبر گیری انها بعمل آرد که ضایع نشوند انچه
از تعلب و دار و غه های و انچه جعفر خان و
راو خان و شمس الدین شریک غارت انها بودند
رقوم بود معلوم شد تحقیقات تعلب متصدیان و
دار و غه ها نموده بالفعل زری که بر متصدیان ثابت
میرسد به تشد و بعرض وصول باید اورد و انچه بذمه
هر سه دار و غه مسطور ثابت میرسد حساب بدقت تر
خوب بین باید داشت بعد معاودت انها نیز
مسوده بعرض وصول خواهد رسید

برهان الدین عرضداشت مرسله از نظر گذشت و
کیفیت موضوعه موضوح گشت بالفعل لشکر فیروزی را

متصل کنور که در مکان محفوظ و قلعت با استصواب
سپهداران فرود آورده معروض داشته بود
معلوم و مستحسن شد همانجا بخبرداری و حزم و احتیاط
اقامت نماید داشت و دیباچی و دیگر برگزیدگان
و اسباب و دواب او را همراه رساله حیدر علی بیک
و یکصد سوار و دو صد پیاده روانه حضور سازند
سیراو جامونی هر دو فرقه متعلقه کنور را تصرف
سرکار آورده در کدهی سرانک مرد آدمی سلحدار
را که با جمعیت صد پیاده بطریق تهانه نگاه
داشتند عوض شد

بمراد رام چندر معه راجه اری سے راس
کادو و جوابان جیش و بخشی و بدرقه همراهی خزانه

بمرشمس الدین و قمر الدین لوت یافت روانگی
سکور از دو درست کنانیدن روانه سکور بایدشد

و سلیمان عامل خوشحال لوت و دریاب سرشت و

درست کنانیده دادن لوب روانکار سکه و روانه کردن

کسان روانکی سکو

هم ابردی سال جلوس مسام محمد بدی و محی الدین رضا
مشوران سنگری درک بروانه تاکید بنام عامل
انجا در ماده نمودن کچهری یکجا و دادن و داخله عمل
خود شما و متصدیان تعلقه شما مرقوم و ملفوف
است برساند و موافق حکم مه باید بکر کار بندید تا

الامر برین العابدین بخشی فرح باد حصار منجمله
جوانان حسن بهرمی دار دارد و حوق بر قلعه مذکور
داشته باقی نامی جوانان را طلبداشته سه رساله
های حسن که در فرح باد حصار ستند همراه غلام محی الدین
سپه دار روانه حضور نمایند که عبد النبی را که در
بادامی ست همنجا رساله دار مقرر کرده تاکید
نمایند که زود بهر تی نماید در رساله سیوم داؤد خان
را در فرح باد حصار نگاهدارند و راهداری است تقی

۴۷۲

بیاوده گمدرکده که معروض طلب بیاوده ها می ایند

مرسلت بدستور حسینعلیخان

بجنتی یارخان عرضداشت مرسله از نظر گذشت
نوشته بودند که بیک یک هون در ماهه طرفداران
هوشیار رهم نمیرسد واز در ماهه دار یکهون برآنی
و درستی کار سرکار سرانجام بافتن متعذر اگر حکم شود
درهمین در ماهه کمی وزیادتی کرده بهریک عمال
تعلقات بند وبست کرده چواهم داد معلوم شد
در ماهه طرفداران تعلقات متعلقه خود بقدر گذران
انها مناسب دیده مقرر کرده بند وبست باید نمود
که بانین همین کار سرکار سرانجام یابد در مقدمه در ماهه
سرشته داران وسا وغیره پیش ازین
منشور مرسل شد موافق آن کار بند شوند

ه ایزدی یاب نوروز له رعیمه خیرت خیمه مصحوب
کوبال کشن چهره ارای وصول شده سرور ساخت

انچه در باب زر پیشکش مرقوم بود معلوم شده بخصایفه
زر مذکور بچهار قسط به رسما دیوان مکرر باید رسانید
در باره وصول نمودن زر مسطور بچهار قسط بر دانه
نام دیوان مکرر مرقوم و ملفوف است پیش موسی الیه
باید فرستاد و مبلغ بست و شش لک روپیه بابت
تغلب که بذمه کاربرداران و عزه الهربان تقریر
یافته است حساب آن دریافته بقید و تاریخ کاری
از انها بعرض وصول آورده نشان سا هوان
باید نمود

۱۸ ابردی راجه رام چندر سه قطعه عرضداشت
مرسله از قطر گذشت و کیفیت مندرجه موضوح
گشت بموجب معروضه شما یک قطعه بنام قلعه دار
مدکری در باب رفانه کردن عامل معزول پیش آن
عظمت نشان و یک قطعه بنام قلعه دار کولار
در باب سپردن خمس اموال و اسباب سند علی

عامل معزول باد مرقوم و ملفوف است نزد هر دو مامور
فرستاده عامل معزول مذکوری را طلبیده زر دا
سرکار بعرض وصول آرند و هم آثاره و اسباب عامل
معزول کولار باو دهنده زر زمه او وصول نمایند
مقدمه سمیر وغیره را نیز فیصله باید داد و یک جا عدار
برای خبر کردی طویله جرای بسکوته از حضور روانه
نموده میشود از دار السلطنته بتن

۲ امیر کاظم مبلغ پنجاه هزار روپیه را بموجب نو
سابق مروارید کلان و بهتر خرید باید نمود مروارید
خورد خرید نکرده از دار السلطنته بتن

۳ بیاید به برهان الدین لوکوجی و کاکو ارمعه فوج
مامور شده باطراف شما آمده اند شما معه فوج
حسب دستور وارد فرود آمده و قلعه از دقایق حزم
و هوشیاری فروگذاشت نمایند و بر عایا
و برایای ان نواح تعدی نکنند حزم واجب داند

براجه رام چندر در باب وا ماندن راتب افغان

دسته های ماه مرزا خان

ه ایاضی براجه رام چندر معه فرد منازل از جلور
بافیض حضار و تحقیق کردن آن را و نوشتن نوا کید
بعمال در باره جمع کنا ماندن کلی منزل بمنزل نقد رده
هزار اسب طوله و تقرر کردن برحسب کرده

19 ماه احدی سال دلو میر را محمد سحان بهادر
شمشام الملک خانصاحب مشفق مهربان سلمه الله تعالی
بعد اشتیاق ملاقات مسرت ایات مشهود خاطر
نود و مظاهر نموده می آید رقیمه محبت ضمیمه متضمن
تصمیم عزیمت رسیدن انجا معه جمعیت چهره ارای
وصول شده مسرور و منشرح ساخت رسیدن
انجا خیلی مستحسن است بخاطر جمع و اطمینان کلی عازم
انصوب شده مسرور ملاقاتها باید نمود که باهم
مشتاقیم چون مسافت بعید است هر قدر جمعیت که

ممکن شود همراه خود باید آورد ان شاء الله تعالی
تقریر جا کیر و فقد قسیکه مرضی ان مهربان خواهد بود
بمنصه ظهور خواهد رسید تسبیح و سجن وغیره که
بمقتضای محبت فرستاده بودند رسید و خیلی
مبسوط گردانید اگرچه تکالیف دنیوی با فضال
الهی بمقیاس مهمات مکرا این تحفه دنیی را از
مغتنمات دانسته شد بخاطر بود که خلعت و جواهر
وغیره برای ان مهربان فرستاده شود لیکن مرکار
با سبب خطر راه قبول نا خفند لهذا فرستادن
آن بعمل نیامد زیاده چه

بمرکاظم داروغه کوتهی سقط سیادت و دعوا
شان آنکه قطعه عرضداشت معه دو قطعه جمع و
خرج مرسله از نظر گذشت و همه کیفیت معروضه
موضوح گشت بجای سنگ نیلم نمک معدنی خرید
کرده و بمنازل سرکار رسانیده اند

از آن

940

خوب شد اینده نیز بجای سنگ هیلم نمک مذکور خرید
کرده برمنازل سرکار بار کرده مفرستاده باشند
تجاران مسقط داود دکی نامبارد رست تبار
بیست زند چهار پنجفر شتر بار راهر قدر که خرج در حوالت
کنند داده روانه بندر کورمال باید نمود کوتهی مسقط
تابع غلام محمد عامل کورمال نموده شد جمیع امور موافق
نوشته سوی الیه بعمل می آورده باشند وهیچ امر احتیاج
حکم حضور ندارند فوتهالان خرما و پرورش کنده
های آن ارسال حضور نمایند کندک هرقدر که بهم رسد
خرید کرده برمنازل سرکار مفرستاده باشند
غلام علیخان وشاه نورالله وغیره حسب الحکم حضور از
راه مسقط روانه روم شده اند هرگاه برسند خبر رسیدن
شان برنگارند برنج ومرچ سیاه وصندل والایچی
سرکار مناسب دیده بکفایت سرکار بفروخت می
آورده باشند وحساب خرید وفروخت نزد غلام محمد

بفرستاده باشند جمع وخرج های مرسله رسیده زعفران
در ملک ایران منشو و تخم ان طلبیده اشته ارسال حضور
نمایند از طرف دلال نگاشته های او جای نوشته
کرم ابریشم و پرورش کشده های آن طلبیده روانه
حضور نمایند وغواصان را هرچه خرج درخواست
کند داده معه وابسته ها از بحرین و هرمز طلبیده اشته
روانه نمایند مخ خرکلان از پرستاخ طلبیده بفرستند
رودادالضلع وایران که نوشته بودند معلوم شد
همین قسم می نوشته باشند وبغلام محمد ناکید نوشته
شد هرتاجری که چتهی شما بارد برنج وغیره او را به
قیمت بدهد

---

4 بغلام محمد سه قطعه عرضداشت دو دو جمع وخرج مرسله
هیرکاظم بجنس مرسول ست همه کیفت دریافته باخبط
دارند واز سقط هرتاجری که چتهی نابرده بیارد
اورا برنج وغیره بقیمت باید داد وناببرده بجای نگذیم

F32
P. 40 b.

نمک معدنی خرید کرده بر منازل سرکار فرستاده است
نمک مذکور چه قسم است و خرج آن در این ملک است
یا نه همه کیفیت آن بنویسید و نوشته است که نمونه
آن فرستاده ام باید که نمونه مذکور بحضور بفرستید
۱۳ و اسعی سال مالو مبنام ارشد بیگ خان
علام عامل کورمال دریاب خرید کرده فرستادن ده
بطل شنجرف و ده بطل حنا سرخ و ده اطل کتیرا
و یک بطل زنگار بنویسکی نه بین
بمحمد علی دارو غه فیلخانه معالجه ناسور دندان
انچه مناسب و ضرور باشد باید کنایند در باب
رسانیدن وجه طلب فیلبانان رکسارمان بسمت
انجا حساس و دیوان انجا نوشته شده
است خواهند رسانید
ختم شد
بعد هم ماه ماچ سنه ۱۹۰۰ میلادی

for Baird
Jean Dulo
AH. 1200
AD. 1785
Sam 1214

for Suffar 25
to
Ge 10 174

۱۱۱۱ احمدی سال دلو در مقام بنگلور منام سانور دالہ
مفاوضہ خیرت طراز ردی وصول نموده مسرور و سربیت
مرقومہ مطلع گردانید آنچه از تقاضای شدید راکهندنا یک
وغیره برای تفریق هشت لک روپیه دانستدهای بروانه
تاکید منام نایک مذکور در ماده عدم نشد و زر مسطور
قلمی بود معلوم شد حسب درخواست ایشان بروانه تاکید
بنام نایک مرقوم شت باید که نامبرده را معه اهلکاران
خود که سابق بحضور آمده بودند روانه سازد ما فیصله
قیمت زر و زیور و جواهر وغیره که همراه و متهل و اس
سا هو بحضور موصول شده است معمل آورده داخل سرکار
گرده شود نوشته بودند که بالفعل طرح هنگامه مقهور زیاده
رو داده است از انجهت رعایا و سکنه وغیره انجا خیلی

لکی

مشوش و پریشان خاطر اند با بران ایصال زر واجب
الادای سرکار متعهد شده موضوح شدانت و الله المستعان
عنقریب رفع متهور میشود و اشقیای مذبور به تلافی کردار
ناهموار خود ها میرسند بعد حصول طمانیت و تسکین
رعایا وغیره بادای زر مزبور باید پرداخت نظر به
آسودگی و خاطر داشت ایشان ساهوی مذبور وغیره
را حضور طلب کرده شد تا رفع مهمله بکاوش و
تقاضای زر نه پردازند زیاده چه بقلم آید

۱۲ آنکه بنام شمس الدین خان و غلام حیدر در باده وصول
جمع و خرچ و سل مان رساله بحضور

۱۳ آنکه بنام داروغه دار الضرب در باده رد و بدل
کردانیدن حیدری و اقلام و مامور بودن در کار متعلقه
خود بموجب حکم مرحضور

۱۴ آنکه بنام عامل بالاپور در باده بگیر و در آوردن زردا
و روانه ساختن انها بحضور و تحقیقات نموده رسانیدن

علم‌ها و غیره سرانجام سرقه در عاشورخانه که در دی شده
باشد

۲ امنه بنام عاقل محلل روانه ساختن و زدیکه علم‌ها
صرف کرده بقیه سنهای علم که خرید کرده بود نزد عاقل
بالا نور بجا شد

۳ امنه بنام میرابراهیم تعلقدار ست بارکنیف فاند
رلقه مهای مالده و مایران بارشد یکمن ظاهر کرده
بواقعی به بنه انها بردارند

۴ امنه بنام محمدجان تعلقدار سرکنامی در ماده روا
ساختن برادر خود بحضور

۵ امنه بنام محمد شفیع تعلقدار منصبر خورد برد سر
شته دار
سکل بدیوان کچهری مکرر باید نوشت و بواقعی عدد رباقی
خورد برد باید برداخت

بنام دار دغه های جمعه ماندو سه سک میان
نه زیاده خورد و بکلان باشد بحمل اسکدار روانه حضور

باید نمود

۲۶ نسخه بنام محی الدین علیخان و عزت خان در ماده
تعرض سرکار بهری و اینکه سرکار مذبور شما را در دام
بلا مبتلا خواهد کرد

۲۶ احدی سال دلو در ماده روانه ساختن هفتاد
بخفر پیاده حسب الطلب بخشی اخشام همراه سرا
۲۶ نسخه بنام غوث محمد خان و محمد خان در ماده شاکر آمدن
کمک سرطان و ماه مک از حکما

۲۶ نسخه بنام محمد اشرف دیوان فیض حصار انجه زر بحصیله
تعلقه در انجا موجود است همانجا باید داشت و تحصیل
زر دیگر باید پرداخت حسب الوسته شما بروانه در ماده
گشت نمودن کرده و نوام تعلقه فیض حصار به بخشی
اخشام

۲۶ نسخه بنام مرقوم ش
بنام بخشی اخشام فیض حصار انچه جمعیت که بعد جوکات
وغیره در انجا هست همراه خود گرفته کرده نوام فیض حصار

تا چهار سیر کروی کشت نموده باشند

۴۰ نامه بنام علی راجه زاده بهبهم و سوانح نوشتن
کیفیات و اخبار بندرسی و ملحری بحضور

۴۱ احمد رسائل دلو بنام برهان الدین عرضداشت
مرسله از نظر گذشت و کوالف مروضه تهمداکشت

نوشته بودند شیخ عنصر و سید غفار را برای کمک کنتور
رسانده بودند شیخ عنصر از راه علاحده رفته بر مورچه
مخالف افتاده یکهزار پیاده را قتل و اسیر نموده داخل
کنوا شد و سید غفار هم بر راه علیحده رفته بر تهانه
قلعچه مخالف که با نصد نفر سپاه بودند افتاده انهارا
قتل و اسیر و بر تلاب یکهزار سوار مخالف شتخون کرده
اسپان بی شمار غنیمت آورده سعه قشون خود بکنور
رسیده و بعد طمانیت مردم تهانه سرکار ورسانیدن
اذوقه وغیره از راه جاری هر دو سپهدار با یکدیگر
مراجعت نمودند در عرصه یک شبانه روز داخل لشکر

فیروزی

فیروزی خواهد شد بعد رسیدن انها موجودات اسپان
وغیره دیده معروض حضور خواهند نمود که تیر سواران فراق
سرکار همیشه اسپان غنیمت می ارند حسب الحکم معاف
کرده میشود معلوم شد بعد رسیدن هرود سپهدار
کیفیت جانفشانی مردم سرکار مفصل دریافته بحضور
باید نوشت تا برای دادن انعام حکم فرموده خواهد شد
واسپان مخالف چه قدر غنیمت اورده اند بر نگارند قلمی
بود که هفصد نفر پیاده نکر برای تعیناتی کتور معه یکنفر
سررشته دار و حسینی بیک قلعدار داخل لشکر فیروزی
شده بودند پیاده های مذکور را معه سررشته دار به
کتور فرستاده اند و قلعدار مذکور سخت برای همین صحت
میباید روانه کتور کرده غوث محمدخان منشور دویم قلعه
دارو اورا روانه دارو خواهند کرد معلوم شد باید
که حسینی بیک را در لشکر خود امانت دارید چون غوث محمدخان
منشور دویم دارو را که ببار مضبوط کرده است در کتور

بدارند و کیفیت تردد ان بحضور معروض دارند تا برای
دادن انعام انها نیز حکم فرموده خواهد شد نه غوث محمد خان
منشور مذبور در شیر خان عامل تاکید بر نگارند که اگر عهده
برای از قلعه کنور نشود و اذوقه و غره نباشد برای آن
مردم سرکار را ضایع نباید کرد و قلعچه را گذاشته از
راه جهاری بلشکر خود بیایند چرا که نشه کل است وجود
عدم آن مساوی است زیاده ۰

۳۹ احمدی سال دلو مبنام برهان الدین کنبکه
اسپان و شتران مخالف غنیمت کرده می ارند معاف
نمایند و اگر در صورت عدم ضرورت خود بفروشند
کفایت وارد مناسب خرید نمایند و در قیمت ان بدهند
و برون فروختن ندهند و کسنیکه در برادری جا عداوا
ی روزگار خواهد بود مانعا تاکید باید نمود که براسپان
غنیمت کرده مثل کنا بنده نوکرکن نندسابق برای
طلبداشتن مردم قلعه کنور از راه جهاری بلشکر خود

الخ

نوشته بودیم الحال نوشته میشود که ایمعنی را موقوف
نموده انچه رسد دیگره ضرور باشد به قلعه مزبور برسانند
که عنقریب سواری خاص در انجا میرسد و مخالف هم برجا
رفته ست زیاده

سلخ سنه بنام راجه رام چندر در مادهه فرستادن یارکردا
ادکرکها و فرستادن ان بحضور

سلخ سنه بنام قریب علیخان در مادهه فرستادن سیر و چهار
روپیه و جه هدیه دو جلد کلام الله

سلخ سنه بنام شیخ الدیجا ان متضمن رسیدن جواهر
بحضور و حاشیه طلای دوازده دیم عمارمعه کواغذ ملفوفه
و طلا خریدکرده بدندکشیدن کوتهی کرنکل برای طلا
ضرور نیست راهداری سرده نفر کولر ملفوف ست

سلخ سنه بنام راجه رامچندر در مادهه فرستادن یازده
راس کاو و کاغذ کنده و فرستادن کاغذ اینده باریم
بحضور

سلخ نسخه بنام زین العابدین بخشی احشام فرجاب حصار

در جواب خطوط محمد غیاث بصحبت جاده ها و هرکاره ها

که شما روانه حضور نموده بودند مرسلت بمجرد رسیدن هرکاره ها

بهمانوقت روانه بیشتر نمایند

نسخه بنام احمدی یساول دلو بنام عبدالنبی کلیدار

در باده رسیدن حضور معه مردم بار باطمینان کلی و خاطر

جمع و اینکه موافق شرح و سررشته دار سرکار بعد رسیدن

حضور پرداخت بعمل خواهد آمد

نسخه بنام میر محب علی بخشی احشام فیض حصار پیاده های

قلعه نارنول را تا بست روز دیگر توقف نمایند

و روانه مرکسران نزند بعد رسیدن سواری خاص

دران نواح روانگی پیاده ها مضایقه ندارد بالفعل

موقوف باید کرد

نسخه بنام قلعدار نارنول حسب مقروضه حضور

باده توقف نمودن روانگی پیاده های قلعه شما بنام

الخ

بخشی اجناس فیض حصار بدانه مرقوم و ملفوف آنه
رسانند و بعد رسیدن سوارهی خاص دران نواح
پیاده ها روانه نمودن مضایقه ندارد و بموجب تصدیق
بهرسانی پیاده ها باید کرد زیاده

۴۰ احدی سال دلوا از مقام ملوک بر واجبات شام
اشیاص مفصله ذیل

له ۱۰۰ قطعه

بدر الزمانی	فاتح نگر	دیوان نگر	دیوان بیگی
قطعه	قطعه	قطعه	قطعه
دیوان اجناس فیض حصار	دیوان و بخشی اجناس	بخشی احشام منکوره	بطلان شاه
قطعه	بطحانی	قطعه	قطعه
بودهن شاه پسر	فاتح بیگ	دیوان و بخشی احشام	قلعه دار نگر
قطعه	قطعه	قطعه	قطعه
قلعه دار بیگی	قلعه دار بیگ	دیوان و دوتی	قلعه دار فیض حصار
قطعه	قطعه	قلعه دار فرخ حصار	قطعه
تحسیلدار دوجیسی	تحسیلدار مرج	برهان الدین	مراد حسین
قطعه	بارکدار	قطعه	قطعه
	قطعه		

قطعه

محمد از کوه مال

۳۸ سنه بنام اسحاق مذکور

در زمان خاتم النبیین صلی الله علیه وآله وسلم احکام الهی
جاری شده بود من بعد بسبب ضعف اسلام در عهد
سلاطین ماسلف جاری نشد لهذا احکام مذبور بعون الله
تعالی جاری کرده میشود لهذا احکام مسطور بجهت هدایت
اسلام ما مهر و دستخط ملقوفست باید که تمامی اهل
اسلام و قاضی و غیره بر رکان کچهری متعلقه خود را تابعین
بهمین نهج بفهمانند و اطلاع اسمعنی بر هلاد واجب و لازم
شرط دینی انگارند که اجرا جهار جنبی سنی می باید که
بقبول احکام مرسله سعد دنوب نیده پیش اهل اسلام
و قاضیان و غیره علاقه خود بدهند تا شهره کلی کرد

زیاده

491

ازانجا کہ نیت خیر طویت بموجب حکم خدا و رسول بدلول
ما لوالدین لا یؤمنون باللہ ولا بالیوم الآخر ولا یحرمون
ما حرم اللہ و رسولہ ولا یدینون دین الحق من الذین اوتوا
الکتاب حتی یعطوا الجزیہ عن ید وہم صاغرون بوسیلہ
مصروف برآن ست کہ کفار زنابکار کردنکش کہ سر از
اطاعت اہل اسلام باز زدہ اعلاً اعلام کفر میہ ند
از دست مسلمین سر خنک یافتہ دین حق یا جزیہ قبول
کنند خاصہ در ین ایام کہ بسبب ضعف سلاطین ہند آن
کردنشقاوت نشوہ و معہم باطل خود اہل اسلام را ضعیف و
حقیر و ذلیل پنداشتہ در ما بین ہم اکتفا نکردہ آمادہ بہ قصد
خنک کردیدہ تا خت و تاز بلاد و امصار مسلمین نمودہ
مال و عرض مسلمین را دست خوش بیداد ساختہ آند و ما
بحول و قوۃ الہی بمحض تقویت دین مبین مبادرت ای ایہا الذین
امنوا ہل ادلکم علی تجارۃ تنجیکم من عذاب الیم تؤمنون
باللہ و رسولہ و تجاہدون فی سبیل اللہ باموالکم و انفسکم

ذالکم خیر لکم ان کنتم تعلمون یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنات
تجری من تحتها الانهار و مساکن طیبة فی جنات عدن
ذالک هو الفوز العظیم و اخری تحبونها نصر من الله و فتح
قریب و بشر المومنین فلما قصد اغزا و جهاد عزم جزم نمود
ایم لازم دان نمود که بفحوای آیه کریمه الامرون بالمعروف
و النا هون عن المنکر و الحافظون لحدود الله اعلام نصرت
غزای محمدی بفاطبه مومنین و کافه مسلمین اعم از
دور و نزدیک نموده بیشه غفلت از کوشش هوشیاران
بیرون کنیم خصوصاً ان کسانیکه از مضمون آیه وافی
آیه ولا تطع الکافرین و المنافقین ان الله کان
علیما حکیما غافل شده اطاعت کفار و حاکری ان
کروه نفاوت اثار اختیار نموده اند لهذا اقلمی میکردد
که هر که در بلاد کفر و اهل نفاق که انهم یخادعون الله
و الذین امنوا و ما یخدعون الا انفسهم و ما یشعرون فی
قلوبهم مرض فزادهم الله مرضاً و لهم عذاب الیم بما کانوا
یکذبون

یکدیگون مصداق حال ایشان است سکونت داشته
باشند باطمینان قلب و خاطر جمع عازم این نواح شده
نقل از بلاد کفر که از فرائض است بعمل آرد که بفصله
هرچه در اینجا سررشته معاش داشته باشند در اینجا
بوجه احسن بهمت او مقرر کرده خواهد شد و مال و جان
و عرض و ناموس او در پناه خدا خواهد بود ملاک نیکه
که در اینجا سررشته معاشی نداشته باشند برای اهتمام
فراخور احوالشان چیزی مقرر خواهد شد چنانچه احکام
مطاعه مشعر بمضمون در تمامی قلمرو اصدار یافته است که
پناه اورندگان در پناه خود گرفته حقیقت چگونگی حالات
انها بحضور عرض نمایند تا ان شاء الله المستعان بواجبی
پرداخت احوال انها بعمل آید و هرکه این سخن را بسمع
اصغا قبول نکند یا کتمان امر مبنی نموده شروع مذهب از
کسوت جمعیت عادی و بی بهره از سعادت دینداری
و سرار و لایعه حضرت بالی و از دایره اسلام بیرون

محسوب در زمره کوافر ملعون خواهد بود حافظ
از قدم نهی در زمره شرح و دین حافظ بصدق بر رد
شود همت شیخ نجف ولا بقولن لشی انی فاعل ذالک
غدا الا ان یشاء الله والسلام علی من اتبع الهدی

دویم بهاری بنام برهان الدین عرضداشت مرسله
از نظر گذشت و کیفیت معروضه پیداکشت فیمابین
نظام علیخان و مظهور برای دادستند منافقه رد
نمود چنانچه چاندبور از بادامی انطرف نشین کرده کوچ
کرده رفت عنقریب کمک بادامی و رام درکه منجر
باید بعمل می آید شما خاطر خود مطمئن دارند معاف
نمودن انسان و سوالشی مغتنمه بجا شد آینده هم
همین طور بعمل می آورده باشند زیاده چه

سه بهاری بنام فضل علیخان انچه کیفیت مردم
سرکار رکه حالفتی در کار سرکار نموده مجروح شده
اند [illegible] علوم شد سوای قاعده سرکار زخم بها

برادران و اسپان وغیره معتمد را بموجب حکم سرکار مارده
های ان معاف میکرده باشند

عرضه نام محمد علی سپهدار بعد رسیدن سوادی حاصل
و دران نواح یک رساله که در تشون شما کم است داده
خواهرشد زیاده چه

دویم بهاری میرکاظم دارو غه مسقط وغیره نمک سنگ که
برای نمونه فرستاده بودند بسیار بهرست دنگی های
سرکار که برای فروخت بریخ وغیره در انجا می اینند نمک
مذکور بقدر خرده معه فرد قیمت ان بحمل دنگی های مذکور
نزد عامل کورمال می فرستاده باشند تخم زعفران وکرم
ابریشم وبهنال خرما و بادام و پسته و بجاران و دوساز
وغواصان مردارید در حضور اضرور اندیشه نموده
نوکر داشته معه پرورش کنند کان نهال مذکور وغیره
روانه حضور نمایند برای خریدی مروارید پیش ازین نوشته
شده باید که مروارید ابدار و بهتر و کلان کفایتوار خرید

نموده روانه نمایند

بدارو غه جنس ایضا در ماده فرستادن کتب بضمیمه
مفصلی و مجملی و فتح الهی هر دین انچه نقل شده باشد
بفرستند

ایضاً رین العابدین بخشی اشام فرج باب حصار انچه
زر سرکار که بذمه سید عبدالله قلعدار سر اوا جب الطلب است
وصول ساخته روانه قلعه سازند جمعه واقعه ایشان
قلعدار باهوش بر قلعداری مکان مذکور مقرر فرموده
روانه نموده میشود

ایضاً بنام سید محمد قلعدار تین متضمن فرستادن عر
قاضی بتن و دریافت مقدمه قضایا و فصیله دانیدن
موافق شرع و ممد و معاون بودن قاضی مذبور در
امور شرعیه

ایضاً بنام قاضی تین انچه مقدمات شرعیه است
بقلعدار ظاهر کرده فیصله نموده باشند

ایضاً

Bella

ایضاً شمس الدینخان متضمن فرستادن فرستادن
راهداری دوادم کلیانور

ایضاً بنام میر معین الدین سوای جمعیت تعینه شما
چهار قشون محمد حلیم در رکاب علی بیک و شیخ عمر و احمد بیک
برای همراهی شما مقرر نموده شد باید که هر چهار قشون
را بچهار سمت منزل فرد فرد آورده شما اندرون
قشونات مذکور فرود می آمده باشند برای قشونات
مذکور محمد کاظم و نیکت زاد سرشته دار تعلقه خویش
مقرر نموده شد سوای ان یکرسالدار معه سوار و پیاده
بسرکرده کی محی الدینخان رسالدار همراه شما مقرر کرده
شد

ماهاری بنام شمس الدینخان و غلام حیدر و سیر
انکشتری مرسله موصول شد مفتاح الصلوة در کتبخانه
است برآورده ازروی ان معرفت قابض بتن جلد
جلد سوجوره نویسانیده دوده اجوره انچه باشد

روانه حضور نمایند و بعد نقل هر چهار جلد را اول و آخر ده
ده ورق ساده و ما بنده به جلد و هند و هند

امسه بنام تعلقدار خوشحال پور بموجب تصدیق چهار
نفر هرکاره و دو نفر سائیس که در حکمنامه شمس الدین
و قطب الدین مرقوم است ملاحظه کرده سیداده
باشند و عذر دیگر در میان نیارند خانچه سابق هم
در نیاده مرقوم شده

ابنام میر ترصه رسانیدن پانزده هزار و هفتاد
و هفت و نیم هون سلطانی و دوازده صد حیدری
نوبتیار توشکانه بتن مستحفظ شد امنده هم همین طور
کاربند شده کیفیت ان بحضور معروض مینموده باشند
زیاده چه

امسه بنام محمد مهدی بخشی انجام بتن کسی را در
خانه خود آمدن نباید داد و هرچه سوال و جواب باشد در
کچهری حضور باید کرد و اگر مردم در خانه شما

خواهند آمد از کوشش و بینی معذور خواهند شد در نیاد
نقد دارند و بر خلاف حکمران کار بند شدن محل تعجب است
شاید حکمران را بر طبق نشان گذاشته خلاف مرضی
حضور بعمل می آورده باشند در نیاده تاکید دانند

یاده چه

ظفرآباد

۱ نسخه بنام محی الدین علیخان و حراست خان دیوان
متضمن وصول ده روپیه نذر بابت جلوس خاص زیاده چه

۱۱ نسخه بنام راجه رام چندر در یاده خریدن ختن سیزده
ضرب بندوق هر یک بقیمت سیزده روپیه

۱۰ نسخه بنام غلام حسین صاحب در آدونی آباد
و سجاد صاحب و امن صاحب در حیدرآباد و فرزندان
سنجن صاحب و سن صاحب برادر نصه معزالیه در بنگالور
حضرت والا نسب کریم الاخلاق عمیم الاشفاق خاطر
مشتاق استفاده مواصلت است چون ظهور امر منحصر
وقت است لهذا بتسطیر این رقیمه مکلف خدمت میشود تفصیل

است که توجه خاص برای صلاح و فلاح اهل اسلام و
شکست کفار نابکار مصروف خواهند فرمود و در انچه
رونق دین مبین محمدی باشد متوجه خواهد بود در جا
از ارباب فضل و کمال از روی احادیث و کتب فقه و
تفسیر بعضی مسایل دینی برآورده اند بخش ملفوف
مبرهن رای شفقت اقتضا خواهد شد انحضرت نیز
بارشاد و هدایت رساد کافه اهل اسلام را مهده
اند و زفرمایند که بفضل الهی در سرکار این صداقت
شعار فراخور احوال هر کس معاش موجود و غور
و پرداخت منظور و ملحوظ است

الامر بنام قاضی نکر حسب الدرخواست شما جهت
مرمت مسجد متعلقه نکر سال بسال بنام قلعدار نکر
مرقوم و ملفوف مرسل شد

الامر بنام سید پیر قلعدار بلور محمد مسیح را در
عسکر داشته بهرتی جوانان عسکر خواه کنند

الامه بنام زین العابدین بجهت انعام فرج بیگ حصار

حسب العرضه خود پیاده های علاقه فرحبیگ حصار

بگمیشدرکده فرستاده عوض ان پیاده های گذشته مذکور

بفرحبیگ حصار طلب دارند خانچه مرقوم نگاشته

بنام دولتخانه مرقوم شد

الامه بنام برهان الدین نوشته بودند که سید حمید

جوقدار قشون سی عدد مقلعه عسکری ساعده تبریزی

جوانان نموده است معلوم شد نامبرده را برسالداری

یکرسالونکه سید غفار فراهم کرده اند مقرر نمایند

وبرای رسالداری جوزمیش شخص دیگر از حضور

مقرر شده روانه شده است خواهد رسید بعد

بلبدن شما بحضور در یافت جانفشانی نموده

شون سید غفار دستخط عفو سرافراز فرموده خواهد

شد

الامه بنام امیر معین الدین [illegible]

ربهبر مرسل است این را نزد خود داشته لفافه
سابق روانه حضور نمایند و مردم فوج خود را تاکید
سازند که سرانجام طعام شش روزه نزد خود
موجود دارند هرگاه که حکم و امر شود معمل آرند

۱۳ مادہ هر یک بارکیر کچهری و سوار کچهری بمردم متعلقه
خود تاکید نمایند که سرانجام طعام شش روزه نزد
خود موجود دارند و خیمه و پال وغیره در بهر گذاشته
خریده باید دوباکد و همراه باشند

۱۴ مادہ هر دو جیش کچهری بمردم متعلقه خود تاکید
نمایند که سرانجام طعام شش روزه نزد خود موجود دارند
و خیمه و پال وغیره علاقه خود در بهر گذاشته کندله ای
سرکار همراه باید داشت و خریده باید نمود

۱۵ مادہ بنام بخشیان انجام کچهری بمردمان متعلقه
خود تاکید نمایند که سرانجام طعام شش روزه نزد
خود ها موجود دارند و برکاوان ندارند و خیمه و پال و

انجام

سرانجام کران وغیره در بهیر گذاشته مریده همراه باشد

Behing.

ه امنه بنام شمس الدینخان وغلام حیدر داروغه توشکخانه پتن متضمن وصول گلستان وغیره کتب مرسله ازنظر گذشت

ه امنه بنام سید میر قلعدار بنگلور در باده دادن پیاده ها بطریق بدرقه همراه بهوپان فرستاده راجه رامچندر بحضور

ه امنه بنام راجه رامچندر تصدیق مردم کوتوالی پیش ازین فرستاده شد دیر دانه بنام سید میر قلعدار بنگلور در باده دادن پیاده ها بطریق بدرقه همراه بهوپان مرقوم وملفوف است

ه امنه بنام مرزا جعفر عامل انبامی درگ در باده روانه ساختن جنس مطلوبه برکاوان نوکر بحضور والا

امنه بنام تربیت علیخان متضمن فرستادن دو قطعه پروانه بنام قاضی وشاه کلیم الله

طاہر بہاری بنام ارشد اللہ خان در بارہ بحال
داشتن دلسب و اولکیان بموجب معمول سابق
و تکرار بجا نمودن در نیمقدمہ و نویسانیدن در دفتر
حساب و کتاب احشام بکچہری دیوانی

طاہر بہاری بنام سید محمد خان بخشی اسد اللہی
در بارہ گذاشتن مقدمی با پور او مقدمی نوار
یرک اسد اللہی و مامور کردن نامبردہ برای نوشتن
حساب در کچہری علاوہ خود و رسانیدن بالکی شما
بنام عامل ثمرین پروانہ ملفوف است

طاہر بہاری بنام عامل ثمرین در بارہ رسانیدن
بالکی سید محمد خان

طاہر بنام غلام حیدر دار و غہ توشکخانہ در مرسلہ
شما بابت وجہ طلب مردم منعبہ الوری محال
خاص رسیدا نیدہ عمال و صعبات در طلب مردم
مذکور جاری باید داشت

۴۰

۱۰ اهبهاری بنام نزهت علیخان در باره مقرر
نمودن وجه یومیه عاقبت محمود شاه و فوراله شاه
مناسب دیده

۱۰ اهبهاری بنام زین العابدین بخشی احشام
قرجات حصار در باره وصول کرده کرفتن مبلغ یکهزار
و شصت و شش هون از اسمعیل خان ماضی
انکیری و سر آوردن او و بعد ازان روانه ساختن
بحضور

۱۰ جعفری بنام علی راجه در باره رفتن معه جمعیت
خود نزد ارشد یکخان و قلعه ساختن بنا بران

۱۰ جعفری بنام شمس الدین خان حسب الدرخواست
شما یکقطعه راهداری معه پروانه در جواب علی راجه
ملفوف است

۱۰ جعفری بنام محمد شفیع تعلقدار منجیر در باره
وصول ساختن سه هزار و هشتصد هون خورد و برد

سرپرستان داران بمکمل و اطلاع نمودن ان

ه جعفری بنام علی رضا منشور قلعه کچنه رکنده در
باره مفید و بابر بخیر داشتن مردم یک خوانان و خود
دیگر منشوران و غیره بکار ماموره خود سرگرم باشند

ه امنه بنام زین العابدین بخشی اشام فرخاب
خصار در باده زباده داشتن بیاده ها در کندهی
الور معلق کنکیا بسر کردگی شخصی

ه امنه بنام محمد شفیع داروغه توپخانه بموجب
فرموده حضور اتواب دوازده رطلی و نه رطلی همراه
باید آورد

ه امنه بنام شمس الدینخان وغیره بر سه داروغه
مالخان و دلاور خان روانه پتن نموده شد حواله
عظیم الدین داروغه نمایند که مرمت نماید

ه امنه بنام اسد علیخان از طرف علی رضا و
بال مکنداس در باده قبولیت چهار امر مالث فهه

بقلم

بصاحب ظاهر نموده بودم از هر جهار امر کدام امر قبول است
آمده ظاهر باید نمود که بموجب آن معروض نموده به تفحص سوال
وجواب برداخته خواهد شد ناموس یکعالم در قلعه واجتماع
مردم بی شمار در انجاست دیده ودانسته بحوالی ناموس
مردم پرداختن ضد از مال اندیشهاست وتعویق در تکار
صاحب کلی وباعث خرابی سکنه انجاست واحوال
حمک وطغیانی جوانان ظاهر در صورت بر ما تفصیل نقد
پرداختن اصلح وانسب وموجب آسودگی وفلاح خلایق است

۶ نامه بنام زین العابدین بخشی اختتام فرح باب حصا
انچه از مفید وجوکی بهره داشتن پسر وبرادر یکیا
کو بند اما تعلقداران هر سه ملی نوشته بودند معلوم و
سخن شد

۵ نامه از طرف علی رضا وبال بکداس بنام اسد ملیحان
اد هونی والا رفعه مرسله روی وصول نموده بر کیفیت مرقوم
مطلع گردانیده نوشته بودند که پیش ازین موافق ابجا

حضور در سوال وجواب هیچ تصور نکردند حالا هم هیچ تر
دوستدار بموجب اظهار سابق در حضور عرض نموده معا
را درست ساخته اطلاع دهد که بالفعال مقدمه خواهند
پرداخت ونکبای ایمعنی بدوستدار عاید خواهد شد
در نیاده سعی موفوره نموده جواب صواب برنگارد
معلوم شد فلک مستعد وآماده خانه خرابی ست حیف
هزار حیف که هنوز صاحب چشم بصیرت را دانکرده و
مال کار ملحوظ نظر نداشته قلمی نموده اند که حالا هم هیچ تر
از ایمعنی خیلی تعجب وتحیر دست نمود انمهربان ازطرف سیکم
صاحبان بکمال عجز والحاح همت تصفیه وتنقیح معامله
ظاهر نموده بودند بلحاظ ایمعنی واجتماع نامرس بکعالم
در قلعه که در صورت توعد یکر خانه خرابی وناموس ریزی
غلابی خواهد شد بانواع واقسام بعرض حضور پرنور رسانیده
مزاج مبارک خداوند نعمت را بر فیصله مقدمه آورده الم لیکن
انمهربان در انفصال مقدمه عذریات بیان می آرند معلوم
بشود

مبشود که مرضی صاحب خانه آبادی اقای خود و خرابی
مردم است یعنی راعلاج کسی پیش نمیرود لازم آنست
که حالا هم حسن و قبح اینکار را خوب بمیزان عقل سنجیده و
فحارت فیصل سوال و جواب از طرف اقای خود کرفته
بیایند و بعد رسیدن اینجا بهر نحو که بشکل تنفیح معاملت
شود نمایند که درین صلاح و فلاح یک عالم است والا
تعویق در اینکار قسمی منحر بصاحب خواهد کردید که در آن
زمان سعی با وصاحب فایده نخواهد بخشید بفضل الهی
انهمان از جمیع مراتب دنیوی اکاه و از نشیب و فراز
زمانه کما ینبغی واقف هستید و احوال روسای سلف
مثل رئیس کریه و کتی بچشم خود ملاحظه نموده اند با وصف
این اعتماض بعید از مال اندیشی و خیر خواهیت بهر کیف
زبردست را مناسب و لازم است که با اهل ثروت و
اقتدار بهر عنوان موافقت ساخته تا مقدور بعجز و انکسار
پیش آمده کار نجرابی خود رسانده می باید که انهمان را دو

معتبرین خود فردا بیایند که باتفاق یکدیگر عرض و معروض
در حضور نموده در انچه که سود و بهبود خلایق شود بعمل
آورده خواهد شد زیاده چه

[illegible] جعفری بنام اسد علیخان از طرف علی رضا و
بال مکتوبی رقعه بر سلسله روی وصول نموده بر کیفیت
مرقومه مطلع نمود فلی بود که امروز همه رد و بدل درست
کرده گرفته معه معتبران بنا بر سبیل ان آمده حاضری
شوند معلوم و مستحسن است از قدیم الایام فیمابین حضرت
خداوندی دام اقباله و آقای انصاحب رابطه اتحاد و یکجهتی
متحقق و ثبت است ملحاظ ایمعنی و ترحم حال خلایق
مزاج مبارک بر سر تصفیه میل خاطر داشت خصوصاً از
مجروالحاح صاحب و عرض معروض دوستدار و دیگر اشخاص
که شریک سوال و جواب بودند زیاده تر ملحقت تقبیح
معاملت شد لازم که انهمان معه معتبران خود مختار
فیصله مقدمه گرفته آمده انفصال معاملت نمایند که بحسب قرا

داد

داده انصاحب مقدمه را منفتح نموده شود چرا که خود بدولت را
دو جز منظور شد یکی ترحم احوال خلایق و دویم استحکام یافتن
بنای دوستی قدیم زیاده حه

امجد هم جعفری شب چهارشنبه بنام اسد علیخان
ایلچی صاحب یا بان فردا صبح میرسم انصاحب هم معه
معتبران خود بیایند که با تفاق یکدیگر در حضور خواهم رسید
زیاده

از انشه بنام سید میر قلعدار بنکلور در باره فرستادن
شش جوان عسکر با بدرقه هیچ نفر پیاده بحضور دادن
یک یک هون سر نفر برای خرج انها

از انشه بنام راجه راجندر در باره رسانیدن نزد دوم فلم
یومیه کنی رای از تاریخ هفتم بهاری به عافیت محمود شاه
و نورالله شاه و یک یک فلم تاج ع اسامی متعلقه روشان
مذبور باید رسانید

از انشه بنام تربیت علیخان صاحب معروضه شما در باره

رسانیدن دو دو فلم بومیه کنی رای بعافیت محمود شاه
و نور الله شاه و یک یک فلم بومیه تا صحح آسامی متعلقه
در ولیشان مذبور مرقوم و ملفوف ست برسانند

۱۷ الله بنام برهان الدین در ماده بیه نمودن مخالف
و کشت نمودن بیرامون انها ماده دوازده کروهی و
طلبیدن غله از ملک کر و تقسیم نمودن آن بمردم فوج
خود

۱۷ الله بنام زین العابدین بخشی انجام فرجاب حصار
انچه در سرکار که بر ذمه سید عبد الله قلعدار سر اوا ب
الطلب ست همانجا داشته بمعرض وصول باید آورد و قلعدار
دیگر برای قلعداری مکان مذکور از حضور مقرر شده خواهد
رسید

۱۹ الجعفری بنام چغتائی بارخان دیوان فرجاب حصار
در ماده وصول نمودن زر پیشکش زمیندار رای درک
مهلت چند روز داده وصول ارند زیاده

۱۸ امنیه بنام ده سپهداران بمضمون واحد

در قشون شما انچه زنان جوان و چالاک که همراه لشکر

فیروزی طی منزل نمودن میتوانند انها را داشته باقی

ضعیف و پیر و غیره سامان کران روانه قبض حصار

نمایند و سوای قوت یمتی که طلبده ده روزه بطریق

امانت همراه خود نگاهدارند زیاده چه

تفصیل نام سپهداران

زین العابدین — محمد حلیم — میران حسینی — حسینخان بورک

رحمت بیک — شیخ امام شیخ — امام خان — احمد بیک

غلام محی الدین — شیخ عمر — — —

نوروز جعفری بنام میر معین الدین در باده رود

رسیدن حضور بعد فراغ طعام

بنام اشرف علیخان در باره رسیدن حضور بقلعه

باندار و باده منبعه خود

بامنه بنام راجه رام چندر متضمن وصول تباری شوره

مرسله شما معه دو پروانه تاکید جهت روانه ساختن چهار
چهار نفر شوره جهت تیاری شوره نزد شما مرقوم و مطوف
است

[illegible] نامه بنام راجه رامچندر حسب معروضه شما بروا
برای دادن خلاصان بقدر مطلوب ایشان بنام قلعدار
بنگلور مرقوم شد عامل پونگنور را نزد خود جدا داشته
روانه تعلقه نمایند سید میر قلعدار حسب درخواست
راجه رام چندر خلاصان میداده باشند

[illegible] نامه بدر الزمان خان در همراهی لشکر شما جمعیت ده
هزار از مردم جیش و سوار و پیاده در حکمنامه مرقوم است
از اماکن متعینه باید طلبیده و با تفاق معه جمعیت خود نزد
برهان الدین رسیده با تفاق یکدیگر به تنبیه مخالف باید
پرداخت تاکور تمودن مدار ایک به قلعداری انندور
متعین شد معروضه نا برده هر قدر سواران که فراهم
میتوانند شد فراهم باید نمود

[illegible] نامه نام [illegible]

ایضاً بنام امرسنکه در ماده رسیدن حضور

ایضاً بنام برهان الدین دو قطعه عرضداشت مرسله
از نظر گذشت و کیفیت معروضه مفصل هویدا شد انچه
از تبه نمودن فوج مقهور در هر بیت بلفظ اینها نوشته بودند
معلوم شد بدر الزمانخان را هم حکم فرموده شد که معه جمعیت
همراهی خود نزد شما رسیده باتفاق یکدیگر به تنبیه اشقیا
پردازند خانمذکور معه جمعیت خود نزد شما خواهد رسید
چون خانمذکور تجربه کار و خبک آزموده هستند در امور جنگ
مشورت و صلاح علنی ضرور و دو دو سه کروهی همراه
مخالف گشت و گوچ نموده باشند که دانه و چاره بهم
بدارا معاف نمودن اسپان و شتران لعارت نوشته
بودند معلوم و بجا شد پیش ازین برای رسیدن ایشان
معه جمعیت همراهی عقب فوج مقهور نوشته بودیم الحال
امدن شما ضرور نیست همانجا در ضلع کتور و دیار وار و
سلور باید بود و بعد تنبیه اشقیا باید پرداخت انشاء الله تعالی

عنقریب از کارشیخ‌نهار انجا فراغت یافته و قصبه واقعی به فوج
مقهور که انطرف او هونه خواهند رسید رسانیده
از راه هرس هلی عبور دریای تنک بهدرا نموده سیرسم
انچه از حسن خدمت غوث محمد خان و شیر خان عمدار
و غیره نوشته بودند موضوع شد برای فرستادن دو
جوری حلقه طلا و سه جوری حلقه نقره که فی جوری یک دک
خام وزن داشته باشد بروانه بنام محمد حسن و سرشیا
متعلقداران نکر صادر شد تا سپرده احلقه های مذکور
نزد شما خواهند فرستاد حلقه های طلای بمشوران اول
و عمدار مذبور و حلقه های نقره بمحصران ها بطریق انعام مرحمت
از کمانیان متعینه خود بقدر ضرور نزد خود داشته باشی
کمانیان بهرچهار قشون برای برداشتن دولیهای
مجروح و بیمار تقسیم کرده داده مجروحان به قلعجات
قرب و جوار روانه نمایند مرقوم بود که در فکرشب خون
نمودن فوج مقهور باشند مکشوف گشت اتفاق شب خون

کی خواهد شد نکرسه چهار کروهی میرامون فوج مخالف
کشت باید کرد تا اگر در خانه نیابند شبنه باید نمود زیاده
وزارای بنام خواجه لطف الله در ماده رسیدن حضور
بنام راجه رامچدر در ماده رسانیدن وجه طلب
مردم نگاهداشته سید میر قلعدار بموجب برات در ماده
خان وطلبیده کرفتن رسید احناس رسانیده خود
از قلعدار مدور وبدون کرفتن رسید احناس داون
ضرورنیست
بنام شمس الدین خان در ماده روانه ساختن
کدن کرناسده بی در آب وانکه کنهدی بت هون
وزن کندن که براسکدار روانه نمودن ممنوع شد خواهد
رسید رام لنکار ابعد رسیدن حضور واپس روانه نموده
خواهد شد
بنام خواجه عبد خان وخواجه عظیم الله خان ومحمد قلیخان
والواکسلک خان واسمعیل بیک همدانی واسمعیل بیک اصفهانی

زاده رسیدن حضور بجا طرح جمع و هر قدر سوار که همراه
خواهند آورد بقدر شخصیت و لیاقت موافق شرح و
سررشته سرکار غور و برداخت خواهند شد

فقره
دوسته بنام میر محمد صادق دیوان حضور در باره دریا
و سراغ بهرسانیدن اجناس و سامان سکنه انجا
در دوسته فاضل و اطلاع نمودن آن

نهم دارائی سال دوسته له بنام برهان الدین
در باده تعیین نمودن یک رساله جمعیش شیخ بودن
برادر شیخ عنصر در دار و طلبیدن نکت زکیا
عامل انجا را خود و طلبیده باحتیاط روانه ساختن
دیبائی وغیره مردم اول به فرح باب حصار

نهم دسته بنام زین العابدین قبل از موضعه شمار در
باده تعیین نمودن یک رساله در دار و آوردن
کسان اول وغیره بابت دیبائی و طلبیده فرستادن
انها بکمال احتیاط جوکی دیهره در فرح باب حصار روانه

تمام

بنام برهان الدین مرقوم ومرسول شد

نامه بنام شمس الدین جان وغلام حیدر دار دعه بو
تا بحد الوسوح برانچه مرسلست مطابق ان از کاتبان
انجا تا حصل نسخه صحیح وصاف نویسانیده و اول و آخر
ان بازده بازده ورق ماده وبا نیده وجلد نمایند
گردانیده مرصه شعله سد مفرسناده باشند وداخله
ان بدفاتر متعلقه خود نویسانیده فهرست کتب که برا کمدار
فرستاده شد موافق ان موجودات دیده در کتبخانه
بدارند و داخل ان در دفاتر متعلقه نویسانند منجمله کتب
مذکور هفت جلد در حضور داشته شد

نامه بنام رحمت خان محتوی بر خصت
نمودن دهرم داس وکیفیت مفصل زمانی تا برده
ظاهر خواهد شد در ضوابط مکتبی قدیم ملحوظ باید داشت
که درین قواعدیاست

نامه بنام برهان الدین در باره تعین نمودن

شیخ بودهن بموجب توشیحات سابق در دارو غلطیدا
نشتن
کنک رنگیا عامل انجا نزد خود داشتن ان باحتیاط
مورساختن شیرخان بخلدار کمور بر عملداری دارو غ
دفرستادن محمد غوث خان بدارو غ انکه باهم ارکک
کرک نامه عبور ندی نموده میرسم برای خنک تعجیل نماید
کرد و سواری خاص رونق افزای ضلع کرکور شد و
شهدم گردانیدن قلعه کنور و طلبداشتن مردم بهله انجا
نزد خود
ورستادن
۱۶ دارائی بنام غلام حیدر داروغه توشکی نه محتوی
یادداشت سرف نزهل راد مقصدی عمارت کچهری و
اینکه هما نقدر زر از داروغه ها وصول نمایند که ندارک
محرس
۱۸ استه بنام فاضی نکر در باده تفویض خدمت قضا
بخطیب کوربال
کرد ا
۱۸ استه بنام غلام حسین خان منشور کلور در باده تبار
داون

دادن مکان جهت سکونت احمدی از کمانیان متعینه
قلعه و خبرگیری بر وفت نمودن از سامان خوراکی و
نوشش عرایض باتفاق قلعه دار سه نمودن در
نامی امور قلعه جزاکه کار مشود خبرگیری امور حردی وکیل
است و عمل نمودن بموجب حکمنامه

۱۰ اینجانب بزرگ الزمانی خان تعین نمودن رساله حسن رضا
حمدری بکمان بسوی مسخن شد همه جمعیت مقرری لشکر خود
را نزد خود طلبدارند

۱۱ اینجانب قلعه ملک زیاده فرستادن احکام
دلایل و اعادت و نوشته دادن احوال باهل اسلام انجاد
فرستادن احوال ان بحیدرآباد و دادزنگ آباد.

۱۲ اینجانب برهان الدین رساله شیخ بود هن که اجتهاد
بعد چند روز دانست راه روانه دارد نموده رساله شیخ
حمید را طلبدارند و بعد رسیدن رساله مذکور به قلعه دارد
نوشته بنگت رنگ را معه دوازده اسامی معینه راه را

نمره

مذبور مرد خود طلبیده باحتیاط بدارند و شما هم معه جمعیت

همراهی خود جائیکه بارش کم و مهر باشد فرود آیند

عقب سواری خاص ارکناک کرک ناهه در انضلع

میرسد

بمنشه بنام راجه رامچندر در ماده فرستادن عرضه

عامل سوندکل متضمن بقید نمودن دو صد راس گاو

که بملک فرنگی روانه میشدند و شما گاوان مذبور طلبیده

و ساری وزن کرده گرفته و گاوان در علاقه خود گرفته

کیفیت ان معروض دارند

بمنشه بنام عامل سوندکل بقید نمودن گاوان ساری

بجا شد نزد رامچندر بقید چوکی و بهره روانه بکلور

نمایند راهداری هم ملفوف است

بمنشه بنام راجه رامچندر

بمنشه بنام قلعدار بکلور در

ماده نوبت بندن داخلای تا رنج نو ملازمی و حاضری

غیر حاضری و عمارس کامکاری و دیوارانه بکجهری
دیوانی و دادن رسید چونه وغیره بابت کامکاری
قلعه وغیره کارخانجات و نوسانیدن داخلای آن
بکجهری مذبور و دست بدست تقسیم نمودن زرطلب
بردم منبعه انجا مرقوم و ملفوظ است باید که یک مقصدی
احشام و یک مقصدی دیوانی بکجهری بکلی نوشانیده
زرطلب بموافق معمول دست بدست تقسیم کردانند و
به قلعدار نمودن درکار نیست موضع شصت نمودن بنام
ناکاحوسے مقرر نموده نام موضع مذبور نمویسند که سند
از حضور فرستاده شود فرستادن کوله ها بفیض حصار
ضرور نیست در ماده ورلکان پیش ازین نوشته شد
بموجب ان بعمل باید آورد

~~۴۴ سه بنام قلعدار بکلور در هر مهار نشور در مقدمه~~
نوسانیدن داخلای نوملازمی و حاضری و غیر حاضری
و بمایش کامکاری و دلوزان و دست بدست تقسیم کردن

زر طلب روبروی یک منصدی احشام و یک منصدی
دیوانی در کچهری و دادن رسید مصالح و جونه وغیره با
کامکاری و دوپ بندن داخلای آن کچهری بدلبور

۴۴ سنه بنام محمد اشرف دیوان قبض حصار بموجب
حکم مه یا مه سرمسم که نباشد یکقلم افزود کرده بردم
سپندی وغیره انجا مبداده باشند قلعدار سابق
معزول نموده عقب این قلعدار دیگر از حضور میرسد
شما بخاطر جمع بموجب حکم مه عامل باشند

۴۴ سنه بنام میر مرتضی دارونه توشکخانه در ماده زردتر
تبار کرد انیده رسانیدن شش هزار اشرفی بابت
ساهوان و اخلام و حیدری و روپیه وغیره توشکخانه

۴۶ بنام بخشی یار خان در ماده وصول نمودن زر
پشکش رای درک به تشدد کلی

۴۶ سنه بنام میر معین الدین فرداد رنجا مقام نموده
تقسیم روز پیکی وغیره فراغ یافته پس فردا کوچ

لوده

نموده جائیکه آب دکاه باشد فرود آمده روز دیگر صبح
جمعیت خود بهمین جا رسیده فرود آیند زیاده چه

۱۸ امضه بنام محمد سعید دارغه اسکدار بمضمون خوجه قرائت
بموجب حکم حضور طلبی جواهر حوالهٔ شما نماید از قلعه دار
جهار پاده معتمد همراه جواهر کرده داده و یک پارچه اعتمادی
خود همراه ان کرده روانه حضور نماید

۱۹ ارمضان بنام رحمت خان در جولا فوجداری ادهمی
به قطب الدینخان مقرر و مفوض شد خانمسطور حسب الامر
حضور یک دو مردی آدمی خود برای فراهمی سواران
وغیره در قلعه قمر نکرمیدارند السفیق یکا ریزداران
تاکید نمایند که معاودن کسان فرستاده خاطر جمع باشند
تا کسی متعرض ایمنی نشود زیاده چه

۲۰ دارای سال مذکور از مقام دروهی بنام راجه رام
فلوس وکاسهاکه در دارالضرب مونری درک
تیار کرده بود برای ملاحظه حضور فرستاده بودند بهتر

همین قسم فلوسها و کاسهها تیار کرده بجرم میآورده
باشند و فلوس و کاسههای ضرب سابق بخرج مردم
سبندی و بیزه اخراجات بیارند

۴م مسئله بنام حسن رضا تعلقدار ماکری ذخیره فلوسها
و کاسهها که برای نمونه بحضور فرستاده بودند بسیار بهتر
است همین قسم تیار کرده اند رسیدن دو هزار
هون تحصیله بعلقه خود بتوشکخانه سکلور بجا شد

۴م مسئله بنام حافظ محمد خان در عالم بیماری علعدر
ما دای سواری دولی نباشد فرستادن ما هیچ برکی
چه ضرور همانجا ماندن باید داد

۴م مسئله بنام قطب الدینخان آنچه در داده خطبه خوانی
سه از نام خاص نوشته بودند موضوع شد کیفیت آنست
که اول در خطبه حمد و ثنا بعد نعت پیغمبر صلی الله علیه و آله
وسلم و بعد ازان نام سلطان دین که حامی دین
محمدی باشد و همه وجوه رعایت اسلام مدنظر داشته

باقی دارش

بازدایش ترویج سلطانی بردارد بر سبیل دعا به در خطبه
کرفتن مومنین را از جمله واجبات و ضروریست و بالفعل
چنان که نام شاه عالم در خطبه میکنند بمقتضای نادانست
وجهلت مومی الیه انکه خود مجبور و معطل و نوکر مانده
هزار رحمه ماهواری سیدنه ست درخصوصت نام خطبه
کفار در خطبه بر زبان اوردن عصیان صریح و منافی ایمان
مسلمانیست بنابران نوشته میشود که خطیب انجا را
تاکید باید کرد که نام خاص در خطبه میکرفته باشند زیاده
۴م نمه بنام مرحمت علیخان در ماده وصول یازده را
نذر و رود از بندوبست نصرت کده فراغافته و به
بنه دزدان پرداخته به بکلور باید رسید
۴م نمه بنام تعلقدار ناکری دیزه در حکم نامه در رقم
اول قیمت انکشت و سمان دو جوره کار یکران انچه بانام
مقرر بود والحال باره هم قرار یافته مرقوم است آن ملد خطه
نموده موافق ان کار بند شود

[illegible] بنام بدرالزمان خان سواری خاص عقب
عبور کنک کرک ناتهه کرده در انضلع میرسد ایام برسات
است بتمامی جمعیت همراه خود کرفته به بنبه مفدان سوء
وغیره پردازند اسکدار سد اسوکنده وسونده تبدیل
نموده دیکری فرستاده میشود

[illegible] سال دلواز مقام سمن کر بنام محمد الدین
وغلام حیدر روانه ساخته ایکه هیری وشصت وهفت
کندله بحاشد هیچ جوری تکرت جواهر مدعالم وانکشتری
یاقوت مروارید وغیره بابت خاص موصول دیدک های
تفره هم رسیدند رسد مدک های موصوله از بوشکی نه
خواهد رسید

[illegible] وارد غه های جنس در ماده فرستادن ده جلد
مفرح القلوب منجمله ان پنج جلد مفصل بافعل نقره ی
وهیچ جلد مجملی بلافعل نقره ی ودسته انکشتری تعلقه اسکدار
کچهری بابت فرح باب حصار وقبض حصار وظفرآباد

۹ نسخه بنام رایات مخمد روانه ساخته و رنگان مکتوب
معه هرکاره سرکار به فیض حصار و فرح باب حصار و نکری شد
حسب درخواست سته قطعه پروانه بنام دیوانان تعلقه
مذکور در ماده اعانت و رنگ مذبور مرقوم و ملفوف
است

۹ نسخه بنام چیتهٔ بازرگان مضمن وصول مدد باز ده رکه
عبد الغفار

۹ نسخه بنام محمد اشرف دیوان فیض حصار در ماده
فرستادن شصت هزار روپیه به بدرقه جوانان جنس
همراه نارایتن راو بحضور

۹ نسخه بنام شمس الدینخان سکه موهای حیدری
معه چهون ضرب نو رسیده سابق طلا و نقره برای
تیاری موهای حیدری و اقلام و غیره که نزد دیوان
کلر فرستاده بود مذحساب ان دریافته در صورتیکه
عوض مذکور بیباق رسیده باشد باز طلا و نقره نفرستند

واگر باقی باشد طلب داشته من بعد طلا و نقره روانه
نمایند

۸ نمره بنام فرستاد و محمد حیدر سابق طلا و نقره برای
تیاری هونها و افلام و غیره از توشکی نه بمن فرستاده
شده بود در انمان چه قدر هونها و غیره تیار کرده توشکی
مذبور عاید نموده وجه باقیست حساب ان دریافته
اگر عوض مذبور مباق رسیده باشد باز طلا و نقره
طلب داشته به تیاری هونها چندری و افلام و غیره
بردازند و اگر عوض مذبور باقی باشد هونها و افلام
و غیره تیار کرده فرستاده طلا و نقره طلب دارند
چنانچه دریاده برداخته تاکید تمام دارو غه های توشکی نه
صادر شد

۱۲ ماشه سال دلو از مقام کلکته بنام احسان الله خان
در باره شیخ علی کم نمانده و ساعده صد هون و ایکه
کرفنک نیکه بهرتی جوانان سازند بانها داده بهرتی
کنند

۱۲ امنه بنام راجه راجمندر کاوان نهایت خورد بقیت
برعایا بدهند و زران بعوض وصول آرند

۱۲ امنه میر ابراهیم مقصد باق معه دیوان دویم کلیات
روانه شده اند رسیده باشند

۱۲ امنه بنام محمد غوث و مدبع الزمان خان از تقدمه
ماندن متعلقان فلعدار میسور بمیسور و معروض شدن
ان

۱۳ امنه بنام شمس الدین خان و غلام حیدر منجمله عوض
اشرفیها علاوه دوازده صد هون که بر زرگر خانه و جواهر خانه
داده بودند بعد رسیدن طلا و نقره در سرکار حضور وضع کرده
گرفته اشرفیها نیار. خواهند و نقره بابت توره که
تیاری بدرگ ها و عصا داده اند انهم در نقره مذکور وضع
نموده باید گرفت

۱۳ امنه بخشی احشام فرح باب حصار متعلقان عمالدن
سکرا بان کهات رامعه انها بفرح باب حصار طلبیده

یادداشت

۱۴ نامه بنام راجه رام جیسنگه در باره تقرر نمودن
کوتوال و دیگر تفصیلات اخ و کاغذ برای نوشتن برجاسه
کوتوالی

۱۴ نامه بنام محمد اشرف در باره رسانیدن پنجاه
هزار روپیه تنخواه قطب الملک بهادر

۱۴ نامه بنام سید میر در هر چهار منشور و تعلقدار
حکم لاپور در باره وصول نذر عبد النفطر

۱۴ نامه بنام راجه رامچندر در باره
رضا کی موقوفی فتح محمد خان تا حصول صحت خانمدپور

۱۴ نامه بنام داروغه دار الضرب تکر اگر ملک به
بتن رفته باشد مهر خود و دیوانان و قلعدار بر خرطه
زر وغیره سکنا نبده باشند

۱۴ نامه بنام میر فتح علی تعلقدار حکم لاپور بر ملک
زر خطبر یافتست وصول نموده اجناس خوردنی احمد نان

ارتعلق

از تعلقه دیگر بخرید آورده میدهنده باشند در صورت
عدم عوض براجه رام چندر بنویسند که مناسب دیده
تنخواه کرده خواهند داد

۱۰ امضه بنام میر جعفر داروغه دارالضرب دوم تین
بموجب نوشته سابق چهار نفر زرگر دو نفر اسکار
معه دو خرخ دیگره بطرفاباد و قبض حصار روانه نمایند

۱۸ امضه بنام قاضی نکر در ماده تحویل نمودن مردم داخل
عسکر احمدی به قلعه ارانجی

۱۸ امضه بنام برهان الدین برای جنگ تعجیل نماید کرد
واگر مقهور خود بر لشکر شما اقدام نماید قتبه واقعی باید
نمود عنقریب سواری خاص عبور تنگ بهدرا نموده
درانجا میرسد و عبد الاحد خان معه متعلقان مقید نموده
روانه نکرده باید نمود

۱۱ امضه بنام داروغه توشکخانه در ماده بارکردا
رسانیدن میبه بموجب نسخه ذیل بمحل تعین و نزد خواجه مراد

Zulla

Treasury

به سکلور دهم عضور

~~سکلور~~ ~~تا~~ ~~تلا~~ ~~در سوخته~~ ما صار در کل سر

۴ لور ۶ لوله عدم عدد

شود باریک باید ساید اگر اوزان زیاده نمودن باشد
بجای چهار تولہ چهار آنا باید گرفت وحساب ان در
تعلقہ متعلقہ خود باید نوشت نیز وہمیشہ بہمین آئین
انبار کرد انیدہ بمحلات انجا وسکلور دحضور باید فرستاد

~~۴ سنہ بنام راجہ رام چندر در مادہ وصول نمودن~~
زر از عامل سکوتہ و بالا پور کلان وغیرہ بہ تشدد کلی
وبتاز بانہ کاری

~~۴ سنہ بنام شمس الدین خان معہ در خواست علی~~ راجہ
باراہداری کالپور

~~۴ سنہ بنام دارغہ ہای دار الضرب اول و دوم~~ بتن
اشرفی وحیدری و بمروبہ و بادرو پہ حیدری و فلم
حروف ضرب بالس و بالائی ان یک رویہ باشد موافق

Dated 270

ان تیار باید کرد بدستور پیش مضمون بنام شمس الدین خان

۲۲ منشی بنام داروغه های مقود خانه مرزور کلنی و

دارب اسد اللهی وغیره در مقود خانه شما خرج مقوسیاه

وقت منشور بدستخط خاص رسیده باشند والا کیفیت

مجرا خواهند یافت و از تاریخ صدور این پروانه این عمل

بدفاتر متعلقه خود باید نویسند و بموجب حکم کار بند باید

بود

علی راجه عرضداشت مرسله رسید بکار نامزده خود

سرکرم باید بود و اخبار واقعی دریافته باید نوشت

۲۳ از مقام مذکور بنام برهان الدین فصله حضور

تنک بهدرا نموده شد انشاء الله تعالی بعد دو سه

روز شما را معه فوج حضور طلب خواهیم کرد و از راه

نث پور نزد لشکر شما رسیده خواهیم طلبید احیانا سوای

فوج هولکر اگر فوج هری پندت برکسا وغیره فوج زیاده

برای جنگ و مقابله شما نمودار شود کناره کرده سه چار

کروهی در تراکم اشجار فرود آیند و اگر فوج زیاده نباشد
همان فوج هولکر باشد جائیکه شما هستید همانجا باشید و
باطنی فوج مقهور سپاه و متوانر مطلبیده مستعد نموده هم
در حضور منوشته باشند زیاده چه

۴۴ هاشمی بنام بدر الزمانخان در باده نوکر داشتن
عوض بعضی فوت شده برای نویسانیدن چهره های
مردم جنس و سوار وصول بیتی نو ملازمی سواران

۴۵ هاشمی بنام دیوانان ظفرآباد در فصل حصار و فرج ها
در منکلور در باده خریده فرستادن و نرهای نوا مفرض
بقیمت سهل دوزن گرفته فرستادن ان بحمل
کاوان تیوسکی نه بیس

۴۶ هاشمی بنام راجه راجندر در باده مرمت نمودن
کری های اهنی بابت بحمی والا کاوان جرای هکونه
بهلی نه

۴۷ هاشمی بنام بدر الزمانخان سه اسپ برای شونده

Bulletin

وغیره موصول شد اسامی مذبور را روانه نگردیده دا
اسد اللهی باید کرد و اسامی مذکور کسانیکه از
اسد اللهی زوجیت نداشته باشند نکاح کرده بدهند
دیتر بهای مستحکم تیار کرده نزد مرزبان الدین مستعد نشسته
مشهور باشند

۹ نمره تمام قلعدار پتن در باره تعلیم و تربیت کنا
چهار طفل اسد اللهی با هوش از رنجیده های شاخوانی
بعد سات و نقل لوب بنده دادن بیاض شاخوانی
مرسله بانها و معظم الدین بعلقدار قاصان انجا
و نیز لوب بنده دادن نقل بیاض مذبور تا موافق
انها بمومی الیه بقاصان تعلیم و تربیت نماید

۹ نمره تمام تربیت علیخان حسب درخواست راجه
طلبیدن متعلقان حسین علی ملفوف ست نامبرده را
زود روانه باید کرد که بر تعلقه عمده مامور نموده خواهد

ماده فی الفور بهرتی نموده دادن انکران وغیره بموجب
حکم مه در کارخانه بادبق ونخواستن مهلت یکماه
ماده رسانیدن
بنام میرابراهیم دیوان کلکوت در ماده
بجاه روبه بسید عبد القادر ساکن درگاه حضرت
امام رضا علیه الصلوة والسلام که در انجا آمده اند
واسطی سال دلو بنام قلعه ارتین در ماده
نوکر داشته مامور نمودن مغلانی در رد در رساله یک
معلم فارسی دان برای تعلیم کلمه طیبه وعلم فارسی وحساب
وانکه در هر رساله شش شش طفل هوشیار برآورده
برای اموختن علم فارسی وحساب حواله معلمان مذبور نماید
کرد هیچ طفل که برای اموختن ریخته های ثناخوانی حواله
عظیم الدین نموده نجاشد باز جهار طفل دیگر تعین نمودن
ضرورت ست همان کافی هستند

چند

ام قاضی سال دلوار مقام متصل ساور بنام راجه رام

کاغذ و ملچ بلغ در دوکال ها برای لشن و فانوز و بارها

برای داشتن آن دلاک برای مهر نمودن خریطه های

انچه مطلوب بوده باشد مناسب دیده میدانسته

زیاده چه

ام مسه بنام شمس الدین ال وزیر مرتضی و غلام حیدر

حسب معروضه شما در داده خریده فرستادن بهولیل بنام

عامل سرابرد انجام مرقوم مطلوب است

آیا نگر

ام مسه از مقام متصل ساور بنام محمد عیسی عامل افضل

انچه سرانجام وغیره برای دروالا یحی مطلوب باشد تجربه بهم

رسانیده داده الا یحی را در و باید گردانید و انیده بدیوان

بنین نبوشته باشند که سرانجام مطلوبه شما سر راه نموده

خواهد داد برای دماندن نوریه ها روانه بدیوان مزبور مرقوم

در سوال شد

ام مسه بنام قلعدار بنین دوار دروغه عمارت بحری در داده

رود تره سعاری کنانیدن عمارت متصل نظر باغ و محل
خاص و رسانیدن دوسر افه متوشکی نه جنبه

۲۲ سنه بنام شمس الدینخان و غلام حیدر زیاده
رسانیدن مبلغ شصت روپیه بشه نعرا سد اللهی جهت
شادی انها و تاکید نمودن مدار وغه دار الضرب برای
سرانجام کرده دادن و شادی انها نمودن

۲۲ سنه بنام سید احمد صاحب زیاده متوجه بود
واعانت خواستن جهت تقویت اسلام و مخذولی
اعدای دین

۲۲ سنه بنام رحمت خان بهادر صاحب التحریر تاکید
بقوصدار اد هونی قلمی شد که کمان فرستاده خود
را تاکید کرده خفیه دریوشیده بفراهمی سواران بردارد
و صاحب صد و معاون فرستاده کمان مدور باشند

۲۲ سنه بنام داروغه دار الضرب اول عبد العلی
درشه نعرا سد اللهی بنفر صد روپیه از توشکی نه دادا

Bullo 541

سرانجام کرده داده شادی بیک نظر بنور کرده بدهند

۴۳ رسرحدی بنام عبدالرحمانخان شما نبر حد سوده

وکتور و دیار دار و غره بوده باشقیای شرانه خ پشه تنبه

واقعی سیکرده باشند درمیان سرا وحان لوله

ندی میرالدمان لاحاه برآمده است مکان مضبوط

بابر تیاری قلعه بهتر و هم از انجا سیر حد کوکن متصل

راه است برای رفتن فوج بملک کوکن چه طور وجه

قسم عرائض مردم را فرستاده اخبار مفصل طلبیده

عروض دارند و قلعه کتور را شکسته منهدم نمایند و

مردم شرارت پیشه را بگیر درآورده داخل زمره احمدی

نمایند بالبکاری والا را از طرف خود اولاً خطوط آشتی

نوشته پس بعد مرد ادمی را فرستاده ان را رجوع

بسرکار باید کرد و در ملک کوکن کدام کدام قلعه مستحکم

وکدام کدام قریه بر سر راه است کیفیت مفصل با بر

طلبیده این حقیقت مخفی باید داشت و بحضور هم در یاد

از فارسی معروض باید نمود زیاده چه

۳ نسخه بنام راجه رام چندر در مادہ حطا مرقوم
برعالیجاه حضور

۳ نسخه بنام غلام حیدر دار و خه توشکی بین جنب
معروضه شما بروانه بنام قلعدار ملفوفست برسانند
یوم بیوم راتب جاموس و بزه جیک خواهند رسانید

۹ نسخه بنام غلام رضا تعلقدار سوندکل حسب معروضه
شما در مادہ حوالہ نمودن قطاع الطریقان تعلقه
بروانه بنام سید مدار عامل تعلقه علیحده مرقوم و ملفوفست
برسانند و قطاع الطریقان را مقید و ملسل
نمایند و از رعایای بندر متعلقه شما نعل را از جان
کشته است از روی شرع شریف قتل او واجب
قتل نمایند

۹ نسخه بنام سید مدار عامل تعلقه علی نگر در مادہ
حوالہ نمودن دزدان تعلقه سوندکل که در تعلقه شما

بقیه

پناه گرفته اند بعامل سوند کل و گرفتن رسید عامل مذبور

۲۰ رقعه بنام میر علی بخشی دویم ارسال مبلغ مذکور نهایه

فلعجارت گردیدن و تنقیح حساب ختن بدون بودن

بخشی اول مناسب بنگلور روانه شوند و بعد فیصله حساب

قلعجات با تفاق بخشی اول به قلعجات رفته تصحیح حساب

نمایند

۲۱ عرضداشت بنام غلام محمد عامل کوریال در باره رسانیدن

وجه طلب شیخ قاسم موافق تصدیق حضور پناه

۲۲ عرضداشت بنام اسد بیگ کن

در باره گذاشت نمودن کارپرداز خود کوه الکری پروانه

بنام ونکیا سودار مرقوم و ملفوفه بفرستند و کارپرداز

مذکور را گذاشت کرده بدهند

۲۳ رقعه بنام تربیت علیخان متضمن وصول مبلغ مذکور

روپیه فتح بدستور براجه رام چندر ارسال نموده

ایندهه هم بهمین نهج کارپرداز باشند و سید میر قلعدار

هر چهار منشور بنکلور و یعقوب ارمنی و دلوبان پتن

۱۴ منه شیخ [illegible] منضم وصول بحر و به مذرمعه
راهداری دو آدم کنار بور معه پروانه موسوم به علی را.

۱۴ زرحدی بنام موسی کشتکور مهاجری اشخاص
روانگی ولایت در حضور مقرر شده اند عنقریب روانه
شده نیز سند باید که بعد رسیدن اینها بمراه موسی بیرد
که روانه ولایت خواهند شد روانه باید نمود

۱۴ زرحدی از مقام سالور بنام سید احمد صاحب
و بودهن شاه و شاه و کلیم الله شاه و مجاور
درگاه بابا بودهن و فرزند سید محی الدین صاحب مضمون
واحد بفضل الٰہی و باعانت جناب رسالت پناهی جماعه
مقهور تنبه و هزیمت واقعی یافته رو بفرار نهادند
و جماعه اسلام بر اعدای دین مظفر و منصور شدند
و دین محمدی رونق پذیرفته که جماعه مقهور مشرک مخذول
و منکوب و پامال ستم ستوران اسلام گردیدند انصاحب

Dulloo 275

بزرگ هستند در اینجه رونق دین محمدی و اشاعت اسلام
باشد توجه باطن مصروف خواهند فرمود

سید احمد صاحب سید صاحب مهربان توجه فرمائیدلت

بمطالعه موصول باد

شیخ خانی — سبیله — دستار

للعه — للعه — للعه

بودهن شاه پسر عامل شاه

شیخ خانی — سبیله — دستار

محمد — محمد — محمد

نبی شاه داماد عطا الله شاه

شیخ خانی — سبیله — دستار — مصر

محمد — محمد — محمد

حافظ کلیم الله شاه

سبیله — دستار — شیخ خانی — مصر

للعه — للعه — للعه

مجاور درگاه بابا ابو دهن

سیله — شجره خانی — دستار — مصر

دو — دو — دو

فرزند سید محی الدین صاحب، سرناور

سیله — شجره خانی — دستار — مصر

دو — دو — دو

۲۶ در مرحدی سال دلو از مقام سالور

محمد غوث و بدیع الزمان — محی الدین بخلیفان و محمد عطیف

غلام حسین خان و میر ابراهیم — بخشی یار خان

زاهد رام حیدر — نرسیاد و محمد حیدر

محمد اشرف فیض حصار — مصر

فرد خطبه خوانی ملفوفست به خطبای شهری علاقه خود

تاکید باید کرد که بعد حمد و نعت بموجب فرد ملفوفه

خطبه میخوانده باشند

۲۳ سنه بنام ارسد یکمن بردانه گذاشتن کاریگر

الوکن

راجه کوت اکبری بنام ایلچی سوبدار پرسیدست کار پکراجه مذکور
گذاشت خواهد کرد

وام منه بنام میر نورالله کیفیت آراده آمدن ایشان
زبانی کریم خان ظاهر دموجب سرور خاطر شد هرچند این
امر ناملایم که از انصاحب بظهور درآمد اصلاً مطلعه در ضمیر
اینجانب مخطور نبود حوصله مارصه الحال هم بخاطر جمعی
عازم این سمت شوند خانه و مکان صاحب باقی کیفیت
زبانی حامل رقیمه ظاهر خواهد شد

غره جدی سال دلو بنام راجه جیدر درماده
نوشتن تاکیدات جهت بهرتا مقدور بیاده ها و کمایان
که ملبس بعسی نهان میشوند بعمال تعلقات

غره مذکور بنام شمس الدین خان و غره دارد نوشتن
بین درماده نوشتن تفصیل حساب هونها صادری و
اعلام که چه قدر بحرم وارسال حضور آمده و چه قدر نوشکانه
موجود است و تفصیل طلا و نقره که حواله شما مانده بود چه

۳۷۸

مقدر بحرم تیاری هم نهاد اقلام درآمده وجه باقیمت وتقید
تیاری هم نهاد براکبار ان دارالضرب که هر روز موافق
حکم نمه تیار و داخل توشکی نه شده باشد

غره نمه بنام بخشی اختام فصل حصار در ماده نمه نمودن
اشقیا هر جاکه سر شوخی برداشته باشند و بعد اسیر شدن
انها کم بس راد اهل اسد اللهی و مس را بردار بکشند

سلخ رسرحدی بنام داماد عطا از شاه حاکمان بامرد
نفر مرخلست قبول فرمایند و متوجه اعانت باشند
که کفار مردود مخذول شوند و تقویت اسلام روز افزون
باشد

بدستور بنام سید احمد صاحب در ماده فرستادن
جانکار بانزده نفر و قبولیت ان و متوجه دعا و اعانت
بودن اهالی اسلام

غره نمه بنام قلعدار نارمری در ماده فرستادن حضور

غره نمه بنام بخشی یارخان و زین العابدین در ماده

وصول مدرمت و دو روپیه بابت تنبیت تولد نورچشم

۴ حیدری سال دلو بنام حسن رضا تعلقدار ماکری

در ماده مقرر نمودن وجوه املاک او ران حیله های تعلقه

دارالضرب موافق وجوه املاک آوران کار یکران دیگر

و موقوف نمودن پیاده ها جهت آوردن مس متعلقات

و بهم رسانیدن کل در تعلقه خود خانچه پروانه جهتنام را خه

رامچندر ملفوف است برسانند که خود مس نزد شما

خواهد فرست

۴ حیدری سال دلو بنام راجه رامچندر در ماده

فرستادن صد کوله نعل مچ دسی کوله مرمیچ بجهور

و فرستادن مس نزد تعلقدار ماکری

۴ منه بنام حافظ محمد خان قلعدار کشن گری در ماده

مقرر نمودن ابراهیم خان نامی به بهرتی جوانان حبش و

عسکر و اینکه در ماهه نامبرده موافق شرح و سررشته سرکار

که اهل بهرتی را مقرر و ضابطه ان نزد شما موجود است

۲

۱ مجدیری بنام قلعدار اول واز مقام ساتور بنام قلعدار اکشن گیری
در مادہ تقید و تاکید ہر کارہ او کرد و اعباری کہ متعرض
آمد و رفت کسان قلعدار اول درک بہ تعلقہ شان
نشود و بیکاری نکند قلعدار اول درک تاکید بنام
قلعدار اکشن گیری ملفوف است برسانند قلعدار
مزبور متعرض آمد و رفت مردم علاقہ شما نخواہند شد

۲ نسخہ بنام بخشی انجام فرخ باب حصار از روی
واجبی زر ذمہ سید عبداللہ قلعدار بسر او صول
نمودہ و فارغخطی داده روانہ حضور سازند

۳ نسخہ بنام بدیع الزمان خان صبہ خورد بردہ عامل
مرناکل بمجدید روانہ حضور سازند کہ دریافت و
باز خواست زر خورد بردہ از عامل معزول بعمل آید

۴ اجدیری بنام محمد نعوت و بدیع الزمانخان در
مادہ وصول نمودن باز واجب الطلب سرکار کہ بر ذمہ
کشور داس ثابت است و اولان رسید بکشور داس

۱۴ نامه بنام شمس الدین خان و میر مرتضی و غلام حیدر

پروانه موسومه دیوان بنین ملفوفست برسانند که
زر ذمه واجب الطلب سرکار بمعرض وصول آورده
داخل سرکار خواهند نمود و رسید وجهات نامبرده
خواهند داد

۱۴ نامه بنام کشور داس متضمن وصول نذر شیخ بهون
وده حیدری و ده روپیه بابت نذر دیوانی حسب
سعودیه شما پروانه نام دیوان بنین مرقوم و
مرسل شد زر واجب الطلب وصول نموده رسید
ان خواهند داد و نیز رسیدات وجهات شما از
زر آن عاید سرکار نموده اند نیز خواهند رسانید

۱۴ نامه بنام قلعدار تین آنار شریف معه دروازه
نقروی فرستاده شد خواهد رسید باید که بعد الخ
رسیدنش متصل خانقاه مسجد بعل باغ که قبله رخ و
دست راست نزدیک مسجد است یک کوتهی درست کرده

557

و دروازه فقروی بران ارائه نموده باید داشت
دیگر روز برای زیارت آثار منور مقرر نموده کل وعود
وبزه ازطرف سرکار رسانیده زیارتش بجای آورده
باشند و مردم شهر اگر برای زیارت بیایند تفتیش نکنند و نگویند
دارند که کسی مزاحم نشود روز یکه در کوتهی خواهند داشت
یکصد روپیه برای خیرات فقرا و طعام دو صد آدم
ازطرف سرکار داده شود تیار نموده فاتحه جناب نبوی ص
داده بمساکین و محتاجین تقسیم باید کرد و شمه سامان
و سرانجام آثار شریف از روی نوشته میر محمد صادق
معلوم خواهد شد باید که موافق آن در وقت مقصد مان
علاقه بعمل باید نوشت زیاده چه

~~۱۴ امضه بنام سید شاه یک آثار شریف فرستاده شد~~
متصل مقبره حضرت عطاء الله حنفی صاحب یک کوتهی تیار
کرده باعزاز و اکرام بدارند کل وعود وبزه ازطرف
سرکار خواهد رسید ط

۱۴ اگست

۲۲ حیدری سال دلوا از انعام سال نوروز بنام شمس وغیره

سه دار وغه توشکی نه عرضداشت مرسله معه متی
موجودات طلا و نقره توشکی نه و دار الضرب با افراد
داصلی از نظر گذشت سابق برای مهیا داشتن
عوض سیم لک هون روپیه بابت تبار نجف اشرف
حیدری و آدهلی و بادلی آنچه در توشکی نه موجود
و در دار الضرب تبار میشود و از تحصیل ملک می آید
هیئت مجموعی در صندوق علیحده نگارشیافته بار
بحدید بقلم می آید که موافق حکم سابق کارند شوند
و در یکصندوق علیحده داشته چهبی بران حسابنده
نگاهدارند و منجمله آن دامی خرج نسازند برای خرج
سه بندی متعینه قلعه افلام و سرای بالفعل مسدهند
ان را موقوف کرده در عوض ان افلام حیدری و
هونهای فرنگی بهته و روپیه جلالی و دهلجری باید داد
برای تبار حیدری وغیره نقره در توشکی نه در علاقه

موجود باقی طلامی باید لهذا القلم می آید که کوتهی ها ج که
زیر مهر خاص وحساب طلا نزد متصدیان توشکخانه است
شما مع متصدیان توشکخانه کوتهی مذبور را کشاده
عوض لک هون برآورده گرفته وباز مهر خود بمان خانه
لک هون مذبور در یکصندوق نهاده سر مهر در
توشکخانه باحتیاط باید داشت وبرای دارالضرب
انچه دادن ضرور افتد در عوض ان بخرج می آورده
باشند

۲۲ منه بنام بودهن شاه نام سردار ان مشهور
که بافعل سرخته هستند یکی بالای بهر نویس
دیگر بادهوراوست انحضرت متوجه اعانت
باطن باشند که مقهور مخذول ومنکوب شود و
دین مبین محمدی ترقی ورونق پذیرد

۲۳ منه بنام مندرون فرنگی بهلجری خدمت و
بکنت مرتبت سلمه عرضداشت مرسله از نظر گذشت

دلخوش

کیفیت معروضه مخصوص گشت انچه از کیفیت رودداد و
و نوشته فرستادن همه حقیقت دوستهای بولایت
رامدن جهازات جنگی منتظر زیاده نوشته بودند
معلوم شد مرقوم بود که هرگاه سرداران سرکار برای
روانگی ولایت بهلجی خواهند رسید موسی کسی بهادر
با عزاز و اکرام روانه ولایت خواهند کرد معلوم شد
موافق حکم حضور که مالمت نهشته بود دست الغور
شما محمد درویش خان و اکبر علیخان و محمد عثمان
وغیره سرداران را معه خطوط و تحایف و هدایا روانه
نموده شد مع الخیر خواهند رسید یقین است که همه سرانجام
مطلوبه سرداران مذبور بغیمت مهیا کرده داده و مکان
بهتر جهت سکونت انها معین ساخته باتفاق خود ما سودگی
و راحت تمام بولایت خواهند برد سابق غلام علیخان
و لطف علیخان و نورالله خان وغیره سرداران که روانه شده
اند از روی عرایض شان ظاهر شد که مع الخیر به بندر بصره

رسیده بیشتر راهی شدند نوشته بودند که تا دو ماه بر
دریا طغیانی و طوفان است و جهازات بر لنگرگاه نمیتوانند
ماند بنابران حکم موسی کشتی جهادریان را برای مهیا
کرده آوردن جهازات بسته به بندر مورس روانه کرده
اند بتاریخ یکم ماه چیر به هلچری خواهند رسید معلوم شد نیس
است که تا حال مع جهازات بسته به بندر هلچری رسیده
باشند برای تسطیر سفارس قایم داشتن کونری هلچری
به موسی کشتی جهادریان براجه خود نوشته بودند معلوم شد
سفارش در باب قایمی کونری هلچری و توصیف شجاعت
و کاردانی موسی در خط تصحیح به سرداران سرکار براجه
ایشان نوشته شد نقل خط موسی کشتی که بنظام علیخان
در مرته نوشته فرستاده بودند رسید و همه حقیقت
ظاهر شد نوشته بودند که فی الحال بجهاز بندوق
سولداری نزد تعلقدار کلیکوت باکو ریال خواهد رسید
و بعد مراجعت خود از مورس بندر بجهاز بندوق دیگر براه

Delhi

Mysthery

خود خواند آورد موضوع شد به تعلقداران کلیکوت و
کوریال تاکیدات مرقوم شد که هرگاه بنادیق مرسله شما
برسند باید گرفت نشود طلبکه قیمت بنادیق مذبور را
تقرر نوشته بفرستند

In Letter
20th Jan
628

۴۴ حیدری بنام شمس الدینخان وغیره در ماده فرستادن
جهل وشش نفر کلر مابت نوسیخانه نقدی و نظر نوشتن
وجامدارخانه معه حاضر بوصول انها

۴۴ نمه بنام سید محمد دیوان دوم پارچه وغیره که بکمل
سه نفر شتر روانه نمودند موصول شد باز هم تلاش
مال واموال مردم باید برآورد

۴۴ نمه بنام جنت یارخان نوشته فرستادن نوا
بکسه بخطهای تعلقه کچهری فرح باب حصار جهت بعمل آوردن
موافق فرد مرسله حضور برای خطبه خوانی بجا شد

Woodcock
Mr. Le
Mr. Thed

غره طلوعی بنام دیوانان ظفرآباد در ماده رسیدن
ظفرآباد و اینکه نبه یالیکاران وغیره فرقه اسرار علاقه از

بخشی احتشام دارد و از شما متعلق نیست جانبخشی
مذبور بر همین کار مامور و بدستور حفاظت قلاع و
ملک از بخشی مذبور متعلق است

غره شهر بنام میرزا محمد علی دارغه قشلی متضمن روانه
شدن بسطر اباد و داشت فیلان بعمل آوردن و
برک یابس خورانیدن اقبال مرسله معه مادر مجی الدین
دارغه بخضور رسیدند

دویم شهر بنام احتشام الدوله خان سمت معروضه
شما بروانه تاکید بقندغن نزدیک جهت گذاشتن
جوانان بهر قلعه که شما در قلعه کرور مقید شده اند نام
قلعدار و عامل انجا ملفوظ است و حاضر بوصول جوانان
مذبور ماهوار مقرر ساده باشند

دویم شهر بنام غلام جیلک داشتن میرسوجان کرناتک
علم موسیقی و بهاگیری و سالوتری دستگاه خوب
بسیار دارد نزد خود و مامور نمودن شیخ فخرالدین بر تعلیم کودکان

بجا شد مقرب هر دو را بحضور طلبیده ملاحظه خواهم نمود

۳ نسخه بنام دیوانان کلیکوت در تحصیل تعلقه بال گهات حسب الامر حضور عامل انجا ذمه شما خواهد بود بجرح آوردن ضرورت نیست و در تعلقه مذبور فراهم کننده راست روا نوشکنه تین منبوده باشند در باب نذرکه حوالا شده بکان نمودند معلوم شد در صورت اتفاق آینده روانه حضور نمودن ضرورت است همانجا در جمع و خرچ نویس نیده در نوشکنه انجا باید داشت

۳ نسخه بنام راجه رامچندر برای حوالا نمودن ۳ قطعه باغ تعلقه بالاپور کلان برای سکونی برعایا تاکید بنام عامل باید نوشت

۳ نسخه بنام سیرت پور اله متضمن رسیدن حضور و ترسیل یکقطعه راهداری حسب درخواست ملفوف بروانه

۶ نسخه بنام محمد درویش ذاکر علی خان و محمد عثمان در باره اوردن یک حکیم حاذق و یک دو اساز که دو اشنا بدوا

اساری تمامی دوای ولایت داشته معه یک خراج کار بکر
براجه فرانسیس گفته

۶ نمره بنام قلعدار بنکلور بردانه موسومه محمد درویش و
اکبر علیخان و محمد عثمان ملفوف است

۱۴ ظلوعی سال دلوار مقام شغل تنک بهدره بنام
دیوان فتح باب حصار دظفر آباد و تعلقدار بربالور در
ماده فرستادن شخص باهوس جهت طلبیدن مردم
نجبا و شرفا و بی معاش از مابین کهات و در ثبت
نوشتن کیفیت هریک بحضور معه یک قطعه راهداری
برای فرستادن شخص باهوش به مابین کهات

۱۴ نمره بنام موسی لالی عبر از یک دوکان کلان
دیگری در لشکر خود ندارند و بر دوکان مذکور بهره گماشته
تقید ورزند که سوای مردم درنگا علاقه شما دیگری را
نه فروشد که در لشکر فیروری قرار یافته است دوکان
کلان نباید داشت

Bulla

۱۸ اطلاعی سال دلو بنام راجه رامچندر متضمن رسانیدن
وجه طلب هفتاد و شش جوان اسدالهی و احدی که بسبب
بیماری معه حاضر نوصول در انجا رسیده اند و وجه طلب
جواهرخان بزکدار جوق چهارم رساله رستم خنک معه
یکقطعه راهداری جهت طلبدن بنگت راو خسر خود معه
متعلق از مالکهات

۱۸ امنه بنام موسیو کستی دکونر جانبین و علام علیخان
دیره و امام و خلیفان بندر مسقط هم بهمین مضمون
در مینولا جماعه مقهور باتفاق فوج نظام علیخان قریب
لک سوار و پیاده و توپخانه بارادهٔ باطله تفاصله ده
دوازده کروهی لشکر فیروزی که بر سر لور اقامت
داشت فرود آمده بودند بمجرد دریافت ایمعنی معه
هیر و بنگاه و اضراب کوچ کرده دفعتاً بر سر وقت ایشان
مذبور رسیدیم یازدهم صفر المظفر سنه ۱۲۱۱ هجره اتفاق
محاربه و مجادله افتاد و هنوز کار شمشیر و سنان نرسیده

بود که جماعه مقهور تاب آتشخانه آتش بار نیاورده بی
اختیار راه فرارش گرفتند و فوج فیروزی با دو سه
گروهی تعاقب انها نموده بسیاری را اسیر و قتیل
ساخت و تمامی شهر بیگاه مخالف به غارت آورد
چنانچه سه هزار شتر معه ساربان و بیست هزار گاو و
پنج زنجیر فیل معه عماری و بیست جوری نقاره و
نشانها و هفت هشت هزار اسب غنیمت آمد باز هم
فوج فیروزی باشته کوب جماعه مذبور شتافته الی
عمارت مانیونه وحیدرآباد که مقر و مسکن جماعه مزبور
رسانیده باطلاع اجمعی پرداخته خواهد شد چون
ان عوالیمرتبت از دوستان ما آمد مفصل کیفیت
روداد جنگ بقلم آمد بخلفان و امام پروانه موسومه
غلام علیخان و بخزه سکرداران ملفوفه پرسانند حسب
نوشته خود وکیل خود را در اول موسم روانه حضور
سازند دگو تهم در بنا در متعلقه سرکار البته بابد داشت

که در سرکار قرار یافته است که بکدانه برنج غیر از بحاران مسقط
بر یکدیگر بصارای املاک شما بفروخت شما هم تاجران انجا
تاکید سازند که وقت آمدن خود به بنادر سرکار جهتی وکیل
سرکار آورده اشیا و اجناس انچه مطلوب خود بوده
باشد خرید کرده می برده باشند تخم زعفران و حوبان
مجرکه از توالد و تناسل وقفیت داشته باشد هم رسانیده
روانه سازند بهمین مضمون نمیر کاظم جهت خریده فرستادن
مردارید و تخم زعفران و حوبان مجر وغیره

غلام علیخان از روی نوشته امام و خلفان مسقط ظاهر شد
که منجمله سفاین همراهی شما یک سفینه سوخته شد شما از این
کیفیت هیچ ننوشتند موجب تعجب حقیقت ان بر نگارند
و از بندر بصره شتر راهی شده باشند اطلاع دهند
و انچه مطلوبات خود باشد اطلاع دهند که فرستاده اند

۱۹ اطلوع سال دلو بنام راجه رام خبدرست درخواست
شما بر وانه جهت دادن مبلغ نقد نبوده بطریق بدقه

همراه نعل میخ وغیره وسوای آن هرگاه شما فرمایشات
حضور روانه سازنده با نزده یا بیست روز مناسب دیده
بدرقه بداده باشند پروانه بنام سید میر قلعدار
مرقوم و ملفوفت برسانند در مقدمه نرسیدن
تصدیق قلعه کول درک نوشته بودند از اهلکاران انجام
دریافته شد که تصدیق مردم متعینه قلعه مذبور بوصول
نشده چهار ماه منقضی شد

۱۹ نامه بنام رین العابدین تعلقدار کنجام انچه وجه مزدوری
بکجوری تقاره سابق رسانیده اند الحال همانقسم مقرر
ضابطه نگاه مزدوری کلاباشن وچکری وغیره مزد متصدیان
جنسی توشکخانه موجود موافق آن مزدوری باید داد

۱۹ نامه بنام سید میر قلعدار راجه رامچندر بکصد و
سی و پنج راس گاو نعل میخ و فرد میخ روانه حضور
میسازند مبلغ نفرسیاده بدرقه داده روانه سازند
هرگاه راجه مذبور فرمایشات حضور روانه سازنده

285

بانزده پیاده مناسب دیده سپاده باشند

۱۹ نسخه بنام غلام محی الدین قلعدار سره شرح و سررشته
مردم جیش مرقوم و ملفوفست و مردم بهرتی از حضور هم
روانه شده اند شما هم از برادران خود کسی را برای
هرتی مامور نموده بجا و شرفا فراهم کرده اند برای دادن
رسید عده بنام عامل انجا بروانه صادر شده شما و
عامل باتفاق مثل مردم جیش دیده بهرتی سکرده باشند
و نقل شرح و سررشته نوشته بنده بعامل بدهند و
اصل پیش خود دارند

۲۰ طلوعی سال دلو بنام چشتی یارخان در جاده رسیدن
حضور بمجرد وصول بروانه از راه هرهن علی و گرفتن
مکصد پیاده همراهی خود جهت بدرقه بطرف نحدشه
راه

۲۰ نسخه بنام راجه رامچندر در جاده مامور نمودن
محمد شفیع خان پسر حافظ شیر خان متوفی برعایتی مکمور لک

باهوش وسلیقه عالی داشته باشد

۵م منه قلعدار دهرچهار منشور بکلور متضمن وصول مبلغ روپیه

نذر فتح

۵م منه میر محمد علی دلیر دل خان یک رساله سوار

برای اوردن اجناس وغله خوراک اسپان در انجا

گذاشته خود با معه جمعیت همراهی بحضور برسند

۵م منه از مقام سورندر کی بنام راجه راجندر متضمن

وصول یازده روپیه نذر

۵م منه بنام سردار عسکری بقلعدار منشور در باده

علی الحساب داده روانه نمودن محمد غوث برادر

عبدالغفار رستوفی بحضور

۵م منه بنام مهدیخان بخشی اردم بتن حسب درخواست

شما راهداری دو نفر همراهان کیات ملفوظست

۵م منه بنام محمد عظفر دیوان ظفرآباد در باره

سررشته دار فارسی معه پنج کماشته در تصدیق

الف

رساله

انجا داخلست موافق ان باید داشت وجه در ماهه

باید رسانند

۴ نسخه بنام تعلقدار ماکری وغیره درباره مجری دادن

پس که در وقت گذاردن مانع اطلاق دودک کم میشود

پروانه براه را مجدد صادر شد وقت آمد و رفت

بهاره پس کردن گرفته گذاشته باشند وبموجب

حکم نامه به تیاری فلوس وغیره برآورده بگجهری توشخانه

بگلوردوانه نمایند وتقبد برین کران ضرور

۴ نسخه بنام برهان الدین انچه برای خرج مانده

شده بگشن راو گفته بگیرند واگر بخاطر سد کسی که مالی

تعلیم امنقی شده باشد حسب گفته او کار بند شوند

دوم یوستی سال دلواز مقام همگر بنام محمد شفیع

تعلقدار منجر حسب معروضه شما پروانه تاکید جهت

دادن مکان دربع برای سکونت متعلقان شما

بنام نرسیده مرقوم وملفوفست مرسانند وخانه گرفته

۶۶۸

متعلقان خویش بدارند در صورت رودادن دیگر
دیزه پیش خود طلبدارند

دویم نسخه علی راجه حسب المعروضه شما در باره عدم مرا
رعت کندن فرنگی حکیم رونده سدرلوه نام موضع
سواسموکده

دویم نسخه بنام داروغه های جواهرخانه برطبوره
مدکهای مرسله شما بردومدک صاد نموده فرستاده
شد هر دومدک تیار کرده بحضور بفرستند و بعد ملاحظه
ان نوعی که حکم رسد بعمل آرند برای درستی جهل یاقوت
حکم فرموده شد باید که یاقوت را در کدک بهمانقدر
گذاشته دکنارهای هر چهار طرف برابر ساده رد
رد دو یاقوت برابر کرده برانگشتر نصب نمایند
که تا درست شود در کدک کلم باید کرد که رنگ یاقوت
خراب خواهد شد

دویم یوسفی بنام موسی کنه نچه کیفیت روانگی

ایلچی

Draft

Letter

موسیو مدرم از بندر بوشهر مورخ تاریخ دوازدهم
ماه اکتوبر نوشته بودند معلوم شد اشخاص روانگی ولا
فراسیس از حضور مقرر شده روانه گردیده قریب
یکماه منقضی گردید حسابچه تا بکلور رسیده مشتر
هم راهی شده اند خواهند رسید قلمی بود که تا رسیدن
موسیو مذبور اشخاص مذبور را حکم توقف در تعلقه
سلم والور باید داد موضوع شد ان شاء الله تعالی
موسیو مذبور فرین خبریت از بندر مذبور راجعت
خواهند نمود با تفصیل حسب مرقوم اشان بنام
اشخاص مذبور پروانه صادر شده که در انت کریک
متوقف باشند هرگاه که شما طلبد از خواهند رسید
تحریر یافت که دراین ولند یزد راجه فراسیس اتحاد و
اخلاص است اگر از سرکار هم صورت اتحاد و سلسله
رسل و رسایل شود بهتر موضوع شد کسی که متحد ما و ایشان
است نفس الامر متحد سرکار بمقتضای عقدت یک تا تر

۳۶۰

که فرستاده بودند موصول شد بقین است که حسب نوشته
خود کارت وزد کرانی هم تیار کنانیده روانه حضور
خواهند نمود توجه ما بحال شما مصروف است بهمه وجوه مطمئن
خاطر باید بود زیاده چه

دویم نسخه بنام محمد درویش و محمد عثمان و اکبر علیخان
در باره توقف نمودن بانت کیری و اطلاع دادن
رسیدن خود بموسی کشتی و روانه شدن بشتر حسب الطلب
موسی مذبور به بندر بهلوری بنام موسی کشتی همین مضمون
همراه هرکاره هوانا که بحضور فرستاده بودند موصول شده
در همه امدار درست است الا سیب کهنگی سیمان آن
بالا و پائین نمی رود لهذا دالبر فرستاده شد باید
که هوانهای هرکه امثال تو تیار شده باشد روانه
حضور نمایند

دویم نسخه بنام ارشد بیگ خان از خیال باطل اراده
نبست القصر مازاند و بموجب معمول بالحاح امور است

سرکار بر دارند که در بین صلاح است

دویم منشی بنام دیوانان ملکوت ارشد یکی از
از خیال باطل میت الله باز ارند و تا مقدور فهمانش
بوجه احسن نمایند اگر بر نفهم باز نمانند با نصر و مقید
سازند و حالی که مسعود المعنی گردیده است انرا
هم مقید باید کرد

سیوسفی بنام موسی کشتی کتاب هوانما که از ولایت
می آید در آن جا نی مینویسد که در فلان فلان ایام
چند رحه سیماب بلند میشود و مزاج فلان فلان
بیمار را اگر غلبه مرض شود بر هوا نما دست میکذارند و
از اثر دست چند رحه سیماب که بلند میشود میشناسند
که مزاج چنین بیمارست آن را ترجمه فارسی کنانیده
بحضور بفرستند

سیوسفی بنام راجه رام چند در مادهورت بندر
سی روپیه جهت خرچ اصغر علی داروغه دارالضرب

572

ظفرآباد در رواله نمودن شمکان مذبور

۳ نامه بنام سید میر قلعدار در راجه رام چندر راجه در
حکم مه برای حویلی بخشی دویم احشام بمکلور مرقوم
است بدانند

۴ نامه از مقام میرکی متصل کویل در باده توشتن
تفصیل حرکت لغو بموجب گفته زن ناقصه بعمل
آوردن چه بود و انحراف مزاج بچه جهت

ارشد شمکان مدستور بهمن مضمون

بدیوانان کلیلوت که مزاج ارشد شمکان بار ناصلاح
آمد شما بکار خود باشند و اوشان بکار خود خواهند
بود و برآوردن زن مذبور از قید و راندن از انجا

۵ نامه بنام کریم صاحب متضمن وصول مدر یازده
روپیه بابت فیح

۴ ربیع الاول سنه ۱۱ هجریه بنام مشیر الملک بهمن آباد
مقصدی را محض برای دریافت ایمعنی که باوجود

فاروق

Duplicate

قرارداد اتفاق طرفین زبانی محمد افضل خان و نعمت الله
نظام علیخان بهادر بالبوته نمایش و موافقت بهم
رسانیده بملاحظت اقدام بملک سرکار نمود مدروانه
نموده بودم نه از راه دیگر در بنولا از خارج معلوم شد که
انهمان بر منصدی مذبور بهره داشته اند از بمبئی تعجب
رو نمیدهد و هر چند قرین صدق یافته نمیشود چرا که رسم
واین عمدکان نیست در صورت صدق این امر نامبرده
را رخصت دهند

یوسفی از مقام کارکنام دار دفعه توشخانه در
ماده تیار کردانیدن دوانگشتری دوم مارکرکهی
وسوم مارکری برنگین نقروی کنده کردانیده
اللهم انصر من انصر دین محمد انگشتری طلای تیار
کردانیده بحضور بفرستند

یوسفی نامبرده تعلقه از کنجام برلهمن سنکه
هفت صد روپیه مایت نقاوی واجب الطلب سرکار

Duplicate 2
Duplicate
Duplicate 232
Duplicate 648
Duplicate 293
Duplicate 575
Duplicate
Duplicate
Duplicate 653

است بتازیانه کاری و معمول نمایند هیچ کس بتعذر احوال او
نخواهد شد چرا که نامبرده متعلق بشماست

مأمور صفی از مقام کاتر بنام سید حسن متعلقه
مأمور در ماده موقوف نمودن برنج وغیره اجناس به
لشکر و غیره از اجناس خوردنی اسپان بحمل کاوان
کوتهی و تاکاوان کر بحضور

مأمور صفی از مقام کاتر بنام غلام حسن خان مصور
اول بنگلور در ماده نگاهداشتن یک لب محی که از بوشت
خواند بهره داشته برای تعلیم قواعد مردم اسد الهی در
طلیدن اینک از کاتیان علاقه خود و معرفت عامل
وتاری برای دروازه مقابل زنک محل و خرج بنادق
کارخانه و دستک متصل سلطان میتری

مأمور صفی سال بنام محمد درویش وغیره در ماده
توقف نمودن بانت کیری و امانت داشتن کاسهای
محوله خود تا وحا ارلون بعد سوار شدن جهاز و انکه را

Bulla 290

فرج سیاه علیحده خواهد رسید در باب بندن نام در باره
عبدالنبی ولد شیخ عبدالرسول جوان حبش متعلقه فتوحن تبخ
امام و موقوف نمودن در باره او در حضور و به اجاب داشتن
سرانجام و جواهر دیگره در قلعه انت کبری

نوشتام به نام یعقوب ارمنی و به نام تاجران ارامنه که
محصول در وقت حبش معاف نموده شد همان کلی مال
واقعه از تری و خشکی در بنا در و ملک متعلقه سرکار
آورده خرید و فروخت نموده باشند هر جا که جنس خواهند
آورد مکان برای سکونت و در صورت مطلوب کاران
و مزدوران متعلقداران سرکار بطریق کرایه خواهند داد

نوشتام به نام [illegible] بدر انزا مخان محوالدگی
شش سوار عوضی شش سوار متوفی که بدر باره بست رو به
نوکر و ساده شده وجه طلب نا برده بموجب تصدیق شش هون
کنی رای میداده باشند

نوشتام به نام محمد عثمان و شیخ در باره کوتوفی رنها

Zef: 233

Zef. 234

Zef. 657

اکبر علیخان همراه خود بولایت

شب ۱۰ امنه بنام محمد علی لشکر بهرتی جوانان جیش
دربرمایور معرفت دو شخص معتمد که نزد شما آمده اند
باید کرد در شرح مسرشته سرکار از نزد قلعه اکشن کیری
باید طلبید

شب ۱۱ امنه بنام مرزا محمد علی و دیوانان پسن محمد و
دارو غه عمارت خانه دوم فوت شد برادرش میخواهد
که برات برادر خود بر ماهه اش سرفراز شود لهذا القلم
می آید که محمد مراد مذبور دارو غه عمارت خانه اول را به
شرط اسپ بخهون در ماهه اضافه نمایند

شب ۱۱ امنه بنام میر معین الدین و سبحان الدین و
ماه مرزا خان و حسین علیخان در ماده تیاری دوتری
در شل خود موافق نقشه داشتن دو دو توپ دیگون
معلوم شون میری نزدیک شب روز یکه مقام شد

۳۰ یوسف بنام قلعه اترتن در ماده فرستادن دو تاریخ

نو تجویز جهت مسجد اعلی و کنده کردانیدن ان از قلم جلی
و خوشخط و صاف که مرد فرش بطور نسبت بالا باشد
و نصب نمودن تاریخ اول بر بالای سر در و تاریخ دویم را
بر دروازه مسجد مذکور

۳ ابردی سال دلوار مقام اناکوندی بنام راجه زرا
مخدر
زیاده کرفتن مبلغ دو هزار روپیه بطریق انعام از
سرکار و نمودن شادی برادرزاده خود و طلبیدن
خویش و اقارب از بابین کهات

۳ سنه بنام محمد کاظم در باده روانه ساختن شیخ فیض
رساله دار بهرتی تعلقه دوازده محل منه جوانان آن
و داشتن متعلقان رساله دار مذکور و متعلقان
جوانان علاقه ان در تهه کشن کبری و پروانه بهمین مضمون
بنام قلعدار کشن کبری ملفوظ شد

۳ سنه بنام مخدوم احتشام فرح باب مصار در باده
روانه ساختن شتر که شیخ محی الدین پسر حاجی محمد متعلقه

Table

جیش که در شب خون مخالف غنیمت نموده بحضور در اطلاق
مزاج خود را سر بر کوهی و بعد حصول صحت رفتن کجهری

نامه بنام بخشی اختام فرح باب دهار متضمن تقید
و سلسل داشتن متکاوکرفتن ده هزار روپیه و متعلقان
طلبیده در انجا باحتیاط باید داشت پروانه سر بمهر کرفته
فرستادن سر رشته دار کندری برش کری بنام
قلعدار حکما لابور مرسل شد

نامه سید محی الدین تعلقدار هکوته حسب معروضه شما
بکفطعه راهداری جهت روانه ساختن متعلقان برادر زاده
شما از متن نجوشتحال پور ملفوفست

نامه بنام میر ابراهیم آمده شما قصد تنبیه پاله و
نماید کرد علاوه از توجه از انجا مراد شما بکار تحصیل و
معاملت ملکی سرکرم باشند

نامه ابرد بی بنام عامل افضل آبادی تکر تمر بیته را
نموده مرسلست برسند و در تعلقه خود هم تمر بذور خواهد شد

دیباتر بهمرسانیده بفرستند از تعلقه ظفرآباد نمونه مذبور بحضور
رسید در تعلقه خود هم تلاش بهمرسانیده معه نمونه مرسله
بحضور بفرستند

نامه بنام میر حیدر روسپهاجید در روضه عمارت کچهری
حسب معروضه شما در ماده موقوف نمودن و نگرفتن نکصید
و سبزده هون کنی رای بات جرمانه و گرفتن زرشرو
حومه از متصدی عمارت کچهری پروانه مرقوم و ملفوفت
برسانند زود تر از کامکاری متصدی عمارت نظر باغ
و رنگ پروازی عمارت لعل باغ

نامه بنام اسد بیگخان در ماده خریده
فرستادن مخ دک بچه غرق کندک بحضور و هم بنام موسی
همین مضمون

نامه بنام داروغه های توشکخانه بتین در ماده کنده کنا
فرستادن مهر جنس کچهری اسد الله افعال دوم خوشخط
و خوش تقطیع مطابق نمونه مرسله ذکر کنده و تیار کنانید

خط اندرون خام و کرداکردان بحضور

۱۴ آنه بنام محمد درویش وغیره نوشته فرستادن
بموسی کشتی لنگر محتوی رسیدن خود با مانفت کری یکی
شد نوعی که کومر مذبور برنگارند موافق ان معمل آرند
سیاست به اهلچی برسند مردم انکریزیش وغیره چگونه
خواهند کشاد وجت وجو خواهند کرد

۱۴ ایردی سال دلو بنام محمد علی تعلقدار ریمابور
در ماده رسانیدن سه روپیه در ماهه ماهوار به
محمد لطیف و یکهون دیکونیم هون ماهوار بمردم همراهی
او موافق قاعده سرکار متعاقب سررشته دار جلیش
وغیره از حضور مامور شده میرسد

۱۴ ایردی از کمک مسعود بنام محمد لطیف تعلقدار ریمابور
محمد لطیف که با نزده نفر دیگر از ایلور آمده است تا برده
راهمانجا داشته بهرزه کنانیده و او را ماهوار سه روپیه
برای خرچ و مردم دیگر را یکهون دیکونیم هون موافق ضابطه

کار

293

سرکار میرسانیده باشند

12 July 1785

ه ارمغان شتابنامه از مقام ادمونی

شاه نظام الدین و عدنا مهصاحب شفیق مهربان کرم فرمای
دوستان سلمه الله تعالی کاغذ نقروئی خربطه کمخاب بسامی

مطالعه موصولبار

محمد بیگخان بهادر همدانی نوالصاحب شفیق مهربان کرمفرمای
سلمه الله تعالی بمطالعه موصولبار کاغذ ان نقروئی
خربطه کمخاب

صدیق بیگخان بهادر حالصاحب مهربان کرمفرمای دوستان سلمه الله تعالی
بمطالعه موصولبار خربطه کمخاب کاغذ ان نقروئی

منور علیخان بهادر نوالصاحب مهربان کرمفرمای دوستان
بمطالعه موصولبار کاغذ ان نقروئی خربطه کمخاب

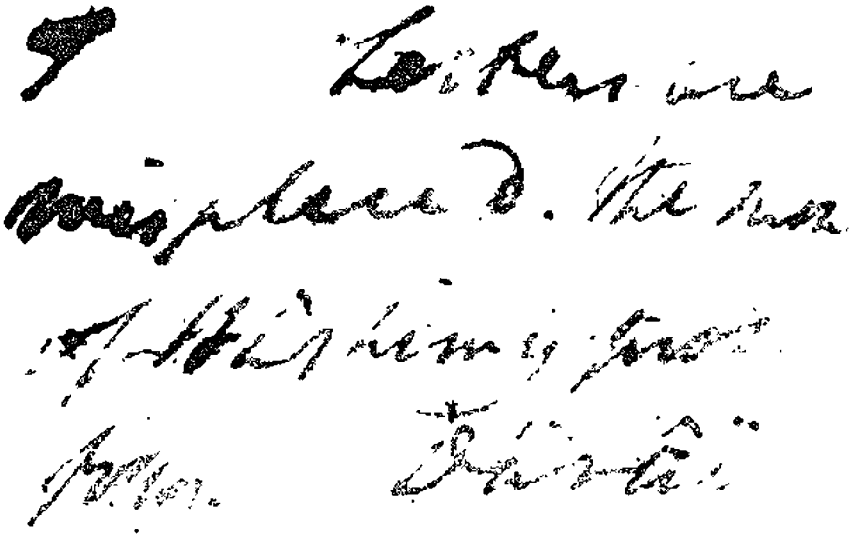

Hulla 294

Hulla

۳ هشتی سال دلو سنه الهجری بخشی یاران دیوان
وزین العابدین بخشی احشام فرخساب حصار
عرضداشت مرسله از نظر گذشت وکیفیت معروضه
طاهر گشت نوشته بودند که قریب چهارصد پیاده های
سرحدی رسیده اند وحسب الحکم حضور ده ده قلم
دو دفعه بانها رسیده است ودر حکمنامه سابق قلم
مندرج است در جواب قسمیکه ارشاد خواهد شد بجا
خواهند آورد معلوم شد باید که بقلم بموجب حکمنامه
وبقلم منجمله زمین هولکنده را بدهند

ایضاً میر مرتضی دارد عه توشکخانه نیز عرضداشت
مرسله متضمن تیار شدن هفده هزار و دو صد و پنجاه
وچهار هون و دو قلم اقلام سلطانی و ده هزار حیدری
نقره بدار الضرب دولت و از زرکرخانه هشت عصای
نقره ای تیار شده برای اطمع داون از نظر گذشت
وکیفیت معروضه طاهر گشت پیش ازین جهت تیاری

Quello

Kirlew

هشت الی دهزار از خیدی نموده فرستاده شده و
تفصیل تباری و سرشته آن زیب نگارش یافته است
مطابق آن تبارکنند

۴ همه بدرالزمان خان نوشته بودند که سی تنک
قریب هشتاد راس بهرتی نموده است و تبار است
روزه ملتمس است معلوم شد بموجب شرح که در قبول
نوشته داده شده ست از تاریخ صدور این برآ
بست روزه وصولی میدانیده باشند

الصاق از بین الطایفه کشی احشام در حیات قصار

عرضداشت رسله متضمن بر آنکه منجمله دو دفتر هندوی
کچهری احشام اگر یک دفتر بدیوان کچهری بوده نه حساب
انجا تمام و کمال داشتن می توانند نه درستی احشام
خواهد کرد معلوم شد انچه در حکمنامه مرقوم است موافق
ان کاربند شوند زیاده خود رای ضرور نیست

۱۰ همه شیخ قاسم و محمد ابراهیم در خوشحال بورستماده

ان

Drillo 295

Watkins

داشت اسپان سرکار نموده باشند محمد شمس الدین
مع قطب الدین که برای مرمت جهاز به بندر کورپال
رفته اند بعد تیاری جهاز شما حسب الحکم بر جهاز
سوار شده روانه پیکو باید شد

ایضا برهان الدین سواری خاص برگ کاهه جلوه
افروز شده است و متعاقب عبور دریای نمک بهدرا
نموده میشود آدمان برای باطنی بلشکر مقهور فرستاده
انچه خبر رسد معروض حضور می نموده باشند

ایضا میر مرتضی منجمله طلای اشرفی شصد هون
وزن طلا بجواهر خانه وشصد هون بزرگ خانه که
دادند خوب شد طلا از حضور هم فرستاده شده طلا
اشرفی که بزرگ خانه و جواهر خانه داده اند گرفته اشرفی
تیار کنند طلا و نقره بسیار است حیدر بها و هونها
و افلام وغیره زود زود مطابق حکمنامه تیار می
کنانیده باشند

Lett: 165
(Ins. 527)

الضیاء شاه عبدالله صاحب حقایق و معارف آگاه سلمه الله تعالی
در بنولا متصل کرکناهه اتفاق آمدن سواری خاص
شده بود لهذا ابوبکرخان را معه یکمنزل دولی
نزدان معارف آگاه روانه کرده شده بود
باید که از ملاقات خود مسرور سازند

۱۴ ماه مبدالزمان خان نوشته بودند که موسی خان
رسالدار جنس دسید عبدالرحیم قلعدار سونده را
برای تنبیه مشروران ضلع سونه که روانه کرده شده
بود انها رفته مکانی که متصرف مفاصیر بود گرفتند و
مفسدان فراری شدند معلوم شده پانزده هزار
روپیه از مان پیش ازده سال بر درختهای انضلع
اوبران شده بود باز آن دفعه درختهای
مذکور اسطار دیگر مردمان دارند باید که مشروران
انضلع هرکجائی فساد و فتنه باشند همه را بدرخت
اویزان کنند

Duello

۱۴ امنه میرجعفر و خانجانی کیفیت واصل جهنم شدن
کنیس بهیر و ظاهر گشت فضل الهی شامل حال می باید
چندین پشم تا که زیاده میشوند آنرا می برند و چندین
می آیند و چندین میروند فضل خدا مدد و معاون ماست

ایضا راجه رام چندر عرضداشت مرسله معه خط
عامل ماکلور که ملفوف بود از نظر گذشت نوشته بود
که داران ماب و رنگان پوتکنور هنوز لایق رواکی
حضور نیستند اگر حکم شود چندی داشته بعد تازه
شدن روانه حضور نموده آید معلوم شد باید که بکما
دیگر کاوان مذکور را بجرای داشته بعد تازه شدن
روانه حضور سازند

۵ امنه زین العابدین تعلقدار شهر کنجام سابق یک
جوره نقاره که تیار کرده بودند موافق ایمان نمونه باز
یک جوری نقاره رود تیار کنانیده بوشکخانه
خیمی رسانند که از انجا بحضور طلبداشته خواهند

Mahim 6

ایضاً بعوث محمد خان و محمد آقا دار دغه توشکی بیگی
سابق جوری نقاره که زین العابدین تعلقدار
شهر کنجام تیار کنانیده بود مطابق همان نمونه
برای تیاری یک جوری نقاره حال هم حکم فرموده
شد و شما بر نج و مس هم برای آن داده آید باید
از محصلی و سزاولی زود تیار کنانیده بحضور معروض
دارند

ه امنه سید غفار تنبه نمودن سواران مقهور منحس
شد عقریب ماهم عبور تمک بهدر انموده میرسم
جمعیت مقهوره قدر یک مسموعی اعتبار ندارد شما
از نظر خود دیده انچه بنظر آید لی کم و کاست معروض
دارند برای سزاوادن جوقدارخش مش ازین
به برهان الدین زیب نگارش یافته ست

ه امنه و سیر مرتضی اقلام سلطانی و حیدر بهای
نفره تیار کنانیده و کداخل توشکی نه نمودند خوب شد

Pers 110

طلای اشرفیها نا حال چرا داشته اند برای آوردن
اشرفیها شتران از حضور روانه شده اند باید که
تا رسیدن شتران مذکور زود اشرفیها تیار کنانیده
دارند

۳ دا سعی سال دلو شنبه ۱۱ هجری محمد اشرف عرضداشت
مرسله معه یادداشت زربافی تعلقه ثرمتن از نظر
گذشت و کیفیت نرسانیدن زر سرکار عامل مذکور
و استعانت عامل قلعدار انجا ظاهر گشت جانچه بردآنه
تاکید شد بنام قلعدار مزبور در باره عدم استعانت
عامل مرقوم و ملفوف است قلعدار مسطور بکار تعلقه
نخواهد آمد و عامل دیگر از حضور تعلقه مزبور میرود
شما زر سرکار زود بوصول آرند

۴ برهان الدین عرضداشت مرسله از نظر گذشت
و کیفیت جمعیت مقهور و دانیدن طلب دو ماهه
مردم جیش متعینه قلعه نرکند از تحصیل انجا ظاهر گشت

Lel. 174
Zu 337
L 93

نوشته بودند که سوای طلب دو ماهه مردمان صد رحال
برای دادن طلب بگماشته مردمان مذکور تاکید تمام
قلعه دار قلعه مسطور فرستاده اند و مردم احشام
را بطریق علی الحساب چیزی داده اند و مردمان
مذکور علاوه نکرده اند برای رسانیدن وجه طلب
انها به بدر الزمان خان حکم صادر شود معلوم شد علاوه
نکرده اند حکم واحد است قسمیکه از تحصیل تعلقات قلعه
نکنند بمردمان حشم ایجاد داده اند همان طور بمردمان
احشام سرداده اند سوای خاص عبور دریای نمک بهدرا
نموده است و عنقریب جلو بران نواخ میشود

نامه براجه رام چندر یاد داشت احباس کامگاری
رنگ شمس الدینخان داروغه توشکخانه بنن که بحضور
ارسال داشته بودند ملفوف است موافق آن بکفایت
خریده نزد حضرت اله فرستاده فوران طلب دارند و باز
هم برای خریدی جنس انچه بنویسند زران کرفته خریده بفرستد

فرمان

ایضاً شمس الدین خان عرضداشت مرسله معه یادداشت
رنگ از نظر گذشت نوشته بودند که موافق یادداشت
ملفوفه پروانه نامبرده نام راجه رام چندر دیوان
بنگلور جهت خریده کرده فرستادن رنگ مرحمت شود
معلوم شد چنانچه یادداشت مذکور در پروانه نوشته
مشارالیه ملفوف ساخته زیب لفافه اش یافته است
که موافق یادداشت ملفوفه دیگر ای انهم هرچه ازان
بنویسند زر گرفته موافق آن بکفایت خریده به پیش
نزد شمس الدین خان روانه نمایند و هر وقتی که
اجناس درکار شود زر فرستاده و نوشته طلبد
دارند حیدری نقره و اشرفی و مهرهای کلان و
اقلام سلطانی زود تیار کنانند

ایضاً براجه رام چندر دو قطعه عرضداشت مرسله
معه سه بند یادداشت راکهو مالی مزرعه وغیره بابت

انعام ما کاجوسی از نظر گذشت نوشته بودند که ابه
وغیره که بر اسکدار روانه فرمای شده است هنوز
نرسیده و معرفت دیوان حبس حصار فقط فتاویل
وغیره سرانجام بلورین نرسیده و سرانجام بندری
نمالین و بسطر لنجی وغیره موصول نشده و مس و
بمادیق وغیره که بحمل کاوان مدور اماروانشده
نیز بدستور نرسیده اند معلوم شد از حضور اجناس
بجا ائیکه فرستاده شده است موافق ترقیم سابق
نوشته بطلبند و موجودات گرفته نگاهدارند

ایضاً سر ولی پاشا بخشی مس فیض حصار متضمن تمنای
حصول ملاقات حضور از نظر گذشت باید که مردمان
تعلقه خود را گرفته بحضور برسند

رقعه شمس الدین خان عرضداشت مرسله معه افراد
جمع و خرج نوشته نه میر قمر الدین از نظر گذشت همراه
چهار پیاده تعلقه تعلقه و نکت راه و کشن راه برا

Dulla

که روانه حضور خود نموده نامبرده ها رسیدند

ایضا غوث محمد خان و محمد اقا داروغه توشکی خبسی ظاهر
حضور شد که داروغه ها و متصدیان و سدانتدو
کلران وغیره متعلقه جواهرخانه حاضر نمیمانند لهذا اگاهکار
بکروزه داده روز سیکشنبه باید که انها را تاکید شدید
بل تازیانه کاری نموده حاضر داشته رقوم انها بزودی
تیار میکنانیده باشد

ایضا امیناز کر متعلقه جواهرخانه عرضداشت مرسله
متصمن حاضر نبودن داروغه ها و متصدیان وغیره
کارخانه از نظر گذشت چنانچه تاکید شدید تا نهایت
نگارش یافته است باید که انها را حاضر داشته
بزودی رقوم به تیاری می آورده باشند

ایضا برهان الدین ملک بهان بهری برای ان نورچشم
فرستاده شد باید که الحکم که ان جهت خود تیار (ه) کنانند

Ditto

Wanden

ایضاً سیر معین الدین بیگ تهانی سپرده برای شما
فرستاده شده انکه ان جهت خود تیار کنانند

دیگر جمدار الزمان خان برای اضافه دهنه رساله
عبدالقادر تعلقه حیش که معروض نموده معلوم شد
برای رسانیدن دهنه و غیره بر رساله دار مذکور موافق
معمول بروانه بنام بریسا نوب نگارش یافته
است خواهد رسانید بران الدین دیگت رنگیا
را معه لبرش حوالان رفعت نشان می نمایند
باید که بر هر دو چوکی پیاده ها انداخته از احتیاط به
نگریروانه نمایند

ایضاً بران الدین نوشته بودند دیگت رنگیا را
معه لبرش مقید ساخته در لشکر فیروزی داشته
باشند رساله شیخ بدهن را در عوض رساله شیخ حمید
اگر حکم شود فرستاده مردم اول انجا را خواهند
طلبید معلوم شد بالفعل رساله شیخ حمید همانجا

بمان

Delhi 300

باشد و بکبت رکبار امعه پیرش حواله بدر الزمان خان
کنند که به بکر روانه نمایند

۱۰ امنه بمطالعه رفعت و عوالی مرتبت شوکت و معالی
نزلت موسی کشتی هاد کورند در ملجوی دام محبته
مسموع شد که از مدت وکیل مرتبه در انجا آمده نشسته
است چون ایمعنی فیمابین انجا دستکار و راجه فراسیس
مناسب نیست لهذا اقلم می آید که نامبرده را مرخص نمایند
و ماندن نهند زیاده تحریر رود

۱۱ امنه ملایم خنک معروض نمودند که هیچ طفل
اسد اللهی از امروختن ثنای شهنشاهی نبارسته اند
معلوم و مستحسن شد بیاض ثناخوانی فرستاده شده
قسمیکه در ان مرقوم است این را هم همان هیچ طفل امورا
خیار نمایند

۱۱ امنه برهان الدین نوشته بودند که شرلکان قصبه قشوین
سپه دار سید حمید و سید غفار را بطریق جریمانه وجه یکهزار

وضع میکنانند وچون قدارمنی قصبه را بعد روز دوم قصبه کدر
بزک نگاهداشته بودند روز جنگ بمخالف نامبرده ها برگدار
ساخت کرده معه برگدار رو پوش شده بت معلوم
شد قبایل وخویش وبرادر نامبرده ها کجا هستند تحقیق
نموده معروض دارند موجودات جوانان وبنادیق وغیره
سرانجام دیده بنادیق انقدر وجوانان انقدر وتوسدان
انقدر اندیاد داشت مفصل نویس شده ارسال حضور
نمایند وسابق هم برای ترسیل یاد داشت مذکور رب
نگارش یافته بود وحال هم زیب ارقام پذیرفت

البته بدر الزمان خان عرضداشت مرسله معصوم
استدعای مرحمت بنادیق جهت جوانان عسکر از
نظر کذشت باید کران رفعت نشان بجزم واحتیاط باشند
برای فرستادن یادداشت بنادیق وتوسدان و
جوانان وسرانجام وغیره به برخوردار برهان الدین
سابق زیب نگارش یافته بود وحال هم زیب ارقام

بفرستند بعد رسیدن یادداشت مذکور از جائی که
نادیق روانه شدن است مرحمت خواهد شد بالفعل در
لشکر فیروزی نادیق زیاده نیست

ایضاً شمس الدینخان وغیره دو قطعه عرضداشت
مرسله معه یادداشت قیمت نهانان میری خاصه
از نظر گذشت رسید نهانان مذکور از نوشکی به حضور
خواهد رسید نوشته بودند که شش هزار و ششصد
اشرفی تیار شده است و دیگر هم تیار میکنانند معلوم
و مستحضر شد هر قدر طلای اشرفی که بشما داده شده
است تیار کنانند خدمخ ادهلی و هیچ یادتی که ارسال حضور
نموده اند رسید بهمین طور دیگر هم تیار کنانند

ایضاً نوشته بودند که یک جوری سکه حیدری نقره
و یک جوری نیمروپیه و یکجوری یادروپیه جمله سه جوری
برای روانگی قصبه حصار و بدین دستور سه جوری سکه
برای روانگی ظفرآباد جمله شش جوری جمع و خرچ نوشکخانه

از ابتدای ماه بهاری لغایت آخر جعفری ارسال حضور
معلوم شد سکه های مذکور و جمع وجرح مزبور رسیده باید
که جمع وجرح از روز نهصت سواری خاص با مضبط
لغایت حال خوب نموده ارسال حضور سازند

ایضاً سرحد علیخان و راجه رام چندر نوشته بودند
که حسب الحکم سابق دو فلوس و دو کاس بابت
تیاری سابق برسبیل نمونه ارسال حضورست معلوم
شد بابت تیاری سابق و حال هیچ تفاوت نیست
مطابق ترجیم سابق تیار میکنا نموده باشند

ایضاً راجه رام چندر دو قطعه عرضداشت مرسله
از نظر گذشت نوشته بودند که حسب الحکم راتب و
رماهه احمدیان تعلقه مالاپور جوره دسکوه و قانجان
بحساب سی روزه میرسد حال مسموع شد که بتمر عامل
یوسف آباد در ماده رسانیدن در ماهه احمدیان
بحساب سی و شش روز صادر نموده پس در بصورت

در ماهه احمد بان مذکور بجناب سی روزه باسی و شش روزه
باید داد و در مناب هرچه ارشاد شود بعمل خواهند آورد معلوم
شد قسمیکه بشما حکم شده مطابق ان بعمل آرند از دیگران
چه کار نوشته بودند که اشتال کشش باران بمرتبه زور
داده است و ناموری شتی بعمل آوردن و رن حاب
دایی شک موافق معمول ضرور در مناب انچه ارشاد شود
معلوم شد بعمال مطابق سال گذشته برای ورن جب
وغیره موافق معمول بنویسند
ایضا محمد ابراهیم عامل باکمنکل نوشته بودند که پونا
سرشته دار انجا نمکحرام است و باعث اوره عایا رو
بعراری خواهند آورد معلوم شد انچه نوشتنی است
بدیوان دارالسلطنه بتن بنویسند
ایضا برهان الدین عرضداشت رسله مصحوب صبح
لشکر فیروزی و قرار نمودن مقهور تانک فرستاده از نظر
گذشت قسمیکه حال مناهیر را مرحمت داده اند آینده

هم وقتیکه نمودار شوند فایو یافته تنبیه واقعی نمایند ان شاء الله
کفاران اینجا هم بسزای بدکردار خود خواهند رسید

۳ هفدهم بدر الزمان خان سه قطعه عرضداشت مرسله معه
خط علی راجه و خط قاضی نکر که نام ان رفعت نشان
رسیده بود و معه یادداشت زر سروقه قلعدار طارا
درک از نظر گذشت نوشته بودند که قلعدار مذکور
خائن و متمادی است اگر حکم شود کریم خان که حسب الحکم
از سدا شیوکده نزد ایشان رسیده است مقرر نمود
روانه نمایند معلوم شد تهرست قلعدار مزبور را
عزل کرده نامبرده را مطابق معروضه خود مقرر نمود
بقلعه مسطور روانه نمایند شب سیزدهم ماه واسمی
دو قشون برای شیخون مقهور فرستاده شده بود
چنانچه بر سر مقاتیر رفته خان نوب اداری و
شلک نمودند که فرقه ضاله تاب نیاورده تار و مار
گردیده دم بسلم و کوشش قلم شده رفتند بنابر اطلاع

6.1 Delhi

ب لگارش یافت

Wellesley

Let. 183

ایضاً قاضی بنگلور حکم مه کرباش ان از حضور مرحمت
شده است نقل ان نویسانیده ارسال حضور نمایند
که برای عنایت فرمودن بقاضی ظفرآباد در کار است
در سطر اول صفحه آن نام کچهری ظفرآباد بجای نام
بنگلور باید نوشت و نام قاضی نباید نوشت و باقی
مقدمه رسوم وغیره انچه دران مرقوم است بجنس نقل
ان نویسانیده ارسال نمایند نقل حکمنامه را مجلد
ساخته ارسال دارند

ایضاً سید پیر قلعدار بنگلور برای ترسیل نقل حکمنامه
قاضی انجا بنام او لارب لگارش یافته است بنابر
ازشریعت پناه نقل حکمنامه مذکور نویسانیده
بحضور ارسال دارند

ایضاً راجه رام چندر بچقطعه عرضداشت مرسله
از نظر گذشت نوشته بودند که بروں باری بهته

For 783 (a) Tu
? 538

بفاصله چهارصد و بیست ذرعه سلطانی زمین بسیار بهتر و
مناسب است اگر حکم شود حصیر در انجا تیار کرده آمد معلوم
شد بهمانجا حصیر تیار نماید و حصیرمذکور سفالین تیار
سازند و موافق نوشته حکم سابق اشجار باید کاشت
و چاه باید کنانید و نقش کچهری عمل حصیر و چاه و به
سازوان دادن یک انار بزنج و یکفلوس نقد
جاریست و یکچهری شما تا حال چرا توقف است باید که
حصیر و بغره زود تیار سازند حسب معروضه خود و یک
نفر کلرچت نگاهداشتن برنج و بغره در حصیر و تقسیم
نمودن آن بسازوان بدر ماهه با نزده فلم و یک
نویسنده نیز بهمان در ماهه برای نوشتن حساب نوکر
باید داشت حسب معروضه خود از شطرنجی های مدراس
چهار عدد شطرنجی کهنه دیده برای فرش کچهری بگیرند
حسب معروضه شما پروانه ناکید در ماده دادن هفت
کس آهنگر و بغره معه دالیکان انها بنام قلعدار

Delhi

مسکونه مرقوم و ملفوف است نفران مذکور را طلبیده
حواله سید سرفلعدار نموده رسید بگیرند نوشته بودند
که نرمت علیخان بخشی احتشام کومتی و کومی وغیره
معه زن و مرد و نوکر نفرمایت همدست شده کنل سیلابور
حوالان رفعت نشان نموده اند معلوم شد باید که انها
را داخل اسد اللهی نموده زمه سید بیرساند انچه از
تعدیات جمع و اصلیاقی بقید تفصیل عین و سوای
نقدیات و غله وغیره نوشته بودند معلوم شد مثلاً بر
موضعی که صد هون می آید نصف وصول شده و
نصف باقیست و عامل را معلوم نیست که اینقدر
وصول شده و این قدر باقیست می باید که باقی را داده
باقی بنویسد و اجناس وغیره فروخت که روانه تهن
وغیره میشود عامل خود قیمتش مقرر کرده میفرستد اگر در
رسیدن رسید دیر شود مضایقه نیست در حساب
بنویسند آینده رسید خواهد رسید پروانه بنام سید

قلعه‌دار در ماده داخل نمودن نمودن نفر مذکور در اسد اللهی
مرقوم و ملفوف ست

ه امنه میر اسمعیل دار در عرضداشت مرسله متضمن داخل نمودن یک زنجیر فیل
نوشکار که در یک حویلی و تنها کس کوچه افتاده بود و
استدعای حکم در ماده جهول و کلاوه و کدیله وغیره
با قبال سرکار انظر کذشت در میدان فیل های ست
که میکردند انها را شکار باید کرد و جهول و کلاوه و
کدیله وغیره انچه کهنه شده ست بعامل هیکر دیوں کوته
داده سر انجام نماز عامل مذبور بکیرند و ننماده
بروانه بنام عامل مذبور مرقوم ست رسانیده
بکیرند

ایضا شی ست ه در شکور نوشته بود مذکه حسب الحکم
دیرروبروی درکاه مبارک منهدم کرده شد امازمن
انجا عامل مذکور میکذارد معلوم شد عامل زمین مسطور

105

راخواهد گذاشت باید که ان زمین را داخل مکان درگاه
سازند برای جاری داشتن رسوم وغیره اسنده‌ای
صدور پروانه بنام عامل سلیم و سربور نوشته بودند
معلوم شد برای رسوم وغیره هر یک دهبر ماه انچه حکم
فرمودنی بود فرموده شد این دستور نیست که بار بار
زیب نگارش یابد

۵ امنه بدالزمان خان نوشته بودند که حسب الحکم رساله
عبدالقادر را در بنجی طلبیده مردم کچی وغیره متعینه ارمار
برای حفاظت ضلع سدا شیوکنده روانه ساخته بالفعل
موسم دریا وآمد و شد جهازات رو بکار است دریا
مردم متعینه قلعه مذکور هرچه ارشاد شود معلوم شد
رساله عبدالقادر بکور مال روانه نمایند بر مردم متعینه
جهازات را نیز بکور مال دارند

۶ امنه راجه رام چندر نوشته بودند که دو صد و بیست و
هفت عدد خوکیر را بیل خورده و مانده بیکار کنانیده

Delhi

Mahadeo

شده ماه شد که داشته اند و مکرر معروض نموده اند و
حال هم باندیشه واخفتن چندی ضایع خواهد شد معرض
برداخته اند معلوم شد باینکه خوکیرهای مذکور بحضور ارسال
دارند

ام سنه زین العابدین متعلقه از شهر کنی م عرضداشت
رسله متضمن گرفتن یازده اطل مس و ح اطل جهاز
نوشکنی نه جنسی و دو ناپدن ان یکدوازده وغیره کاران
های نیاری جهت قفاره از نظر گذشت جهت قفاره
مذکور زود تیار کنانیده معروض دارند و برای تیاری
تهانان هیری و زرین کپر پهول وغیره فرمایشات حکم
فرموده شده است باید که بسرعت سریعه تیار کنانند

ایضا سید محی الدین عامل هنکوته عرضداشت رسله
متضمن بر بنکه رسالداران احمدی سوای دال تور
دال قسم دیگر نمیکرند از نظر گذشت دال تور یا دال
مونگ یا دال ماش از بین هر سه قسم هر کدام که بهم رسد

الدال

67
Le M. 284

Hello

برسالداران احمدی باید

۴۴ مدیم جنگ معروض نمودند که هیچ طفل اسد اللهی از
اموختن ثنای شهنشاهی تیار شده اند معلوم و مستحسن شد
بیاض ثناخوانی فرستاده شد قسمیکه دران مرقوم است
این راهم بهمان هیچ طفل اموزانیده تیار نمایند

۴۵ میر سلام حسب الحکم داروغه ارباد عرضداشت مرسله
متضمن کیفیت نیامدن محمود علیخان به پشاور در عرصه چهار
ماه و فرستادن برادر خود بعد دو ماه با نجابا کوالیف
دیگر از نظر گذشت از آمدن و نیامدن خانمذکور آن
نجابت پناه را جه در کارات آن زایر کاری که مامور
و مقرر فرموده ایم سرانجام می نموده باشند و بسرعت
سریعه کامکاری جهازات کنانند و شمس هم بر جهاز
مطابق ترقیم سابق بچسپانند

۴۵ منه راجه رام چندر عرضداشت مرسله متضمن استدعای
راهداری حضور جهت خریده نموده طلبیدن نزدیک از آنجا این

Bello

کیفیت و فرستادن ان نزد شمس الدین خان برای
کامگاری عمارت لعل باغ وغیره از نظر گذشت حسب
معروضه آن رفعت نشان راهداری حضور مرقوم و
ملفوف است باید که دوراسکا و دو چاریح ادم خود
فرستاده و زنگ طلبیده تردوار و غه های توشکخانه
بتن فیل بندند

Mulla

Mulla

البضا بزین الدین و بدر الزمان خان بیک مضمون
پروانه معلی بقید راه بصحابت ایرو بنداره و
منجامی هرکاره مرقوم و مرسول است باید که از همان
راه و ما براه دیگر از اندرون نراکم اشیار کوچ کرده
بفاصله شش هفت کروهی از دیوگری که دایره کا
معسکر فیروزیست فرود آمده بحضور معروض دارند
غازی خان بسیار تجربه کار و کار آزموده و از راه ها
واقف است لهذا معه رساله فرستاده شده است
تا مذاکرات مشورات و صلاح نامبرده کار بند باید شد

186

372

۲۶ برهان الدین همراه غازیخان چهار فشون هم روانه
کرده شد باید که اثاث وغیره خس و خاشاک بنگاه زیادتی
انچه باشد نزد افوتی داشته خود همراه نامبرده عبور
رود کرده و نزدیک شش هفت کروهی لشکر فیروزی
فرود نیاده راست بحضور باید رسید و اسباب
جنگی و بهیر جریده همراه خود میارند منجمله سه توپ کلان
دو توپ لنجر همراه میارند و یک توپ و کروالی هم انچه
باشد در بنگاه بدارند و کاوان انچه لاغر باشند همراه
الواب در بر ندارند

۲۷ راجه رام چندر عرضداشت مرسله متضمن بر بنکه
منشور لامع النور مبنی بر دادن مکان وسیع
بمیر علی بخشی دوم کچهری احشام شرف صدور یافته
[illegible] مشارالیه انکه عیال و اطفال کثیر اند حویلی
بهادری انچه وسعت دارد مرحمت کرده از نظر گذشت

حویلی مذکور در کدام محله و کدام جاست و چند حجره و چند
مکان دارد و کیفیتش معروض دارند

ایضاً سید پیر قلعه دار حویلی بهادر محمد مختار در قلعه در
کدام محله و کدام جاست و چند حجره و چند مکان دارد
کیفیتش معروض دارند

ایضاً بدر الزمان خان عرضداشت مرسله معه یادداشت
مولیشی از نظر گذشت پیش ازین پروانه معلی بصحابت
غازیخان وغیره سواران صادرست مطابقش نمایند
شوند

۲۸ شمس الدین خان عرضداشت مرسله معه یادداشت
خلاع مهابی وغیره از نظر گذشت خلاع مهابی و مهمانان
دوریه و دوبیته شنشته وغیره که بر اسکدار ارسال
حضور نمودند بحضور اقدس رسیدند

ایضاً سید محمد قلعه دار بهاء الدین دستوری
بدلکار را که برای آوردن کرم های ابریشم به بنگاله

Dullo

روانه فرموده شده بود نامبرده ها از راه سد موت نزد
ایشان برسند با بدکه مکان داشتن کرم های مذکور از
نامبرده ها پرسیده دانسته و پیش ازین برای کاشتن
درخت های قوت صحرائی حکم فرموده شده بود برای
خوراک کرمهای مذبور باید داد و کرمها چه قدر آورده اند
کیفیت آن مفصل بحضور معروض دارند و دیگر ازبرای
زیادتی کرم و ازبرای داشتن انها مکان چه قسم طاهر
نمایند انهم معروض دارند عقب محل خاص قدیم که
توشکی نه غلام حیدر بود بانطرف زمین خرید برای
عمارت آمانت شده ست و درانطرف ازبرای کرم
مذکور مکان تیار نمایند

۲ سرحدی میر علی بختیاری احترام نمکور دو قطعه عرضداشت
معه سی تا دمونه دخیره مابت ساوندی ورک ازنظر گذشت
شما انچه درعرایض خود قصهای طول و طویل معروضداشته
اند جواب همه مقدمات درحکمنامه کچهری شما مرقوم است انرا

617

مطالعه نموده مطابق ان کار بند شده باشند برای
اعانت انهولی جهت بهرئی املکت پیاده ها که نوشته
بودند معلوم شد بقلعه ارانجا تاکید باید کرد که بموجب
معین ضابطه بهرئی پیاده ها نمایند در پیاده اعانت
انهولی ضرور نیست و قلعه مذکور و واگذاری انچه مرمت
طلب باشند از همانیان منعینه مرمت باید کنانید و
بقلعه ارانجا تاکید باید کرد که مطابق حکم سه بهرئی
همانیان نماید معروض نموده بودند که پیاده های بادای
مجروح شده و انجا که رسیده اند اسلحه ندارند معلوم
شد بقلعه ارانجا تاکید نمایند که سلاح بریده ها
داده وجه ان بموجب اقلام در طلب انها وضع
نماید چه ایمعنی هم در حکمنامه مندرج است نوشته
بودند که ازش منهو کان انجا باعث داشتن همانیان
خود عیوض شانهو کی یکصد و پنجاه هون و او هولی دارا
و فعه داران باعث کمی پیاده ها از تصدیق یکهزار هون

بازنان

باز یافت نمودند معلوم شد زر مذکور بمعرض وصول از
دست متصدیان علیحده مقرر نمانده و شما بعد دیدن
سوندی در رک زرد به بکلور روانه سوند و بهمانجا
بانضاف تربیت علیخان بخشی اول بفصله حساب
قلعجات وغیره بردارند علیحده بقلعجات کردیدن
شما حساب چگونه بفصله خواهد یافت

---

۳ منه دار وغه های توشکی نه یادداشت عرض
جنت ارامکاه که از محل رسیده بود و از سال حضور
نمودند معلوم شد موافق یادداشت مذکور غلاف و
کندم وغیره بدهانند یادداشت مرسوله پس ملفوظ

ایضا بیرمرتضی جمع وخرچ توشکی نه بین بابت ماه
دارائی سال دلوشته انهری که از سال نمودند بحضور
معلی رسید همین نمط هر ماه جمع وخرچ تیار کنانیده
از سال حضور می نموده باشند هو تهای جدری و
اقلام متفرقه ای جدری نقره وغیره انرا در تیار میخوند

۱۴

ایعنی خوب نیست باید که مطابق حکمنامه زود زود
نیاورکنند و بحضور معروض میبوده باشند

ایضاً خیدیر نقل حکمنامه بخلوز که از قاضی انجا
گرفته ارسال حضور نمودند بحضور اقدس رسید

ایضاً قاضی محمد عابد نقل حکمنامه انجا که بخلوض نام
بخلوز نام طرفانه درج کرده ارسال حضور نمودند بحضور
اقدس رسید

ایضاً یعقوب ایسی سوداگر نوشته بودند که آدمان
ان تجارت پناه را هر کاره عالم ماندی مزاحم شده
نگذاشت که بجانبین بروند یک راهداری جهت
آمد و رفت آدمان بجانبین و یک راهداری جهت
گذاشت مردمان ایشان زیر حمت نشود معلوم شد
چنانچه راهداری نباید آمد و رفت مردمان آن تجارت
پناه بجانبین و یک پروانه تاکید جهت گذاشت
آدمان ایشان انجام هر کاره عالم ماندی مزاحم و ملحوظ

۲

بتحریر

C/5 310

Baku 378

۱ سید محمد قلعه ای کیفیت معاملہ رضا که معروض نمودند
انشاء الله المستعان قریب الوقوع است حق سبحانه تعالی
کار ریاست پناه اقلیم از دست بدکاران خود بر آورده گردانیده
است و خواهد گردانید بجرویه غرور شکون مذکور کرار سال
حضور نمودند رسید

ایضاً شمس الدین وغیره عرضداشت رسله معهود ورود
باز داشت یکی بابت وصول زر سید محمد سعید داد و ثانی بابت
قیمت و رسله دو تباری و یک بسته تهانان کلبدن و
ن تهانی سبزی وغیره از نظر گذشت رسانیدن طلب
یکماهه موعده هزار هون بطریق علی الحساب و کندلهای
نو عوض کندلهای ناکاره سید محمد شهدا مستحضر و بجا
شد رسید تهانان مذکور وغیره خواهد رسید

ایضاً محمد اشرف انچه رسانیدن پیشگاه هزار روپیه
قطب الدینخان جاگیردار اودنی و تبار بودن مبلغ
مذکور هزار روپیه در توشکخانه انجا و فرستادن سرداران

Zone H. 380
Lc 10332

Kon. H. 380, 2372

جهت تحصیل زر معروض نمودند سخن درست شد نوشته
بودند که باعث عدم بارش تعویق تحصیل زر رو می
دهد معلوم شد بنام عمال تعلقات باید نوشت که غله
وغیره خیرات نمایند حق سبحانه بفضل وکرم خویش باران
رحمت عطا خواهد فرمود

۲ مانه شمس الدین متضمن استدعای راهداری
برای سه نفر زنار دار بابت بانهایک که از مکه آمده
بود از نظر گذشت حسب معروضه ایشان راهداری هر
سه نفر مذکور مرقوم و ملفوف است باید که نفران مذبور
را مانع سر انجام انها با راهداری مرقوم به مکه روانه نمایند

۳ حیدری شمس الدین وغیره نوشته بودند که سوا
رفعدار در مکر فوت شده اگر حکم صادر شود جایش
را عوض متوفی بدارند معلوم شد بهرست نامبرده
را عوض متوفی داشته کار سرکار میکرفته باشند

ایضا بهمت خان قلعدار قبض حصار برای بعد آمدن

Hello 17

پیاده های احشام و کندا جاز بخش احشام چه قدر میگویند

انها را بحضور روانه سازند

۱۴ منه راجه رام چندر انچه بنسبت فرار رعایای تعلقه

بالاپور کلان سبب افزود شدن شش هفت هزار

هون از مقرر کردیدن نرخ هون پادشاهی بردارند

فلم کنی رای دقعه رانصال ان برعایا نوشته بودند معلوم

شد بر رعایا و اماسایی بموجب تفریق یکفلم دو فلم

که می افتد انها را برداشتن چه دشوار

۱۵ منه محی الدین معلمان متضمن استدعای دو نفر باندار

جهت بندوبست باغات و خانه ها از نظر گذشت باندارا

برای جلگیدن هستند نه برای فرستادن باید که نزد آن

شوکت مرتب پیاده ها که هستند از انها بندوبست

سازند

۱۶ منه صابر معین الزمان کاوان اتواب کلان و کاوان [illegible]

خود معدار و غه ها و بهلبانان بفرستند که بطرف بحاری جمعه

خاص بکناره لشکر فیروزی آمده فرود آیند که گاه
بسیارست کاوان را بجرانند جائیکه انهمان فرود
آمده اند گاه دورست و انجا گاه نزدیکست کاوان
تازه خواهند شد باز وقت کوچ ما وقت کار آدم خود
فرستاده طلبدارند

۸ مرزا احمد بیگ به زنجیر افیال خاص معه حوده و
چتر و سرانجام ان و یک عماری نقره و هفت زنجیر
فیل علاقه قادر محی الدین معه عماری سرخ و سبز که
بازار و غه و منصدی که روانه حضور نمودند خوشد
یکزنجیر فیل مکهنه بابت کریه که سابق بسانوروالا عنایت
شده بود فیل مذکور نیز روانه حضور باز نزد شما
معه افیال و سه دار و غه و منصدی به تعین رفته عماری
و غیره سرانجام نموشکی نه جنسی رسانیده افیال مذکور
که برای جرای منظر آباد مقرر فرموده شد در انجا داشته
خبرداری و احتیاط بکار برده کیفیش بحضور معروض می

نموده باشند

ایضا برهان الدین اولا برای فرود آوردن کاوان
نوبجانه قشونات وکاوان اتواب کلان عقب لشکر فیروزی
باعث وفور کاه حکم فرموده شده بود حال بخشی وغیره
علاقه ان نورچشم عرض نمودند جائیکه ان برخوردار فرود
آمده اند در انجا هم کاه بسیار است لهذا از بهر نگارش می
باید در صورت نزدیک بودن کاه باز دور فرستادن
چه ضرور باید که همانجا کاوان مذکور را بچرا کاه بفرستند

ایضا یوسف بیک کوتوال رکاب بازار معروض
نموده بودند که خانه ها وغیره متعلقه بازار لشکر ظفر لشکر
در باب رهای والیمکان خود از انجا در عین مدار السلطنه
پتن امیدوار فضل وکرم اند معلوم شد در تعلقه شما

ایضا شیخ قاسم ومحمد ابراهیم روانگی بندر بکوتشما
موقوف نموده شد باید که متعه خلاع وغیره مردم
همراهی خود را بحضور برسانند

۹ محمد اشرف عرضداشت مرسلہ معہ سی زر در مہ عاقل
ثمر بتن از نظر گذشت آنچہ از خورد و برد عامل معزول
نوشتہ بودند معلوم شد لطف عامل معزول وغیرہ
آنچہ زر سرکار می برآمد از تنازمانہ کاری بوصول آرند
عامل برای ثمر بتن از حضور مقرر شدہ است در آنجا
مبرسد رنگو کوہند زنادار کہ نزد ان رفعت نشان
است و برای عاملی ہوتور و ارین کل تجویز کردہ بودند
باید کہ نامبردہ را بحضور روانہ سازند کہ او را بکار
جای دیگر مقرر فرموده خواہد شد

ایضاً شمس الدین وغیرہ از حضور معلی مبلغ پنجلک
روپیہ برای آوردن نہر بروضہ حضرت شاہ مردان
کرم اللہ وجہہ مقرر فرموده شد باید کہ حیدری نقره
و اہلی و پاویلے و آنچہ تیار شده اند و میشوند علیحده
عیوض پنجلک روپیہ را در صندوق داشته و بر صندوق
مذکور جنہی چسپانیده مہر کرده بدارند و بر جنہی صندوق

621

مذکور را بنطور بنویسند که این صندوق روپیه های نذر
جهت آوردن نهر روضه حضرت شاه است بعده آنچه
تیار رسیده باشند منجمله آن خرج میکرده باشند لاکن
از صندوق مذکور برآوردن و خرج کردن درکار نیست

[illegible] زین العابدین بعلقه ارکلشن آباد عرضداشت
رسیله از نظر گذشت و کیفیت رسیدن دو راس
اسپ مادیه بصحبت سید ابراهیم بنجا ظاهر گشت
نوشته بودند که درین روزها اسپان بسیار رسیده اند
جهت بخشیان دانه حال گداهی ها کفایت نمیکند برای
دادن دو عدد گداهی آهنی بنام عامل حانجان مثل
منشور لامع النور صادر شود و معلوم شد حسب العرضه
آذرعه الی پناه پروانه مکرمت نشان بنام عامل مسطور
مرقوم و ملفوف است باید رسانیده دو عدد گداهی آهنی
مقسمت گرفته رسید آن برساند سحظ سرانجام

حکم شد

622

۱۱ امنه محمد اشرف عرضداشت مرسله از نظر گذشت
وکیفیت روانه نمودن حساب وکاکین سرکار حضور
ظاهر گشت نوشته بودند که تا بر نوشتن حساب
تو شکنی نه کسی متصدی مقرر نیست اگر حکم شود
کسبی شرشته دار مقرر خواهند نمود وگرنه از حضور
کسبی مقرر شده حکم روانگی کرده معلوم شد در حکمنامه
شما مرقوم است که متصدی علیحده برای نوشتن
حساب تو شکنی نه درکار نیست از دست سرشته داران
محالات که کسبه راند باید تو بنویسند ما وجود این که برای
داشتن متصدی علیحده که معروض نموده اند غیر
از نادانی و نافهمی به تصور توان کرد حکمنامه را به
هنند و مطابق ان عمل نمایند

۱۵ امنه ایضاً عرضداشت مرسله از نظر گذشت وکیفیت
جمع شدن مبلغ یکصد روپیه بخش نامه منجمله زر تحصیل باقی
سال گذشته در ان ظاهر گشت باید که زر مذکور از

Shelf 623

احتیاط و خبرداری به بتن روانه سازند و برای دادن
بدرقه و کاوان کوتهی برای باربرداری زر مذکور بنام
همت خان قلعه دار بروانه مرقوم و ملفوف شد

ف

ایضاً همت خان قلعه دار قبض حصار از معروضه محمد اشرف
دیوان انجا بحضور ظاهر گشت که مبلغ یک لک روپیه بجنس
و مابه منجمله زر تحصیل سال گذشته در انجا جمع شده است
باید که بدرقه شایسته و کاوان کوتهی برای بردن زر
مذکور داده از احتیاط و خبرداری به بتن روانه کنند

۷ امنه شمس الدینخان وغیره جمع و خرج نوشتنی نه
بخط فارسی و هندی و کنهری بابت ماه و اسمی که
ارسال حضور نمودند بملاحظه اقدس گذشت تیاری هونها
و افلام وغیره جرار الضرب برابر میشود و قسمیکه در حکم
نامه مرقوم است مطابق ان قصد داشته هونها و
افلام وجدری نقره زود زود تیار میکنانیده باشند

۸ امنه سیدپیر برای روانه نمودن چهار صد راس گاو

لایق توپ کشی بحضور براجه رام چندر زیب نگارش
یافته بود راجه مذکور کاوان مسطور از جرائی طلبیده
باشند باید که همراه کاوان مزبور یک مردی آدمی
وبنجاه وشصت نفر پیاده معه یک نابکواری داده
تاکید سازند که کاوان مذکور را در راه جرانیده ازبالا
گهاٹ سلک اندرولی سرکار براه بهانزی از احتیاط
وحفاظت وخبرداری بحضور برسند

ایضاً راجه رام چندر نوشته بودند که حسب الحکم حضور
چهارصد راس کاو توپ کشی منجمله کاوان سارورنگان
همدست شده کمل لونکسور از جرائی طلبیده اند وبرای
روانه نمودن ان بحضور جهت همراه دادن پنجاه
نفر پیاده بنام سید میر قلعدار نامزد شد علیخان
بخشی احشام منشور اکرصادر گردد کاوان مذبور را
روانه حضور خواهند ساخت معلوم شد چنانچه برای
همراه دادن یک مردی آدمی وپنجاه شصت نفر پیاده

لم

Hello 315

معه یلیقرنامکواری زیب لکارش یافته است خواهند داد

۱۹ منه ایضاً عرضداشت مرسله معه خط عامل کنکی موسوم
ان رفعت نشان متضمن همکامه ارای وشرارت بالنکار
مغرور تعلقه مذکور از نظر گذشت شما و نزهت علیخان در انجا
نشسته چه میکنید باید که تاکیدات شدید نوشته بدولت
کنانند

۲۰ منه شمس الدینخان عرضداشت مرسله معه یادداشت
خوالکاه خاص قلندری از نظر گذشت نوشته بودند که
بکنترل خوالکاه خاص قلندری معه قنات وسایبان
بابت تیاری سابق نرد بور سارد انه کرده شد و جهت
تیاری دو منزل خوالکاه نو یک جوان پرخیاطان تحصل
داشته اند و برای مزدوری خیاطان که ذریعه میکسید و
بنجاه هون میشود و سابق معروض داشته بودند معلوم
باید که بقایای مزدوری خیاطان بابت سابق انچه باشد
بدهانند و حال موافق مرقومه عمل نمایند شما از صبح باعلام

مزدوری خیاطان انچه می شده باشد هر روز سید مانده باشند

وباقی ندارد

۴۴ بتوشکنی نزد دیوان کچهری در بنولا انار شریف

سعه دو شخص مجاور یکی محمد غوث دیگری سید آبن روانه

نموده شد دیگی سرانجام آن ملفوف است باید که بعد

رسیدنش هر دو مجاور را در ماهه مناسب دیده مقرر

کرده منجمله جا گیر کنند مبارک سید مانده باشند و

انار شریف را قبله رو بی مسجد موسوم راس متصل

خانقاه مسجد بعل باغ یک حجره مقرر کرده داشته رسم

زیارت وغیره کتابق رسم نگارش یافته است

مطابق آن بعمل آرند روزی که انار شریف در حجره

خواهند داشت از طرف سرکار طعام دو صد انار

پخته بعه یکصد روپیه بغرباء دست کین تقسیم نمایند

التفات خواهد یافت چند رانچه از مزاحم شدن ایلچیان

کامکاری قلمی مکلور عالی شمس الامرا دانسته عای تاکید

بنام

بنام عامل مزبور که نوشته بودند معلوم شد حسب معروضه
شما برواله تاکید بنابر عدم مزاحمت وزود زود در سنادان
ایلچی نفیله بمکلور بنام عامل مسطور رقوم وملفوفت

۴۳ محمد غوث وغیره در مغولاچار دستخط جناب میرنصوی
وغیره وتصاویر حضرت رسالت پناه ﷺ واصحاب
کبار وغیره که بعد ازین برآمد فرستاده شد باید که حکم نامه
کنید مبارک نویسنده همراه آثار شریف بدارند و
باد داشت ان ملفوفت

۴۴ راجه رام چندر آنچه در باب جاری انعامات
تونی وتلاری وبهت ورتی ونرکتی وغیره از کدام
سنه حکم صادر میکرده ودر حکمنامه حکم مبهم است
نوشته بودند معلوم شد در حکمنامه شما البته تاریخ
اجرای انعامات انها مرقوم بوده باشد مطابق
ان عمل آرند

ایضا میرابراهیم ومیرغلام حسین ودیوان کلیلوت و

628

کیفیت درخواست نمودن بعضی مردم سیاه بلهر در سخط
ارشد بیگیان و ازان منهای منصدیان علاقه خان
مومی الیه از خاندکور و نکفیه را سار نادر ما صی و
بعضی بی توشکی نه عذر در پیش آوردن خاندکور
و نا نهضتا بله سوای تصدیق خا منسطور نوکر داشته
از چند مدت طلب داده می آیند که نوشته بودند
معلوم شد در حکم مرشما و خا منسبور برای دادن
طلب سیاه وغیره انچه زیب نگارش یافته است
مطابق آن طلب سیاه وغیره بدهند وسوای آن
دادن طلب مردم زیادتی بی صدور حکم حضور
ندکار نیست

۲۵ ارشد بیگیان کوبا عامل لورم نازعرضداشت
درماده شرارت دزدان وراهزنان که ارسال حضور
نموده بود ملفوف است انرا به بندوبست
سازند ودرماده فساد وشرارت پیشکان انچه درخک
لکنور

کشته شدند شدند مابقی را بکیر آورده از جان جرا یاد
کشت مشرالیس همکه آن سکان سفید و سیاه را
روانه بتن منمود باشند

۴ ام محمد عیسی سابل افضل آباد نکر و کیفیت ورود
الاجی مفصل ظاهر کشت قوم شیخ وغیره کشما داده
شده است محض برای همکه زمین با بها داده و
کشت و کار کرده و کار رود الاجی هم از انها بکیرند
همکه ارائی دزدان که معروض نمودند معلوم مشود
که انها را شوق داخل شدن در زمره اسد اللهی شده
شده است چه مضایقه مطابق خواهش انها خواهد
شد

۵ ام یعقوب ارمنی و کیفیت ورودی شدن بخانه
ان نجارت پناه ظاهر کشت مکرر ترتیب نکارش
یافت که شما بحضور برسند در انجا نوشته برای
معاملت کردن نیامده اند مشورتیام قلعدار و

Draft

عامل انجا ورباب پیدا کرده دادن اشیا بمسرقه
مرقوم است باید که اشیا و سرانجام خود کرفته زود
حاضر حضور شوند

۹ ام محمد درویش وغیره و کیفیت رویوش شدن
جونوجی هرکاره برادری بهیرجی نایک و رسیدن
دو جوان اسد اللهی طاهر کشت هرقدر مروالی که
رحکم مهتما مرقوم است برانها برک داشته همراه
دو سیر شد برای پیدا کرده فرستادن هرکاره مذکور
تروش تا کید فرموده شد خواهد رسید و بیار
فرستادن دو جوان اسد اللهی نزد شما بین
زیب نکارش یافته است انها همراه زود بکلور
نزد شما خواهند رسید انتظار کسی نکرده زود
روانه شوند و توقف ننمایند

دوم ماه طلوعی ایضا و رنجولا نایک انکتر الکاس
و رنایک طبلی رزین بهر خاص بصحابت سبکت رنا هرکاره

631

برادری بوتاد کمال محمد و بلست برادری شیخ مدار اطلاع
است باید که طبلی مذکور را کشوده دیده و برای دادن
داجه فراسیس یک صندوقچه بابت جواهر مزین بمهر خاص
نزد شما داده شده است در امیان انگشتری یاقوت
است ارابر اورده در طبلی مذکور داشته و مهر خود بانموده
بصحبت هر دو نفر مذکور بحضور ارسال نمایند و این انگشتر
الماس را در صندوقچه مذبور داشته مهر خود بانموده
باحتیاط تمام بدارند و سابق یک انگشتر الماس در صندوقچه
مذکور بود معه این انگشتر دو انگشتر الماس میشود در
حکمنامه شما هم دو انگشتر الماس مرقوم است داخله آن

باید دید

۴ مفه غلام عظیم نوشته بود مذبک لک چکده که
جمع شده بود حسب الحکم به بتن روانه نموده شد و باز
در عرصه بست روز یک لک چکده جمع خواهد کرد معلوم
شد هنکه مت مت هزار چکده جمع شوند روانه بتن می

نموده باشند و انتظار جمع شدن لک چکره نباید کشید
انچه باعث توقف دوکریه مانع انفصال تعلقات و
دریافت حساب و کتاب نوشته بودند معلوم شد
باید که حساب دیگره زود فیصله ساخته معه کچهری بطور آباد
روانه شوند انچه از وعده پانزده روز نمودن و نکس دوب
ت نانوشته بودند معلوم شد موجی الیه وعده پانزده
روزه نموده شش سال گذشت شاراله بسیار دروغگو
ست بروعده او نباید بود مجرد انقضای وعده مذکور
سزاولی سدید و تقدید نموده زرسکار بوصول آرند
از روی اجبار بشهری ظاهر حضور شد لاجی الدنغلیمان
باوصف لی دندانی دویدن نشیب و فراز حضور رکه
حال دیده رفته ست فراموش نموده باز مرنگب دیدن
رقص کرمنافی مرضی حضور ست شد اسمعنی دلیل برافراط
زرست و آن رفعت نشان جرائم ست ماند مدوبانع
دیدن رقص نشدند

خورده از ارام نشسته بحرف و حکایت میگذرانند
ما را از صبح تا شام کارهاست هر وقتی که فرصت میشود
بصدد جواب عرایض شما متوجه میشویم

ایضاً حسنی یار خان در بولایات می در سرکار
عالی مطلوب است لهذا زیاده ارقام می یابد که
موازی پانصد عدد دات بهی کفایت خرید نموده
بر کاوان نوکر بحضور روانه سازند

۸ منه شمس الدین خان دکیت بستن شش هزار و
ششصد کاس سناری در هفت کهند و فی جهت
روانه ساختن بکلور و طلب کردن دو نبرک جوان
برای بدرقه و هفت نفر اودهولی برای برداشتن
کهند و تنهایی مذکور از قلعه ارد و جواب دادن مشارالیه
بر ادن جوانان مذکور و ندادن پیاده های اودهولی
حمل بعد کهتن آن رفعت نشان یابند بعلتی آن
بحقش احترام جهت هفت نفر پیاده و ظاهر

کافی

Guide 321

Inventory

ساختن مشارالیه که پیاده ها برگذهی اهسند بعد
رخصت چهار روز طلبیده خواهیم داد مفصل ظاهر گشت
حسب معروض ایشان راهداری حضور و پروانه تا
بنابر دادن دو نبرک جوانان حبش و هفت نفر
پیاده او دهولی بنام قلعدار مرقوم و ملفوف است
رسانیده و پیاده ها و غره گرفته کاغذهای صدر
مطابق ترقیم سابق به بنکلور روانه نمایند زیاده چه

الباقی سید محمد قلعدار برای روانه نمودن مبلغ
شش هزار و ششصد کاغذ سیاهی به بنکلور
بنام شمس الدینخان و غره دار و غه نوشکنی زر
ارقام یافته است باید که آن حشمت مرتبت دو نبرک
جوانان حبش برای بدرقه و هفت پیاده او دهولی
برای برداشتن کهندولی ای زرنگور حواله خان
مسطور نمایند که مارر مزبور روانه شود و راهداری
هم از حضور مرحمت شده است

Add. 24114

ایضاً محمد شفیع عامل افضل آباد ذکر آنچه از قول طلبیدن باید
و دیگر منجمله در دادن الاچی و پرسیدن باعث درد دادن
الاچی و دادن جواب آنکه از قدیم الایام در والاچی
کار خود بشد و اکنداله معرفت محمد شفیع عامل کمرالبکار
میرسام و خط او شتن بسم الله در مقدمه الاچی صدر
و نوشتن جواب بسم الله با مضمون کرا کر پروانه بطلب
در باب والپس دادن الاچی بنام خود صادر خواهد شد
خواهم داد بر اظهار داده چرکل هم بمضمون صدر معروض
نموده فرمودند معلوم شد حسب معروضه شما دو قطعه
پروانه یکی بنام داده چرکل و ثانی بنام محمد شفیع در باب
والپس دادن الاچی مرقوم و ملفوف است فرستاده
الاچی که در رونده است بگیرند و از آینده آن شرافت
پناه ادعای خود را داشته الاچی در رو میکنا نبید
باشند

تا ازین العابدین تعلقدار شهر لنجم و کیفیت رسیدن

کاوفتادن

کاوقصابان سانور ودران نه نفر کمی آمدن بموجودات
دپرسیدن باعث کمی از پیاده های همراهی شان و
جواب دادن انها که در اثنای راه فوت شده مذظاهر
کشت باید که باعث کمی از قصابان مذکور تحقیق نمایند
که برادران وخویشان متوفی آمده البته به ثبوت خواهد رسید
گرفتن ضامنی زنجیر بندی ازانها خوب شد موافق تقریم
سابق باحفاظ بداز بند رسانیدن یازده هزار و
پانصد و شصت وهیچ هون ونه فلم شش طلا کمی بدای
بهوشکی نه سرکار بابت تقاوی وما عده وسایر
شهر کیفم مستحسن شد

---

۱۸ راجه رام چندر حکمران مه مرسله رسید دران انچه
نوشتنی است نوشته بند باز نروان رفعت نشان
فرستاده میشود چهار فلوس و چهار کاس و دو
اوطلی که ازوار الضرب هوتری درک تیار کرده اینده
ارسال حضور نمودند بلاحظه خاص رسید همین قسم تیار

کن نند

۱۹ بیشتی یار خان دیوان وزیر العابدین بخشی است م

فرجاب حضور عرضداشت مرسله متضمن تهنیت فتح تنبه

اعدای دین متعه بست و در رو به نذر از نظر گذشت

تمامی مسلمین را لازم است که مستدعی دلتجی بجناب

باری باشند که جماعه مفاهیر مخذول و منکوب شوند

و فوج اسلام همیشه منظفر و منصور باشند

ایضا راجه رام چند یکی متصل برسیدن و مهمل دا

ساهوبه بکلور و رفتن او به بتن و ثانی استدعای

تاکید پروانه بنام سید پیر قلعدار دربار دادن

رسیدن سیهای محولات ان از نظر گذشت

حسب استدعای ان عطبت نشان تاکید پروانه

بنام قلعدار مذکور مرقوم و طفوف ست رسید

خواهد داد و بقلعدار بتن دربار روانه نمودن

ساهوند بور نزد ان رفعت نشان زیب نگارش

یافته بهت روانه خواهد نمود باید که بعد رسیدن سامو
سطور مطابق ترقیم سابق زر سرکار بوصول آرند

ایضاً سید پیر راجه رام چندر دیوان انجا اسامیهای
ملکی وغیره که ذمه شما نمایند رسیدش بمشارالیه می
داده باشند و هرگاه برای وصول زر اسامیان
مذکور طلب نمایند بفرستند و بعد وصول زر سرکار
وقتیکه اسامیان مذکور را روانه مکان انها نمایند
رسید خود از مشارالیه واپس بگیرند

ایضاً علی راجه در تعلقه نیلسر انچه که زر وصول
کرده اند باید که یک شخص معتبر خود را نزد محمد شفیع
عامل منجیسر و گسار روانه نمایند که زر و حساب و
کتاب تعلقه نیلسر فیصله ساخته انچه زر ذمه شماست
بمشارالیه بفرستند

ایضاً سید پیر قلعدار و رضا علی و پیر علی متوران معه
چهارده روپیه نقد تنبیه سالگره شاهنشاهی از نظر

گذشت سر دادن سبی و یکضرب انواب مستحسن شد

انضبا را به رام چند رمضمون صدر معه یازده روپیه

نذر

ان
ام سنه سیصد و شصت معه یادداشت در باره مجاور

وغیره بابت آثار شریف از نظر گذشت و کیفیت

رسیدن آثار عظمی و داشتن آن در کنبد مبارک

نا تیاری مکان جا بر نهادن مفصل ظاهر گشت معروض

نموده بودند که نقره دروازه آثار مبارک در وقت

بر آوردن ریزه ریزه شده است نقره مذکور در توشکخانه

فرستاده دروازه آن تیار باید کنانید با انشان

تبارکنانند معلوم شد بر دانه خاص هزار روغه های

توشکخانه نقدی از سیر نگارش یافته است هیچه نقره

دروازه آثار معلی است بهمان وزن دیگر نقره از توشکخانه

بآن حشمت مرتب بر نهند ملفوظ است باید که شما نقره

دروازه را و نقره صدر هم از توشکخانه گرفته هر دو نقره

را در دروازه خوب و بهتر و خوشنما و مستحکم بنا کنانیده
اجره انار التقدس نصب نمایند

---

۲۳ سنه مجموعه و ربیع الزمان خان عرضداشت
رسید متضمن تهنیت فتح بنه اعدای دین سه ده روپیه
از نظر گذشت تمامی مسلمین را لازم است که بندگی و
طبیعی بجا آرند باری باشند که جماعه مقاهیر مخذول و
منکوب شوند و فوج اسلام همه مظفر و منصور باشد

---

۲۴ محی الدین علیخان و علام مظفر و کیفیت معروضه
خبک و جدال با سواران مقهور کاهی ظاهر گشت انچه از
غنیمت نمودن بسه کره نادد کهری و تنبه نمودن و
شش نفر اسیر ساختن و دوازده راس اسپ
از سواران مقهور گرفتن مرقوم بود معلوم و مستحسن شد
مقتضای نمک حلالی و بجا آوری همین بود که از ایشان
بظهور پیوست و روانه نمودن سید محی الدین بمعاقب
اشقیا خیلی بجا شد درباره وصول ساختن هفت هزار

چکره از روپکو مانک و ۳۰ هزار که برنا سپرده باقیست
انهم بوصول می آرند نوشته بودند معلوم شد زر مذکور
بوصول آرند اشرار اکل باید داد و دوازده راس
گوسپند مغنمه را که نیکه آورده اند موافق معمول سرکار
از دل مقرر کرده وجه قیمت بانها داده اسپ را به
سرکار باید گرفت

---

۱۴ راجه رامچندر معه پسر اسپان بابت طویله جا
جزائی وغیره و تقویم بابت سال شما از نظر گذشت
و کیفیت مجلکه گرفتن از میر احمد علی عامل کورت کره
و روانه نمودن نا سپرده متعلقه مذکور باعث نبودن
والیتگان او ظاهر گشت انچه در باب جاری نمودن
دیه العام ناکاجوسی و رسیدن سند دیهه مذکور
از کچهری صدارت معروض نموده بودند معلوم شد
لاکن نام و محاصلات دیهه مذکور معروض نشده
حکم فرستادن سند آن از صدارت کچهری چه قسم فرموده

لغ

شود بنی اسپان و تقویم مرسله بحضور رسید میر حسین علی
و میر احمد علی هر دو برادر اند کلانی بعاملی کنبن کوند سرفراز
شده سعلقه مذکور رقعه و کوچک بعاملی کورت کره
سرفراز شده نزد ان رفعت نشان روانه شد و اینکان
هر دو نامبرده در ریتی است جای و سواس نیست
محلکه گرفته بتعلقه صدر روانه نماید

۷۴ عرضه غلام حیدر عرضداشت مرسله منصن استدعای
پروانه بنام دیوان ایجاد رباب عیوض جوادن کاوان
و جاموسان ضعیف و ناکاره از نظر گذشت و گیفیت
معروضه ظاهر گشت حسب معروضه شما پروانه تاکید
بنام دیوان مذکور مرقوم و ملفوف است رسانیده
کاوان و جاموسان ضعیف و ناکاره باب تعلقه
مامورت کچهری حواله دیوان مسطور نموده عیوض آن
گرفته لکار باید برد

ایضا بدر الزمان خان بهادر چنانکه شما فرودی آنر

یک شتر سوار سرکار و یک شتر سوار اوتن که بلشکرش
روانه میشوند بروانه که بنام نزاین راو مرقوم و ملفوف
است بصیغت انها نزد راو مذکور بفرستند

۴۸ منه حافظ محمد خان قلعدار لشکری کیفیت برآمد آملی
خود از کنکونی درک و داخل شدن لوانم باری و
سرکرم بودن بندوبست کتل ظاهر کشت انچه از ارسال
نمودن بخشی مولیشی راسر امعروض نموده بودند معلوم
شد سابق بخشی مذکور رسید و جواب آن زیب
ارقام یافته بود و حال هم زیب نگارش می یابد
مولیشی مذکور ذمه عامل لشکری نامبرده را سر انجام
کل بار برای داخل نمودن در ذمره اسد اللهیان
نزد راجه رام چندر و تربت علیخان به یکلور بفرستند

۴۹ منه سید محمد قلعدار بتن معه یادداشت سامان
و سر انجام و لوازمه یومیه و بخشیه بابت آثار شریف
از نظر گذشت نوشته بودند که نقره بوزن نقره درواه

آثار مبارک از نوشکنی نه کرفته دروازه تبارکنا نبده بحجره
آثار معلی نصب نموده خواهرشد انچه درباب تبارنمودن
حجره وتقسیم طعام ودوصد آثار معه یکصد روپیه بفقرا
مساکین وجمع شدن اهلکاران ومشایخین وبزرکان
وحاضرشدن موضع وشریف سکنه شهر وفرش
کنانیدن درخانقاه وحاصل ساختن زیارت
آثار شریف وقدم مبارک سرور انبیا صلی الله علیه
وآله وسلم ودستخطهای حضرت علی مرتضی علیه السلام
وسیدالشهدا علیه السلام ومحبوب سبحانی رضی الله
عنه وحوالهنمودن یک بزرک احشام مدارد غه کنند
مبارک برای حفاظت صندوق آثار مبارک نوشته
بودند معلوم ومستحضر ولیکن خوب شد معروض نمودند
که منجمله سامان یک صندوق کتب ویک چوبزیاد سته
نقره افزود برآمد انچه چوبزمذکور نزد صندوق آثار
شریف نهاده شد وکتب مذکور را محمد غوث ظاهر

کردید بخود نوشته رسیده است که در توشکخانه
برسانند معلوم شد باداشت تفصیل کتب مذکور
بحضور ارسال دارند تفنگ خانه که روبروی کنند
مبارک تیار میشود از محصلی بزودی زود تیار
کنانند و مسجد اعلی که اندرون دارالسلطنته
بتن تیار میکنانند باید که تقدیم بسرعت سریع
تیاری اتم بکار برند چراکه سواری خاص همینکه
جلوه افروز انجا میشود اول در مسجد معلی نماز ادا
کرده من بعد داخل دولت سرا خواهیم شد
ایضاً راجه رام چندر معه مبتی بصحبت برادر ماهر کاره
از لنکا گذشت روانه نمودن بعلمچ و مردمیچ بزنکید
دستی و بخراس و خوکیر خانه و سه راسکاران
کرانه ظاهر گشت حمله بکنید و هشتاد و هشت براس
کاران مذکور بحضور رسیدند و در سدش متعاقب
خواهد رسید

العاکر ادی

ابن شمس الدین خان معروض شود در باب تیاری
مدگها و زیور جواهر و غیره علاقه داران جواهر خانه و
زرگر خانه طلا و نقره درخواست نمایند و از تحصیل محالات
و صرافان و دکان سرکار بالکل نپرسد و از دار الضرب
طلا یکهزار و دو صد هون وزن بزرگر خانه و غیره داده
شده بود هنوز عیوض آن هم بدار الضرب نرسیده است
معلوم شد در توشکخانه و در حجره دندان فیل برای
تیاری اشرفیها و هونها و غیره طلا و نقره بوزن لکوک
هونهاست بازان طلا و نقره مبلغ یا چیزی دیگر بخط
می آید محل تعجب ما در که از ان طلا و نقره برای کامکاری
انچه مطلوب می شده باشد موافق کامکاری عیاران از
خبرداری و تقید درست کنانیده میشد یا نمیشد

ابو سعید محی الدین علیخان عامل بنگاپور عرضداشت مرسله
بعد نذر فتح مبلغ و پنجهون کرک ماهی تفصیل کامکاری
قلعه سودرسن پتن از نظر گذشت ملکی که بان شرافت پناه

نوشته داده شد از ان خبردار و کارسند باشند باقی از
ملک و بکرچه کارکمانی وغیره جمع نموده بسرعت سریعه قلعه
مذکور تیار سازند

ه منه علیرد لخی ان عرضداشت عامل هرری و هرکاره
رانی مذبور که بحضور رسیده بود ملفوف منشور لامع النور
ست کیفیت ان دریافت نمایند مردمان مقهور اطراف
واطراف سانور خواهند بود سراغ گرفته و تعاقب نموده
به تنبیه واقعی باید پرداخت

ایضاً شمس الدینخان و قطعه عرضداشت
معروضه هفدهم وسلخ ماه طلوعی به پنجم ماه یوسفی از نظر
گذشت براورد ملک لک هون بهولی برای داون
دار الضرب دار الضرب بهت تیاری اقلام از جمله
علاج خوب شده تیاره چرمی ماست کواغذ افزار نامه مراسله
بیرا سلت روانه نمودند از هر سه بحضور رسیده

ایضاً راجه رام چندر انچه در باره درخواست نمودن

بسیم

Lucknow

سید میر قلعدار سو باری وغیره برای ذخیره قلعه
بکلور معروض نموده بودند معلوم شد داخل نمودن
ذخیره در بخشی امتام انجاست انچه ذخیره مطلوب
باشد شما را کفته بخشی مذکور داخل ذخیره خواهند
نمود

ایضا در ماده تیاری خانه ها جهت سکونت و استکان
قلعداران انچه مرقوم بود معلوم شد قلعدارانی که نزدیک
باشند برای فراهم نموده فرستادن چوبینه حویلیها را
انها بعمال تعلقات انجا تاکید نوشته بفرستند و
برای اماکن قلعداران دور راچوبینه آن شما فراهم
نموده مطابق نوشته سابق تیار کرده بدهند

نام منشی راجه رام چندر سه قطعه عرضداشت رسید
معروضه بست وچهارم وبست وپنجم ماه طلوعی سال
دلو مرقوم ماه یوسفی از نظر کذشت انچه در باب بودن
اهلیه و یک دختر عاقل مفرد متعلقه بنکاپور در پهره

Jhansi

سید میر قلعدار بنگلور نوشته بودند معلوم شد نوشته
بودند که حسب الحکم حضور نیمروز به روزینه برای
خرچ قاضی ترکل میرسانند و برای طلبیدن متعلقان
قاضی مذکور فهمانید گفتند مشارالیه جواب داد
که متعلقان در تعلقه علاقه غیر هستند از خود
طلبیدانش نمیشود مگر اینکه خط نوشته سید هم
ادهان از طرف سرکار معه راهداری فرستاده طلب
دارند و از دیگران ظاهر شد که اهلیه قاضی مسطور
فوت شده است معلوم شد مشارالیه باید گفت
که آدم خود فرستاده والستگان طلب دارد
آنچه کیفیت خطبه خوانی در بنگلور معروض نمودند معلوم
و مستحسن شد

ایضاً رپن العابدین بخشی اختام فرجاب حضار عرضداشت
مرسله معه یادداشت تفصیل رزینامه اسمعیل خان
قلعدار ماضی رنگیری از نظر گذشت و کیفیت استدعا

منشور لامع النور در ماده وصول زر مذکور بنام
نرسیا دیوان نگردید هر گشت حسب معروضه آن
رفعت نشان برای تحصیل زر ذمه اسمعیل خان
مذکور و فرستادن رسید زر مذکور نزد شما بر دانند
بنام دیوان مسطور مرقوم شد شما هم از طرف خود
در نیماده بشاراله بر نگارند

ایضاً محمد درویش و الله علیخان و محمد عثمان ما بالفعل شما
به اننت کبری رسیده در انجا توقف نموده گفت
رسیدن خود در انجا بموسی کستی بنویسند و تقید
مشاراله شما را طلب دارد روانه شوند والا نه
همانجا باشند

ایضاً شمس الله خان و بهره دادن نقره بورن جهل و
سه وک خام مطابق نقره دروازه انار شریف از
توشکی نه ذمه سید محمد قلعه دار انجا بنا بر تباری دروازه
انار مبارک خوب شد انچه سوزانیدن بارچه مهتابی و بخره و

نقره خالص آن سه هزار و یکصد و نود و سه روپیه
وزن برآمد نوشته بودند معلوم شد و داشتن نقره
مذکور برای مسئ اقلام خوب شد روانه نمودن اشرفی علی
داروغه دوم دارالضرب دوم معه سرانجام بنظر آباد
بهتر گردید و زنجواهر خانه سه داروغه هستند از اعیان
محمد جان اله را اول داروغگی دارالضرب دوم مقرر
نمایند

ایضاً بعرض رسید که کیفیت داخل شدن نصف و نه
هزار و یکصد و هفتاد و نه هون و چهار فلم سلطانی
و یکهزار و دو صد و پنجاه حیدری نقره و پانزده هزار و
نهصد و سی و دو اودلی از دارالضرب بنونگی نه
سرکار ظاهر گشت انچه تقدمه فوت شدن میر جعفر و
غلام علی داروغه اول و سیوم دارالضرب دوم
و اول نوشته بودند معلوم شد نقره و طلا بسیارت
اقلام حیدری کلان و روپیه و غره زود زود تیار

Zulla

کنیده باشند در جواهرخانه سته داروغه بستدار
ازایشان عیوضی میرجعفر متوفی محمدجان الدر آول داروغگی
دارالضرب دویم مقرر نمایند

الیف شمس الدین خان وغیره دو مهر تقطیع مربع بموجب
دوصحبی ملفوفه کنده کرده انیده و انگشتری طلا تیار
کنیده ارسال دارند

اللهم انصر بن نصر دین محمد اول بحری سکه

اللهم انصر بن نصر دین محمد سیوم بحری سکه

الیف شمس الدین خان وغیره یمنی هاله درجواهرخانه هستند
ازایشان یک یمنی تقطیع مربع کرفته بران مهر بنام
بدرالزمان خان بهادر کنده کنیده ارسال حضور
نمایند

غلام حیدر عامل بنکلور و کیفیت تقید و منهای مقرون
برانیدن و فروختن شراب و مجلکه ها کرفتن از شراب
فروشان ظاهر کشت باید که ارکلالان مجلکات کرفته

Jaffa
Box 5
282/c

انها را بر کسب های دیگر مامور نمایند

۱۰ امنه سید محمد قلعدار مالک پیرهن حضرت رسالت پناهی
صلی الله علیه وآله وسلم اول در کربلا بود بعد ازان
رفته رفته بحضور که رسید نزدان حشمت مرتبت
فرستاده شد باید که متبرک مذکور را حواله مجاوران
انا رشریف نموده تاکید سازند که ازا همراه آثار مبارک
بدارند

کا شمس الدین بیان و کیفیت کرده و سنادن سید محمد
قلعدار انجا جهت دادن جلکران با نور برای
کامکاری دارالضرب بنن و جواب گفتن شد اله
که نفران مذکور مع زن و بچه آنها ذمه خود دیگر مذظاهر
کشت حسب استدعای ان رفعت نشانان بروانه
بنام قلعدار مذکور داده دادند خانه نفران
مذبور هم در ذمه خود داشتن انها در وقت درخواست
نشدادن نفران مسطور زیب نگارش یافت

الصدر الطاهر

التماس سرکاظم ارث میان جوبنه سرانجام چهل شصته
برزنگی های گرا به مبلغ بیست از اکرفته و بموجب معروضه
سابق خود که ثلث مزدوری دادن به آرنده ضابطه
است باید که قیمت جوبنه مذکور مقرر کرده ثلث قیمت
آن به آرنده بدهند

۷ التماس راجه رام پندر عرضداشت مرسله معه یادداشت
کاوان و حاضری وصول عرابجیان از نظر کذشت
بجاه و چهار راس کاو و نجانه مات اول و دوم
جیش کچهری معه بیلبانان که روانه نموده بود بحضور
رسید

۸ التماس سید محمد فلعدار بنیر و کیفیت مسرف شدن
تمامی اهلکاران و نفر بخشی وغیره مردم از زیارت
آثار شریف و تاکید نمودن سخی دمان آثار مبارک
که سوای یازدهم و دوازدهم ربیع الاول صندوق آثار
معلم واکردن مناسب نیست مکر کسی که مراد مند خواهش و

Delhi

ارزو نماید مفصل ظاهر گشت موافق ضابطه بعمل
ارند یک قصیده حضرت پیران پیر قدس سره
که صحیح است بطور تبرک از خانواده حضرت بنده نواز
رحمة الله علیه که رسیده بود ان نیز در یک نی
نفری ملفوف در رسول است باید که از احواله
خادمان آثار شریف نمایند که باحتیاط بدارند

---

۹ از ین الی بدین مجتبی اتمام فرجیت حصار نوشته
بود ند که سابق کیفیت فوت شدن همایونی شنکر راو
مفصلی فارسی نویس و باموش بودن پسر او
دیو راو اگر حکم عالی صادر خواهد گردید خواهد داشت
سعروض داشته شده بود معلوم شد بجای متوفی
پسرش را بر سر شته مذکور داشته کار سرکار میکرده
باشند زیاده چه

---

۴۴ راجه رام چند بدو قطعه عرضداشت مرسله یکی
متضمن روانه ساختن یکهزار عدد نات تیار سی راس

لمار

کاوه ثانی ترسیل داشتن نمونه شوره بحضور از نظر گذشت
قیمت شوره مذکور بسیار گران می افتد جائیکه بهاری
نزدیک باشد انجا شوره باید بزایند که بگفایت بهار
شود

اضافه شمه الدیجان دیگره نوشته بود مذکره حسب الامر
شتران در پتن داشته وقتیکه منشور صادر خواهد گردید
افوقت برشتران مذکور خوابگاه وقلندری خاص
روانه حضور سازند معلوم شد حال بجاه شتر دیگر
برای برآوردن خزانه از حضور روانه شده است
باید که برشتران مذکور خزینه وبرشتران سابق
خوابگاه وقلندری خاص روانه حضور سازند

سوم غلام حسین خان دارروغه شتر خانه برای عرض
رسانیدن عرضداشت مرسله از نظر گذشت وگفت
بیمار شدن شتران وهم نرسی سبوس بخود وگلهی
ظاهر گشت معالجه شتران از نقید نمانند"

بندوبست سازند و برای سبوس وغیره بدولتخان
کفنه بشتران دهانیده فرسه تازه دارند

۲۹ دیوانیان طفرآباد موافق قاعده سرکار تبتی
طلب مردمان جیش و پیاده ها و کهاتبان وغیره
نوب بنده قسمیکه در حکمنامه شما مرقوم است مطابق
ان روبردی خود زر طلب هریک دست بدست
تقسیم نموده باشند و زر حواله قلعدار نمودن
درکار نیست اگر خواهند کرد انچه سزاوار حکمنامه
مندرج است خواهند یافت

الصاغلام حیدر دارونه توشکخانه عرضداشت
مرسله از نظر گذشت و کیفیت گرفتن تبور در سارا
قلعدار خوشحال نگر ظاهر گشت حسب استدعای
ان رفعت نشان منشور لامع النور در باب
واگذاشت نامبرده و امنده مرکب انجمن امور
ملرود از تاکید اکیده بنام قلعدار مذکور مرقوم و

لواز

ملفوفست

انتهی ابه نام سید ر عرضه داشت رسله از نظر گذ
رکیفیت معروضه ظاهر گشت نوشته بودند
تصدیق یاهای متعلقه ابتاجی درک و نمکور و درک
و بغره نرسیده بنا بران عمال متعلقات باشان
می نویسند بمتصدیان دیوانی فرمایند معلوم شد
حسب معروضه ان رفعت نشان ده تصدیق متعلقه
بونکمور و نمکور و بغره مفصله ذیل مرقوم و ملفوفست
دو تصدیق یکی بابت ابتاجی درک و ثانی بابت متعلقه
مالور و بغره متعارف فرستاده میشود و سوای ان
سابق و رفعتی قلعه چرکل بتصرف شانبهوک و بجاه
پیاده بودند حال شانبهوک مذکور را موقوف نموده
پیاده های مذکور را بموجب تصدیق قدیم بحساب
می نفر بتهون ماهوار مقرره سالیانه دو صد و بجاه
هون تندی بحال داشته شده و در ینباب از خط

بنام عامل تعلقه مسطور پروانه نبیر مرقوم و ملفوفست
واخلاص ان در دفاتر دیوانی ثبت نموده منشور ملفوفه
نزد عامل مزبور بفرستند زیاده چه ثانی الحال تصدیق
ی مذکور و منشور معلی معرفت دیوان کچهری حضور
حواهد رسید

~~بوکنور~~ ~~شکور~~ ~~کنکری~~ ~~برنا پور~~ ~~گدی~~ ~~ولدا~~
~~بالاتور خورد~~ ~~دنکنی کوت~~ ~~رنکری~~ ~~وغره~~ ~~کنکوی~~ ~~سه~~

غره ایزدی سبه کاظم دار دفه مسقط سید فضل علی معه
رفیق او بمسقط میرسند باید که برجهاز روانکی بصره
باجده سوار کنانیده به بیت الله روانه سازند

۳ مه ماه را مچندر عرضداشت رسله متضمن فرستادن
مبلغ دولک و یکصد راضی نامه وار به پتن و ماشت
هزار راضی فراهم شده است نیمه بهرتی کرده باز به پتن
روانه کرده آید از نظر گذشت روانه نمودن مبلغ مذکور به
پتن خوب شد نیمه هم زود بهرتی مبلغ صدر نموده بفرستند

دیوان

و در نیوقت بر ملک باقی داشتن مناسب نیست
باید که بسرعت سریعه و تعجیل تمامتر تحصیل زر بکار برند

ایضاً بدر الزمان خان بهادر خطاب او راستی و هوکر
بصحابت دو شتر سوار که بحضور رسیده بود ملاحظه
فرموده برای دیدن آن عظمت نشان ملفوف و
مرسول است و هر دو شتر سوار را نیز نزد ایشان
روانه نموده شد باید که خطوط مذکور دیده و همراه
شتر سواران زبور روانه انجا شوند و مهر یمنی بنام
ان رفعت نشان از نگین کنده شده رسید حلقه
انگشتر نبود در نهی حلقه انگشتری تیار شده فرستاده
میشود

۴ اپریل ایضاً دو قطعه عرضداشت مرسله نکی معه
بیتی رسیدات و بنده بابت عبد الله در عامل کوالی
و مالی در باب استدعای حکم حضور جهت از سر نو تیار
کردانیدن دوازده عدد تنکه ی از نظر گذشت و

کیفیت سلوک فضه ظاهر گشت اگر مرست ترسری های مذکور
متعذر باشد از سر نو تیار کرده اند

بهمه شمه الدیجان عرضداشت مرسله از نظر
گذشت نوشته بودند که تقطیع یمنی مربع بنام
بدر الزمان خان بهادر کنده کرده فرستاده در یک ولایتی
خورد سر مهر براسک ارسال حضور نمودند معلوم شد
مهر مذکور بحضور رسید

میر فتح علی بالا بور خورد شرافت دعوالی پناه
عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کیفیت رسیدن
اسپان بهرامی بهادر حسین جماعدار از حضور
در اینجا و روانه ساختن سایبان ذرسان مذکور
بحضور و دیگر سایبان نو داشتن برای اسپان
مذکور و اسندعای حکم تصدیق جماعدار مزبور و
سایبان مسطور بابت کنو ملازم ظاهر گشت حسب
اسندعای ان شرافت پناه تصدیق متعاقب فرستاده

بمن

Dullo

میشود

۶ غلامحسین خان اوان شور شکلوه و کیفیت دزدی

نمودن بفده اطل بجرس کاریگران قوب بساز
و بجرس مذکور ایشان از انها گرفته داخل سرکار نمودند
ظاهر گشت بوزن یکفلوس و دفلوس نبود که کسی بنهان
کرده ببرد ایقدر دزدی نمودن تعجب چه قسم مدوشت
چوکی و بهره است که از بهره ایقدر بجرس کاریگران
از کارخانه سنخانه خود با برند باید که تفتیش و تاکید سازند
که وقت آمدن و رفتن کاریگران بکارخانه گرفته بیرون
میگذاشته باشند نوشته بودند که مردمان اسد اللهی
ما باگر قشب باشی حسب الحکم آمد و رفت میدارند و حال
انها برای رفتن بیرون از اگر نفاصله چهار بجکروه
میگویند معلوم شد بیرون از اگر باید گذاشت
نوشته بودند که چرخ نیادیق کارخانه تیار کردن
معلوم شد باید که در خرج مذکور نیادیق تیار میکنانیم

باشند

۶ غلام محی الدین طاهر را شرح و سرشته مردم عسکر
هم پیش ازین روانه شد موافق ان بهرتی مردم جمع کنیں
و عسکر باید کرد و از برادران خود شخصی که با هوش
باشد برا ینکار مامور باید نمود که بکار و خدمات
رسالداری وغیره سرفراز فرموده خواهد شد

الیضا راجه رام چند نوشته بودند که از متعلقات
کوله های اتواب تیار شده میرسند برای چسپاندن
ان تیل کنجد ضرور معلوم شد باید که تیل کنجد بکوله های
انهی چسپانیده باشند

الیضا سید احمد صاحب آرزوی استفاده خدمت
زیاده از خدمت و دل بی اختیاری خواهد در صورت
مرضی شریف اظهار رود که برای دادن سواری
دولی وغیره معامل نباکده تاکید قلمی خواهد کرد

الیضا شمس الدین خان دو قطعه عرضداشت رسله از نظر

گذرد

گذشت وکیفیت ارسال نمودن مهر کچهری عسکر و
رسیدن هیچ قطعه خاص از حضور و تیار داشتن
کهندوتی های زر موجب بنی حضور ظاهر گشت باید
که کهندوتی های مذکور در مرکوبها انداخته تیار دارند
امروز که ششم ماه ابزدی است شتران بصحبت
شیخ ابراهیم چوبدار روانه شده آنجا خواهند رسید و
در مهر مذکور استه کنده بود لهذا دانیس مرسول
است بران بسته کنده کنانیده ارسال دارند

---

۸ منه زین العابدین بخشی اشتام قریب حصار انجه
کیفیت بیکانیوشته بودند مفصل ظاهر گشت از
نابرده ده هزار روپیه بگیرند و متعلقان اورا طلبیده
باحتیاط در قرح باب حصار بدارند و اورا بزنجیر ساخته
مقید نگاهدارند و بدون حکم حضور نگذارند حسب معروضه
بخشی در داده گرفته فرستادن ابراو نوشته دار
کچهری رتنگیری پروانه تاکید بنام قلعدار بالا نور خود

مرقوم و مرسول شد

از منشی سید محی الدین تعلقدار بسکونه عرضداشت
مرسله محتوی استدعای یکقطعه راهداری جهت
روانه ساختن والدمکان برادرزاده خود از بنن
متعلقه خوشحال پور از نظر گذشت حسب الرخواست
شما یک قطعه راهداری مرقوم و ملفوف زیاده

از حافظ محمد جان قلعدار کشنگری عرضداشت مرسله از
نظر گذشت چند جوان حشم و پیاده ها تعین عامل
پرمالور و کشکری باید کرد و تاکید باید نمود قسمیکه
باید بندوبست در دان نموده تنبه واقعی نمایند
مسلسل سازند و شما هم به تنبه دزدان کماحقه باید
پرداخت

الضا از محمد جان خان قلعدار منطراباد از منجمله کماشتگان
متعینه شما اهک تیار کنانیده و از تعلقات هم
طلبیده زود زود کامکاری قلعه کرداند

الضا از بیکانیر

[illegible] کوتهی دار انگریز کدر انجا آمده است
بنامی ماجران وغیره مردم انجا تاکید موکد باید کرد که کسی از زر
کوتهی دار زیور جنس وغیره خرید ننماید و خود هم خواه از
قسم جنس خواه از قسم غله وغیره باد هیچ نفروشند تا بر
تا چند خواهد ماند اخر الامر مایوس خرید و فروخت شده
خواهد رفت

ایضا زین العابدین بخشی اتشام فرجاب حصار بیاده تای
سرتی که از حضور فراری شده رفته امد سراغ آن نهرسانیده

مقید نمایند

ایضا محی الدین علی ان انچه از روانه ساختن شتر خانه با
بدرقه مست و بخفر فرموده از راه بکلور و فرجاب حصار
نوشته بودند معلوم و بجا شد حسب معروضه خود برای
تیاری کامکاری کنند میر صاحب شهید و مسجد ستراولی
موده تیار کردانند

ایضا کریم صاحب عرضداشت مرسله معروضه مذر فتح جنبه

مفهوم از نظر گذشت آنچه از آراده رسیدن حضور و حصول
صحت خود نوشته بودند معلوم و موجب سرور خاطر شد
ان شاء الله تعالی عنقریب سواری خاص رونق افزای
انجا میشود ملاقات بعمل خواهد آمد

Fin Letter 243
Zu Nr. 580

امنه محمد درویش وجره کیفیت رسیدن خود سلیم
و از انجا فردا پشتر روانه خواهند شد و در انت کبری
رسیده بنام موسی کشتی خط نوشته و جواب طلب
داشته پشتر روانگی بعمل خواهد آمد ظاهر گشت آنچه
از رسیدن نیکت راونامی جهت خریدی جنس
سلیم معه دستک راهداری موسی کشتی و مزاحمت
نمودن قلعدار انت کبری بمردمان آمد و رفت انجا
و درخواست نمودن نیکت راونا کید حضور بنام قلعدار
مسطور بنا بر عدم مزاحمت مردمان مزبور نوشته بودند
معلوم شد حسب معروضه بروانه تاکید بنام قلعدار مذکور
مرقوم و ملفوف شد

الاعلام کن

۱۱ امیر غلام حسین خان داروغه آرماد عرضداشت مرسله
متضمن استدعای تاکید پروانه بنام داروغه کزوار
وندری و هنا در جهت دادن سرانجام جوینه و رنگ
و غیره ظاهر گشت انچه سرانجام مطلوب است از محمود علیخان
گرفته تیاری بهمرسانده باشند و برای درمانه
خود که نوشته بودند معلوم شد بداروغه کوریال بسپارند
که او درماهه شما معه مردمان متعینه خواهد فرستاد

۱۲ میر سیف الله کیفیت خانه جلی آدم خان و در
بهره داشتن او را اظهار گشت در بهره که داشته اند
بهتر شده باید که شما معه جمعیت خود بقبض حصار آمده
از انجا به ثمرتین رسیده و از انجا از راه سوندوره
کمک گیری بیابند که لشکر فیروزی در انجا رونق
افزاست

۱۳ زین العابدین بخشی احتام فرجاب حصار دو قطعه
عرضداشت مرسله از نظر گذشت و کیفیت زیاده گرفتن

قلعدار معزول خطمی باتفاق عامل محصل فی کهندی غله را
از پیاده ها و تنبه ساختن متصدیان احشام ظاهر گشت
باید که قلعدار و عامل را طلبداشته و زر کنرات غله
و خورد برد از رجوع و مقابله انچه بذمه قلعدار ثابت شود
همانقدر زر از عامل مزبور هم از شهه قمار یا به کاری
زر وصول ساز ند انچه از فرستادن بتکابه سرا
و طلبیدن رسید از عامل انجا نوشته بودند معلوم
شد باید که نامبرده را از انجا طلبداشته موافق
حکم سابق ده هزار روپیه از و بوصول آرند

۱۶ اعلام حیدر داروغه پوشکی نیز از روی عرضداشت
میر حیدر و سایر داروغه عمارت کچهری ظاهر شد
که متصدی عمارت کچهری یکصد و سیزده تومان در
چوبینه سرقت کرده بود داروغه های مزبور از روی
مواجهه و مقابله زر مذکور بر وی ثابت نموده بشما اطلاع
دادن باید که زر مسطور از متصدی بوصول آرند و بهمانقدر

آمده از انجا بگیرش بالکیه ده از راه سوء در بهمگی داشتن ادرهان با وجه عامل کهندی بود و نوشته بود که معلوم
شد که نوشته ها بدرگاه فرستاده اند که آن سرانجام یابد موافق نوشته ها

قلعدار معزول خطمی با تفاق عامل محصل فی کهندی غله را
از پیاده ها و تنبه ساختن متصدیان احشام ظاهر گشت
باید که قلعدار و عامل را طلبیده و زر کنرات غله
و خورد برد از رجوع و مقابله انچه بذمه قلعدار ثابت شود
همانقدر زر از عامل مزبور هم از شهه قبا زیانه کاری
زر وصول ساز انچه از فرستادن بتکابه سرا
و طلبیدن رسید از عامل انجا نوشته بودند معلوم
شد باید که نامبرده را از انجا طلبیده موافق
حکم سابق ده هزار روپیه از و بوصول آرند

۱۶ غلام حیدر داروغه توشکی نیز از روی عرضداشت
میر حیدر و سایر داروغه عمارت کچهری ظاهر شد
که متصدی عمارت کچهری نکصد و سیزده هون در
چوبینه سرقت کرده بود داروغه های مزبور از روی
مواجهه و مقابله زر مذکور بر و ثابت نموده بنشما اطلاع
دادن باید که زر مسطور از متصدی بوصول آرند و بمقدار

آمده از انجا بخیر مش هلسیده و از راه سوء و ریه بنکاری

قلعدار معزول خطمی بالحاق عامل محصل فی کهندی غله را
از پیاده ها و تنبه ساختن متصدیان احشام ظاهر گشت
باید که قلعدار و عامل را طلبیده و زر کنرات غله
و خورد برد از رجوع و مقابله انچه بذمه قلعدار ثابت شود
همانقدر زر از عامل مزبور هم از شهه و غازیانه گاری
زر وصول ساز ند انچه از فرستادن بتکابه سرا
و طلبیدن رسید از عامل انجا نوشته بودند معلوم
شد باید که نامبرده را از انجا طلبیده موافق
حکم سابق ده هزار روپیه از و بوصول آرند

۱۶ غلام حیدر داروغه توشکی به ازروی عرضداشت
بر حیدر و صاحبدار داروغه عمارت کچهری ظاهر شد
که متصدی عمارت کچهری یکصد و سیزده هون در
چوبینه سرقت کرده بود داروغه های مزبور ازروی
مواجهه و مقابله زر مذکور بر و ثابت نموده بشما اطلاع
دادن باید زر مسطور از متصدی بوصول آرند و بقدر

آمده از انجا بگیرش بالفعل اردم خان مامور شده بود مبلغ مسطور بوصول آرند و بقدر

زر که از داروغه ها درخواست نمایند موقوف سازند چراکه
سرقت نکرده اند تفاضا نباید کرد

۱۷ راجه رام بندر حکمنامه بابت تعلقه خاکمان هلی و انباجر در
و ماکری درک هر سه حکمنامه بهر دو سنخط نرین شده و سه
قطعه منشور بنام هریک عامل بهر مرقوم و ملفوف بر اسکدار
مرسل ست باید که بعد رسیدن حکمنامه ها داخله این
در دفاتر کچهری نویسنده برواله های ملفوفه حکمنامه
بهریک تعلقه روانه سازند

۲ شهامت و معالی مرتبت دالت و عوالی منزلت
قطب الملک محمد قطب الدین بهادر شرف صدور می
یابد در قبولا مقهوران باعث تنبه بافتن پی در پی که تا
لب کشا گردیده اخر الامر لاچار شده بسیار بعجز و الحاح
بدست و پا افتاده فیصله معاملت کنانیدند و موافق
مرضی سرکار اسد اللهی مصالحت بمیان آمد بنابران
ادهوئی گذاشتن خواهد افتاد و بشما عوض آن دیگر

ملک مرحمت خواهد شد بنابران زیب نگارش می یابد که
از ملک بتعجیل تمام زر بوصول آرند و دو سه موضع
در دولت محاصره کرده قریب هفت هزار مردم
فراهم آورده کیفیتش معروض نمایند که مردمان برای
اسد اللهیان درکار است و دیگر فوج هم منتخب نزد
شما روانه فرموده میشود دران نواح انچه فوج الطاف
واشرار خواهد بود تنبیه واقعی نموده برابر سازند
ایضاً حضرت بود هن شاه صاحب و کلیم الله شاه صاحب
و حضرت سعید احمد صاحب و نبی شاه صاحب بیک مضمون
بفضل الهی و تائید جناب رسالت پناهی کمر همت بر
اهل اسلام ست تنبیه جماعه مفهور چنانچه باید و شاید
نوعی بظهور در آمد که از بدو شعور جماعه مذبور کاهی
بامید نشده باشد حتی خوف و ترس سر خیلی
بهادران اسلام بدلهای مقاهیر انقدر جاگرفته بود
که روزی ز نهای لشکر نابکار با همدیگر قصه کرده شور

غوغا میکردند جماعه مزبور بمجرد شنیدن دانستند که فوج
سرکار بتنبیه خود ها بلا تحاشی رسیدند بی اختیار راه
فرار پیش گرفتند و سوای آن روزی دو صد سوار را
باسی پانداز بر لشکر مقهور فرستاده بودیم باندازان
رفته بان اندازی نمودند جماعه مقهور متصور شبخون فوج
فیروزی تاب استقامت نیاورده ناهنجت کرده
فراری گردیدند اخر الامر بحول و قوت الهی و باعانت
دین متین محمدی و بیامن دعای بزرگان پی در پی
تنبیه و تادیب واقعی بعمل آورده تا لب کشنار رسانیده
شد من بعد جماعه مذکور بکمال عجز و الحاح حسب مرضی
حضور خواهان صلح شدند نظر برفاه و امنیت خلایق
مصالحت نموده شد الحال آرا تنبیه و استیصال
کسانیکه مانع بانک و صلوة و مشرک سخت اند مصمم و متوجه
خاطر بقلع و قمع انها مصروف است در صورت انحصار
بجهت فتح و نصرت غازیان اسلام و اهدام کفار فجار

Bello

متوجه دعا باشند که دین محمدی رونق پذیرد

ایضا غلام حسین مشور بکلور حسب الحکم حضور در کارخانه
خرج بنادیق که تیار شده است مطابق حکمنامه هر روز
بنادیق تیار میشوند یا نه کیفیتش معروض دارند بنادیق
دوملی بابت خاصه چه قدر تیار شده اند انهم معروض
سازند

ایضا شمس الدین وغیره در مجره وندان فیل و برای
دادن دارالضرب انچه نزد شما داده شده است
مع آن مفصلا ذیل زر بحضور روانه سازند

[illegible] کاس سامار

[illegible] سلطانی
هونهای حیدری و اکبری

[illegible]

روپیه سورتی بموجب رسله
جمع و خرچ ماه طلوعی بابت نقابای
عیوض دادن دارالضرب بنگاله
[illegible] روپیه

انرا مقرره شتران صد و هشت نفر [illegible] انرفیه
یک شتر

۶۴۰

کاس سالاری و هونهای حیدری و اکبری و سلاحدار
فراکونی مفصله ذیل شتر
زر صدر موافق می رسد شما طلب داشته شده آ
سوای این تا رسیدن منشور انچه جمع شده باشد
ازانهم بهمن چهار ماه صدر داخل کرده روانه حضور
حضور سازند سوای ان سابق پروانه برای طلبدن
خزانه جهت خرچ فوج فیروزی مرقومه شده است منجمله
آن روپیه های هیلجری هفتاد و چهار هزار و هفصد و
هفت و نیم روپیه و بابت دارالضرب یک لک روپیه
موقوف کرده همانی باید داشت باقی زر مفصله
ذیل در کونی انداخته و مهر نموده تیار دارند و
شتران از حضور روانه شده اند بمجرد رسیدنش مجه
بدرقه وغیره ارسال حضور نمایند راحب دیر راحت
یک لک هون
روپیه هیلجری
زری مفصله ذیل شتر
ے لک
فراکونیا مقرره

Gullo

Legend

افسر ـــــ جمعدار ـــــ ورکر

مبلغ ماهوار
مصبه
یکصد

موجب حاصل
مصبه
یکصد

جمله بهل و چهار شتر و برای کراهی و غیره یک شتر و کول
سه شتر جمله بهل و هشت شتر سابق به پیر محمد چوبدار
تاکید فرموده شده بود که خزانه گرفته از راه اندرون
ملک سرکار بحضور رسند حال معهوران باعث تنبیه
یافتن پی در پی تالب کشتاکر نجنه بلتی مصالحت شده
دست و یاقاوند موافق مرضی سرکار اسد اللهی صلح
بمیان آمد لهذا انها سپرده تاکید کشت که از راه سرابغم
باب حصار رسیده و از انجا بحضور برسند

ام تربیت علیخان و میر علی و کفیت دزدان نوکنور
و طلب داشتن پتاردی معه رعایای اشترار امعه
زن و بچه خود که از نواح ارکات که تا حال در سرکار
رجوع نشده اند و خواستن قول حضور که بشرح و بسط

اورند

نوشته بود مظاهر گشت مدعای قول های اینها دریافته
معروض دارند که موافق آن نوشته فرستاده خواهد شد
دشمنها هم حسب درخواست اینها قول با نوشته فرستاده
همگی اشرار را بطلبند و فراهم آرند بیشتر انچه مصلحت وقت
خواهد بود بعمل خواهد آمد بحول و قوه الهی مرانه ها را تعاقب
کنان و سرخک رسان تا لب کشنا نموده شد از الامر
اینها بکمال عجز و الحاح ملتجی مصالحت شدند حسب الخواه
سرکار صلح بعمل آمد عنقریب بدار السلطنته جلوه
افروز میشویم

۲۲ محی الدین علیخان حسب الحکم باقی نانده رنجیر
فیل بابت چرائی تبل که روانه حضور نموده بودند رسیده
بلاحظه گذشت دیگر تجیر فیل کجراج نامی باعث مستی
همانجا داشته بودند لهذا از آنجا نگارش می یابد
که ان فیل به منگلور یا به پتن روانه نموده عدم کفیش معروض
دارند

ایضاً محمد غوث و بدیع الزمان خان سابق از ظفرآباد
هفده زنجیر فیل بحضور طلبداشته شده بود منجمله
ان شانزده زنجیر بحضور رسیدند و یک فیل
کجراج نامی باعث مستی همانجا داشته بودند باز
فیل مذکور از انجا رسیده باشد در کدام کارخانه
داخل است کیفیتش معروض دارند

۴۳ منه منوعلیخان بخشی احتشام بحضور ظاهر شد
که مجی الدین علیخان و غلام عظیم برای تحصیل زر و
دریافت حساب متعلقات میروند و شما جهت
دادن سوار و پیاده ها تکرار مینمودند لهذا از بی نگاهی
می باید که پنجاه سوار و دویست پیاده همراه انها
بدهند

ایضاً سید محمد خان دیوان فوج باب حصار سرشیا
وجیون راو و سیورا و هر سه سررشته دار معه کماشته
که معه حساب در بنجار رسیده بودند انها را موافق یاد

قلم دیگر که حال تقرر یافته است حساب جهاز تعلقه از دست انها
توپ نبده باز نزد شما فرستاده شده است و آن
رفعت نشان هم از حساب مذکور خوب واقف اند باید که
مطابق آن حساب همه تعلقات توپ نبده تیار دارند
عنقریب همینکه طلب حضور فرموده میشود معه حساب حاضر
شوند

ایضا دیوان وحشی آقا م فرح باب حضور سواران
بهرتی که آن رفعت نشان روانه نموده بودند مثل انها
بملاحظه خاص رسیده باز نزد شما فرستاده شد زر
ساعده که بانها داده اند موافق آن بهرتی کنانیده
بعده موافق ضابطه سرکار ساعده دهانیده بهرتی بجا
کنانیده باشند

ایضا حافظ محمد جان شیخ حسن رسالدار را معه جوانان متعلقه
آن بمجرد ورود این پروانه روانه حضور نمایند و متعلقان
رسالدار مذکور و جوانان در پیشه کشکری باحتیاط دارند

مکرر برای روانه نمودن رسالدار مذکور معه جوانان
زیب نگارش یافته است تا حال روانه ننمودن موجب
تعجب باید که زود روانه حضور سازند

ایضاً علام عظمر انچه از روانه ساختن مست و بهزار
چکره و تنها نهای میری و غیره به متن نوشته بودند معلوم
و بجا شد باز هم حسب معروضه خود محصلی تحصیل زر
نموده بوصول درآورده روانه متن نمایند محی الدین علیخان
در عرضی هندی از هنگامه آرای دزدان و افتاد
چشمه تحصیل بارها معروض میدارند اگر فرضاً هنگامه
دزدان خواهد بود در ۲ مواضع و چشمه تحصیل مسدود
نشدن چه امکان دارد موجب اقسام تحیر و تعجب
معلوم میشود که خانمذکور در چه حالت ما یقسم معروض
میدارند باید که شما و اورشان بموجب نوشتجات
سابق بالهای هندیکر عرضی می نوشته باشند و در هماده
تقید موفوره بکار برند

ایضاً کاغذ

Full

VII

1 Aff. 25

الیصا حافظ محمد خان رعایای اکرم وغیره که برای مخلصی
خود ها بشتصد روپیه بطریق نذرانه بسرکار میدهند و
نهایت پیروضعیف شده اند که نوشته بودند معلوم شد
کفایت بشتصد روپیه سرکار ملحوظ شده شما را نذرانه
چه میدهند معلوم نشد

۲۶ محمد درویش وغیره عرضداشت مرسله موقل
خط موسی کسنی متضمن برانیکه رامراو پیشکش راو
نزد اوشان میرسد یقینکه مطابق اظهار نامبرده بعمل
خواهند آورد از نظر گذشت باید که بعد رسیدن راو
مذکور موافق سابق کفته اش روانه پیشخدمی شوند

الیصا غلام محمد داروغه توشکخانه فرجیاب حصار عرضداشت
مرسله متضمن رسیدن خود بهرین اهلی معه چهل و سه نفر
شتر خربنه و هفت شتر کوتل و سر و سامان جنس وغیره
از نظر گذشت باید که از انجا کوچ نموده بحضور اقدس

Dakko

۲۷ شمس الدین وغیره آنچه از رسیدن شیخ ابراهیم
جوبدار معه دو جوال خزانه و لسنه های پارچه وغیره
نوشته بودند معلوم شد برای روانه نمودن خزانه
بتفصیل نامه بحضور بتاریخ بستم ماه حال و سوای
آن برای روانه نمودن بال ها وغیره بسرانجام به بنگلور
زیب ارقام یافته بود تا حال سرانجام مذکور به
بنگلور چرا نفرستاده اند باید که زود سرانجام مذبور
به بنگلور و خزینه مطابق مرقومه سابق بحضور روانه
سازند

ایضاً حسن رضا فرستادن سه هزار راحتی بابت
قسط دویم هولد اور درک و یکهزار راحتی منجمله تعلقه
ماکری و مرادی بملک فلوس و کاس نوشتار بابت
دارالضرب هونوری درک بتوشکی نه بنگلور رسیده و متحسن
شد باز هم زر تعلقه متعلقه خود بوصول آورده همیناً
عاید توشکی نه مذکور سازند حسب معروضه شما تاکید

Bulk

بنام قلعدار مرقوم و ملفوف باز نزده نفرسیاه
که در کارخانه متعین اند در اطاعت شما خواهند ماند

ایضا محمد رضا بخشی احشام بکرظ هر حضور شد که بر قلعدار
معزول نکولی مبلغ چهارصد و چهل هون بهادری
واجب الطلب سرکار بود نامبرده منجمله زر مذکور
یکصد و چهل هون بهادری عابد توشکخانه نموده مابقی
را وعده وعید کرده زن و بچه های خود در قلعه مذکور
گذاشته برای سبیل زر باطراف و جوانب اخبار راهی
شد الحال بعرض رسید که روپوش گردیده و شما
در نیاده تغافل و اهمال دارند لهذا انقلم میرود که بمجرد
ورود این پروانه نامبرده را بگیر درآورده سبیل زر
سرکار نمایند والا زر مذکور ذمه خود دانند

ایضا محمد باقر حسب معروضه شما پروانه بنام
محمد رضا بخشی احشام نگر در ماده بگیر درآوردن قلعدار
معزول نکولی و سبیل زر سرکار نمودن از و مرقوم و

ملفوفست

ایضاً شمس الدین جان دیوره سابق حکمنامه در ماده خرید
جنس بابت شهر کنجام بشما نوشته داده شده است
مضمون که انچه جنس تیار شده می آید قیمتش مقرر
ساخته نصف آن در ساعده محسوب کرده نیمه نصف
نقد میداده باشند تفنگه بهمین عنوان بعمل آورده باشند
تا حال چه قدر جنس تیار شده آمده است و در ساعده
چه قدر وضع گردیده از داروغه و متصدیان توشکخانه
جنس مقابله نموده معروضه ارند و عرضی بیتهی شهر
کنجام که بحضور رسیده بود ملفوفست

۲۸ منشه بنام میر فتح علی تعلقدار بالا بورخورد در ماده
دادن سیهی و ورک و صه بالا بور برای آبادی
بهمه کردون شکوه و ندادن رعایا

۲۹ رضامند عرضداشت مرسله معه یادداشت کاوان
رسیده از نظر گذشت روانه نمودن کاوان رسید

345

دیگره بلشکر فیروزی همراه بست نفر پیاده خوب شد
پیاده هائی همرای رسد ناهس مژده رساننده نزد
شما بیایند از انجا پیاده های دیگر همراه خواهند آمد
نوشته بودند که در حکم مه ایشان بنجاه پیاده
کرفتن از عامل مرقوم است و در برواته موسوم عامل
حکم دادن بست پیاده است معلوم شد در هر دفعه
برای همراه دادن رسد بست نفر پیاده حکم فرموده
شده است اکر یکدفعه بنجاه پیاده از عامل درخواست
خواهند نمود از کجا خواهد داد مست بست پیاده می
کرفته باشند

سلخ مه شمس الدین ان دیگره از فاضلان انجا تحقیق
سازنا... روضة الصفا و معارج النبوة در تا...
تاریخ ولادت باسعادت جناب حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله وسلم بچند سال بعوث شد و از بعثت
تا هجرت چند سال فاصله دارد و سبب هجرت چیست

Bundle

چه طور مرقوم است بجنس عبارت کتاب مذکور که در ممدده

پریافته است نوشته بفرستند

بنا سید محمد خان دیوان فرجاب حصار عرضداشت

فرستاده متضمن ارناکار کی قاضی انجا شیخ علی که

خوانده محض واز علم معرا است وشیخ محی الدین نامی

مرد متوکل و باخبر از علم فقه اگر بقضاءت سرفراز

شود اهل اسلام فریب خواهند یافت از نظر گذشت

بهتر است حسب معروضه خود شیخ محی الدین مذکور را

بقضاءت انجا مقرر نمایند نوشته بودند که جمیع مردم

اسد اللهی واحدی تخمیناً یکهزار و پانصد هون در ماهه

که سالیانه هجده هزار هون برای خریدی رات وغیره

میشود معلوم شد بجای هجده هزار اگر بیست هزار هون

بخرچ مردمان مذکور درآید مضایقه ندارد

غره بیاضی محی الدین علی ان حاصل میکاور انچه از برآمدن

سنگ اهک نوشته بودند معلوم شد سنگ اهک بسیار

برآمد

برآمدن بنی عملدار انجا سنگ زغال برآورده بود او
کرنجنه رفته است خاصیت سنگ زغال امنیت وقتیکه
باد میکند روشن میشود همینکه باد کردن موقوف میکنند
باز سنگ میگردد باید که سراغ سنگ مذکور گرفته هم
رسانیده قدری ازان بنابر نمونه بحضور ارسال دارند
داشتن دو مرد آدمی برای کامگاری انجا خوب شد
اسم نویسی انها نوشته نفرستند تصدق انها مرحمت
خواهد گردید برای داشتن دیگر ده یا نزده نفر آدمی بنابر
دفع هنگامه ارای تنکخواهان وغیره ضرورت نوشته
بودند معلوم شد داشتن انها ضرورتیست حالا فوج
سنگین بانضلع روانه میشود همه تنکخواهان و مابه فسادان
را قتل و اسیر کرده داخل اسدالهیان نموده میشود باید دا
تقسیم مردمان تعلقه احشام که بحضور فرستاده بودند

رسید

انچه اصغر علی داروغه دارالضرب بظفرآباد انچه از عدم تهیه

سر انجام دار الضرب باعث دیوانی و بامکان آن
سر انجام در سکلور نوشته بودند معلوم شد ایشان
از تعریف و حکایت چه در کار باید که با اهلکاران انجا
بگویند انها سر انجام دار الضرب مهیا کرده خواهند داد
و برای تصدیق خود که نوشته بودند معلوم شد از حالیکه
ایشان آمده اند تصدیق هم از انجا خواهد آمد

۲ منه سید محمد قلعدار متن در بنولا مال مکند اس را
همراه عثمان خان سرجیل رساله شیخ عنصر معه جوانان
یک بزک و لنگاهر کاره برادری دنکتا نزد آن
شوکت مرتبت روانه نموده شد باید که او را
بزک در خانه اش داشته زر زمه او مفصل دلیل
بهر نحویکه دانند و توانند از تقدد تمامتر در عرصه
پانزده روز بمعرض وصول آورده معروض دارند
اگر توقف خواهد کرد از شما پرسیده خواهد شد فقط
واسعی سال دلوستا ہجری

دلکر

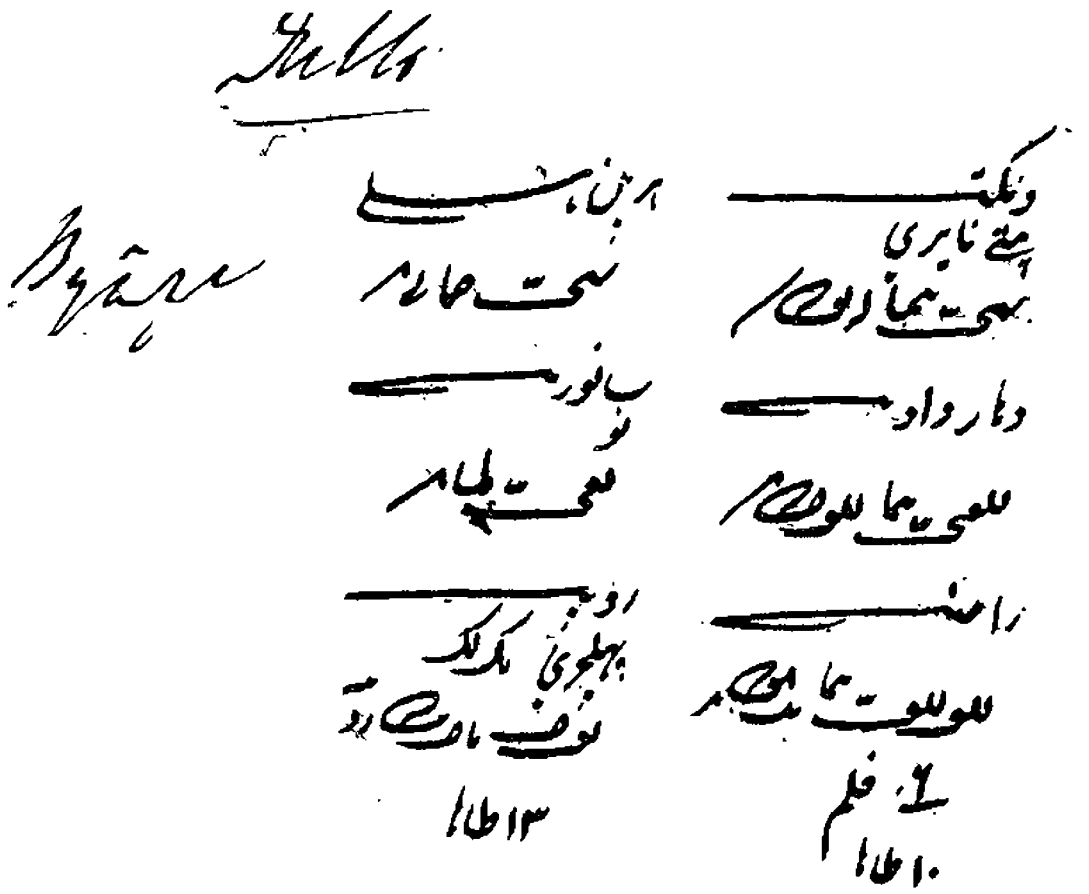

که تمامی دزدان رامعه زن و بچه انها در انجا طلبیده

یادداشت مفصلی انها بحضور بفرستند و بعد رسیدن

این نوعی که حکم صادر شود موافق ان کار بند شوند

---

۵ راجه رام چندر متضمن انصرام شادی برادر زاده

شما معه بست و یکهون سلطانی نذر از نظر گذشت

و موجب سرور خاطر گشت انچه کیفیت شادی و تقسیم

پارچه و غیره تعلقدار و سرشته داران و غیره بشرح و بسط

معروض نموده بودند معلوم و مستحسن شد

ایضاً شمس الدین خان و غیره عرضداشت مرسله معه

یادداشت خزینه از نظر گذشت و کیفیت رسیدن

بسته های پارچه و غیره جنس همراه شیخ ابراهیم چوبدار

مفصل ظاهر گشت فرستادن خزینه تاریخ بست و ششم

ماه ایزدی همراه چوبدار مذکور و جوانان جنس و غیره بحضور

خوب شد برای فرستادن سرانجام فراشخانه خیمه

و بال ها بهنگلور حکم فرموده شده بود باید که سرانجام مذکور

Bello

زود روانه ساخته معروض دارند

ایضا ارشد بیگان بحضور ظاهر شد که ذرت و کارز

سیدی آمام یک جهار آمده است باید که آدمان نزد

نامبرده فرستاده و جهاز مذکور را طلبیده اگر جهاز

شکسته باشد درست کنانیده و دران چه جنس است

فرود آورده و یادداشت آن لدی الوصول حضور نمایند

و جهاز مذکور از کیفیت کیفیتش معروض دارند باز قسمیکه

حکم خواهد شد بجا آرند

ایضا محمد شفیع داروغه توپخانه عرضداشت مرسله معه

که نوشته نرسیا برادر بهروا اس از نظر گذشت

انجا ماندن چه کار باید که بمنازل طولانی بحضور برسند

و محمد اشرف عرضداشت مرسله معه یادداشت ملفوفه

بابت زر از نظر گذشت فرستادن مبلغ یک لک و

پنجهزار روپیه و نامه سی هزار راجی بحضور بجاو مستحسن

شد بیست هزار هون که برای خرج شده بندی دانشه

شده است نوشته بودند باید که انهم روانه حضور سازند

وسابق که برای داشتن ان زیب ارقام یافت

آنوقت کار علوده بود حال داشتن جنس زردانی

ضرورنیست معروض نموده بودند که تهانان بیری

بابل وغیره بموجب حکم به تیارست برای روانه نمودن

ان راهداری مرحمت کرده معلوم شد لاکن بارچندگاه

است وچند آدم همراه میروند معروض دارند تا مطابق

آن راهداری فرستاده شود وعرائضی که بخط فارسی

خواهد خواهد وی ارسال حضور مینمایند باید که تاریخ

معروض در عرائض می نوشته باشند

و دیوان طفرآثار گفت وصول نمودن سبلغ مبلغ و

شش هزار روپیه از دنکیش دوی ظاهر گشت

هر قدر زر بموجب یادداشت فرستاده حضور

که بندنامبرده است درعرصه یکماه بوصول آرند والا

باز خواست ازایشان خواهند شد

۱۰ لکی کاری

۱۰ شمس الدین جان وغیره دو قطعه عرضداشت مرسله
از نظر گذشت مهر کجهری جنس که ارسال حضور نموده بودند
موصول گردید انچه از رسانیدن پارچه وزر نقد بموجب
حکم حضور قلمی گردید از انجا جهته مردمان علاقه کالونیدت
نوشته بودند معلوم و بجا شد هیچ بدک های سبزی
بابت جواهر که از سر نو تیار کرده و مرمت طلب بودند
درست کنانیده معه تبی آن ارسال نموده بودند رسید
چنانچه دو بدک بابت مرمت طلب در حضور داشته
سه بدک نو تیار را واپس فرستاده شد چرا که بسیار
نازک و باریک تیار کرده بودند باید که از انگشته و
پائین ان موافق قاعده سرکار نگرداننده از سر نو
مضبوط و خوب تیار کنانیده ارسال حضور نمایند

ایضا مر معین الدین جان خط مرسله تفحص واری
شدن مردمان سرکیه وارادی وار قول آمدن
جهاد و بانصد مردمان باکواری و نهانه داشتن در

مکانات مذکور و مردمان مشهور تا ماکواری جمله کهی
رسیدند و بوصول نموده بر کیفیت مذبحه اطلاع
داد متفرق سواران مشهور که انطرف می آیند
نوشته بودند ایشان هم سواران فرستاده تتبع
واقعی نمایند و کیفیت کذلک که مرقوم بود معلوم
شد باید که در قربانات تهانها داشته و قول قرار
برعایا و غیره بدهند پروانه بنام قلعدار کرکور مرقوم و
ملفوف است

۱۱ امیر معین الدیجان یکضرب ثوب همیده رطلی بجهت
موسر انجام لوازمه آن برای جنگ میدان فرستاده
شد باید که انرا در قشون سید حمید داشته برای
دادن دانه و کاه لکاوان آن بشارانه تاکید نماید
و ثوب نه رطلی که همراه آنهربان است و البش بحضور
بفرستند

الف ۱۲ امیر معین الدیجان برآوردن کلیدهای خزانه از جره

۱۰ الف

Rolls 350

جواهرخانه وباز مهر نمودن بر کلیدهای مزبور و برآوردن
یک لکهون حیدری و فرستادن ان بحضور همراه جوانان
حبش و کلران وغیره خوب شد

۱۴ امجی الله معلمی ان وغیره عرضداشت رسید معروض
عاملی که مردمان احتشام کچهری زیاد و بجبر گرفتند از نظر
گذشت عاملان تعلقات زبردستان احتشام دادند
بموجب چراکه عمال متعلقه شما ست نوشته بودند که
افراد برآورده کچهری احتشام بابت سواران و تنقیح
برآورد کچهری محالات ملفوف عرضداشت است
بملاحظه خاص رسیده مطابق برآورد احتشام و با
مطابق تنقیح متصدیان محالات زرد بخشی نامزد
معلوم شد قسمیکه در کمتر بسیار مرقوم است مطابق نفس
عمل نمایند انچه از اجماع شدن مفسدان برای منصرف
قلعه امام کنده و نرفتن قلعدار و هم بفرستادن یکی از
منشوران بقلعه مذکور نوشته بودند معلوم شد روانه

بنام قلعدار دربار روانه نمودن یک منشور معه جمعیت
بقلعه مذکور وهم بهرجائیکه کار افتد و دیوان بشما بگوید
بلا تکرار بفرستاده باشند مرقوم در رسول است
نوشته بودند که کچهری محالات اینجا و کچهری احشام
در سه موت که شده بمردمان کچهری مذکور خلاف
حکمنامه و احکام حضور نموده خاطر خواه خود زر از عمال
بگیر میکرند معلوم شد در بار آمدن لطف آباد و یکجا
کچهری نمودن بروانه بنام بخشی انجا زیب نگارش
یافته است خواهد آمد

ایضا میر معین الدین خان اهن در سرکار بسیار است
مطلوب نیست بالفعل آهن را در یک قریه انطرف
رود یکجا جمع کرده وزن ان نوشته معروض دارند
که کاوان فرستاده به ثمر متن روانه فرموده خواهد
شد در همه قریات و مواضع تهانه داشته و در
کل هیجات انطرف رود هم پیاده ها تورغ ماجه قدر

تمغ

جمع شده امد هر کاره ما را بطور مخفی که کسی معلوم نشود
فرستاده خبر تعداد اینها طلبید کیفیش معروضداشتند

ایضا محمد علیبیگ عامل افضل آباد بذکر عرضداشت مرسله
مضمن شرارت و تظلم دیوی سنگ قلعدار کلندر مانی
و درخواست تاکید پروانه بنام دیوان و بخشی کهری
بتن در باب فکر آبادی تعلقه و عدم فرمانی از
نظر گذشت حسب معروضه ایشان تاکید بنام دیوان
و بخشی مذکور در مادهٔ فکر آبادی تعلقه و هم بدل نمودن
قلعدار دیگر در عوض دیوی سنگ زینهار نگارش
یافته است قلعدار مزبور اینجا میآید

ایضا غلام حسین خان صنوبر بکلور آنچه از روانه ساختن
دو بندوق دو ضربی نقدی خاص برای سکندار توشته
بودند معلوم شد هنوز بنادق مرسله بحضور نرسیده
انشاءالله خواهد رسید حسب معروضه خودش
بندوق برنجی و دو پستول خاصه نیز روانه حضور باید

Bullo

کرد پروانه حضور جهت دادن چوبینه بنام راجه
رام چندر درخواسته بودند شما او مان علاقه خود
فرستاده چوبینه طلبیده بکارکرد بکارخانه
بنا دقیق باید داد

ب میر معین الدین خان خطر رسله معه فرد واف
نارسیده بر کیفیت مندرجه اطلاع داد بالفعل
این مطلوب نیست ازاد ریک قریه انطراف رود
داشته اطلاع دهند حسب درخواست یکهزار و
هفتصد و بست و هشت پیاده مفصله ذیل همراه
کوتم مدت مقصدی احشام فرستاده شد باید
که در ملک او دنی بر تعلقه کنکن کوڈ تهانه نا داشته
در عایا در همه قریات او دنی و کنکن کوڈ فراهم
باید کرد

بات نکر بات منکلور سار رساله تارا ته و جا بن یاد حصار
انما نب سما حزر سما سب سما

صلاح

ماریان — مصر

نامه

ایضا قطب الدین خان حکمنامه بنام ایشان همراه دلیرول خان

فرستاده شد شما را معه حکمنامه خواهند رسید مجرد

رسیدنش باتفاق شما مطابق حکمنامه عمل آرند

و آزین الهی چین بخط انام نوشته بود مدکه اشرف سلطان

پسر عبدالقادر خان منصبدار کرور منعینه تعلقه کچهری

ایشان جای اراده نسبت دارند اگر حکم اقدس

صادر شود بادای آن خواهند پرداخت معلوم شد

بهتر است در امر کار خیر کسی با تامل و مداهنه نیست

ایضا محمد غوث وغیره از عرضی محمد عیسی عامل افضل آباد در

ظاهر شد که نوبوی اهنگ قلعدار کلانه نالی شرارت

بسیار مینماید و باعث او تعلقات ان نواح و بران

شده است باید که شما بندوبست ایمغی خان

نموده بدهید که بار دیگر عامل مذکور نالش ایمغی نه

Drafts

حضور نرسانند چراکه تعلقات مذکور متعلق شما

ست

ایضاً محمد مهدی خان وغیره از عرضداشت محمد عیسی

عامل افضل آباد درنگر ظاهر شد که دیوی سنگ قلعه دار

کلندر بانی شرارت و هنگامه بسیار مینماید چنانچه از

باعث او و دیگر قلعه داران تعلقات آن نواح رو

بویرانی نهاده است باید که او را برآورده قلعه دار

دیگر که باهوش و خبردار باشد بقلعه داری انجا مقرر

نموده بفرستند و چان بندوبست قلاع نمایند که بار دیگر

نالش از جمعی عاملان بحضور نرسانند

ایضاً محمد باقر پسر مرحوم زمان خان بهادر و کیفیت رفتن

بقلعه نرکند باتفاق قلعه دار و او را رداد و نمودار شدن

سه صد سوار و پانصد پیاده مخالف و تعاقب

کنان رفتن ایشان و شکست یافتن اینها ناپاک کرده ظاهر

گشت رفتن و مارواد خوب شد باز هم تاکید نمود قلعه

انکه

برکند رفته چهار ضرب توپ یکی هجده رطلی و دو ضرب
دوازده رطلی و یکضرب نه رطلی از قلعه مذکور فرود
آورده میبارند زیاده چه

بامر جعفر داروغه قبلخانه و کیفیت رسیدن معه
اقبال بدکیری سایر دوم ماضی ظاهر گشت باید که
بسرار سیده از انجا بدرقه معتبر کرفته بغرجاب
حصار بیابد از انجا دولت خان بدرقه معقول
همراه داده روانه حضور خواهد ساخت

اما معه زین العابدین بخش درجاب حصار نوشته بودند
که از سید خدا بخش و سید اشرف و خواجه محمد بهارجانی
و فقیر می بهتری جا عداران سواران بهرتی منجمله
بت عده سابق و یک هفتاور اسن بهرتی شده رفت
و سوای ان لطف محمد خدا بخش مبلغ شش صد تومان
بابت حمایت قلعه دار ماضی با نوار آمده بود و اینها
بحضور رسیده نشسته اند اکثر از حکم اوسن درجا خواه

آمد ما بقی بهرنی هم دنشان زر خواهند ساخت معلوم شد
حسب معروضه ایشان هر چهار کس را روانه انجا
نموده شد بهرنی هم باید کنانیدو تشان زر هم باید
گرفت

مورد
نوشته ایضا عرضداشت مرسله سعد خط قلعدار امول کال
از نظر گذشت بتمامی قلعداران متعلقه شما تاکید نمایند
که بی راهداری حضور هرکه بیاید از کولیها نبرند
واز متین افغال سرکار براه هندرک روانه شده
اند باید که مجرد ورود این پروانه قلعداران تا
ولیند که افغال مذکور را از آن راه برگردانند
از راه سرا لشکر فیروری روانه نمایند

الحاصل شمس الدین خان ببرده عرضداشت مرسله سعد
بتی رقوم جواهر از نظر گذشت هفتاد و پنج رقم جواهر
در وجه سرکار که براسک ارسال حضور نمودند

ایضاً بنوشکی نه نقدی و جنسی ملک مضمون سه قطعه مهر لا
مفصله ذیل بر تقطیع نقره و هر تقطیع بطور علیحده کنده
کن نیده و اکثری طلا نبار کرد انیده ارسال حضور
دارند و وزن مهرهای مذکور سنه کنده کرد اندن ضرور کار
نیست چرا که از اعداد الفاظ تاریخ آن بحساب زر
بر می آید

مهر کوهی مسقط	مهر کوهی جده	مهر کوهی کچه	
مکای زر حصره	دار سر اسر مال	ظرف ذهب	

مهر بنوشکی نه جنسی اینهم نوشته شد که عمل این مهر
علیحده در کتاب فون کنده دارند

ایضاً محمد اشرف و کیفیت جمع شدن شانزده
هزار راجی را مامه و شصت هزار روپیه بابت
سابق و بتحصیل آمدن سبلغ پانزده هزار روپیه بابت
حال حسب الحکم و انتظار آمدن دوازده هزار راجی
بابت ثمن متن ظاهر گشت تهریت بعد جمع شدن زر

100+1161+3044=1001+1161.1(0)

از احتیاط و خبرداری بارسال حضور نمایند

ایضاً بمعین الدین خان خط بر رسیده معروض داشت که
کنجن کوند و اودلی رسیده اطلاع داد برای آمدن
خود بحضور نوشته بودند معلوم شد باید که دو صد
صد سوار همراه خود کرفته بحضور برسند

ایضاً خط بر رسیده بر کیفیت مندرجه اطلاع
داد و انچه از فرود آمدن هفتاد و هشت پیاده و یک
قلعدار از کدی و هره لسوکر و در پهره داشتن انها
در بزک پیاده ها اندرون لشکر نوشته بود و انکه مردم
مثل فریب شصت هفتاد جوان جمع کشته اکر حکم
شود بحضور فرستاده آید معلوم شد بهتر است انها
را روانه حضور سازند نوشته بودند که قلعدار ثمرپتن
حسب الحکم کنیس برار تعلقه موسی لالی را دها کرده لک
مبلغ با نصد و پنجاه و هشت روپیه نقد و طلا وغیره اشیا
که از نزد او کرفته بودند ادا برای دادن مبلغ مذکور وغیره

پروانه بنام قلعه دار رحمت کرده معلوم شد حسب التحریر
ایشان بپروانه موسومه قلعه دار مسطور در باب دادن
مبلغ مذکور داشتا و غیره به کنیس برادر مرقوم و ملفوف
است دیروز برای آمدن ایشان زیب انگارش
یافته است باید که خود را بحضور رسانند

۲۶ حافظ محمد جان قلعه دار تشنگی آنچه از بهروز نگار
نشتن میر خان پسر تاج خان برکی در خانه نوشته
بودند معلوم شد باید که بومی الدر ا بحضور روانه نماید

ایضاً مرزا محمد علی حسبی فیلخانه عرضداشت مرسله
مضمن رسیدن خود از تعلقه منظر آباد به بتن جهت
روانگی حضور بر نوشته خط دیوان کچهری بتن و تحقیق
ساختن در اینجا که بنابر روانه نمودن نمازان راو
بحضور حکم بود و باز برگشته رفتن تعلقه مذکور از نظر
گذشت و کیفیت معروضه مفصل ظاهر گشت پیش
ازین زیب نگارش یافته بود و حال هم زیب ارقام

ی یابد که اقبال مابعت بار توشکنی نه و بابت عماری
همراه خود گرفته بپیش آمده از انجی براه سر انجبر داری
و احتیاط بحضور برسند

۲۷ محمد غوث و سید بدیع الزمان خان برادر راکهندر
راز دو ضرب نموده بسزاولی و نقید زر سرکار
بوصول آرند و انجا هم نایک مذکور سبیل مذکور سرکار
منمایند

۲۸ محمد درویش و اکبر علیخان و محمد عثمان عرضداشت
مرسله معروضه امت و دویم ربیع الثانی مع خریطه
عرضی موسی کسی بست و ششم جمادی الاول از
نظر گذشت و کیفیت معروضه ظاهر گشت انچه از
گفتن موسی کسی در ماده روانه شدن شما تا
بعد آمدن موسی منتظر دار موسی بندر معروض
نموده بودند معلوم و مکشوف شد انچه بنکو بندر رسیده
داده خوب است گفته شود می آید کار بند

356

باید کرد هنوز جهاز بکوریال نرسیده بود رسیدش
بعامل اسخی تاکید نوشته خواهد شد جواب عرضی
موسی کسنی مرقوم و ملفوف بکرر انکه بعد آمدن
موسی مسترد و باید که شما هنوز وی روانه شده باشد
مراتب دولتخواهی و فدویت بظهور رسانید
جلد مراجعت نمایند که بعد رسیدن حضور مشمول
مراحم و سرفراز خواهند شد

۲۹ میر معین الدین اوازیک توپ می آید بر کداه
کدی یک توپ چسپانیده اند کیفش معروض دارند
واز یک توپ دیر خواهد کشید باید که دو سه توپ
چسپانیده مفتوح سازند

۳۰ منه شیخ امام دار و غه اسماعیل کوریال انچه از رسیدن
خود با یک غراب و هیچ کلبت و رسانیدن جهاز
فخر اکب زامعه بدو قه بکباری تدری نوشته
بودند معلوم شد باید که سرانجام جهاز یعنی انواع

بکور مال بفروشند و بر جهاز جهاد نی بکنانند و بخا
نفر خلاصی و جوانان و دو بنک مزاشه خانه مذکور را
مرمت کنانند یک دو بنکی را بکناره دریا برای
کشت مقرر نمایند که قبیه مذکوران و بنده می نموده
باشند

[illegible]

End of Vol. I

[illegible]

[illegible]

[illegible]

Ethé 525 = I.0.2100

ENDS

I N D I A O F F I C E L I B R A R Y

Persian MSS. Ethe 3001 (I.O. 3563)

The register or Tipū Sultān s dream

Begins

Microfilmed April 1951

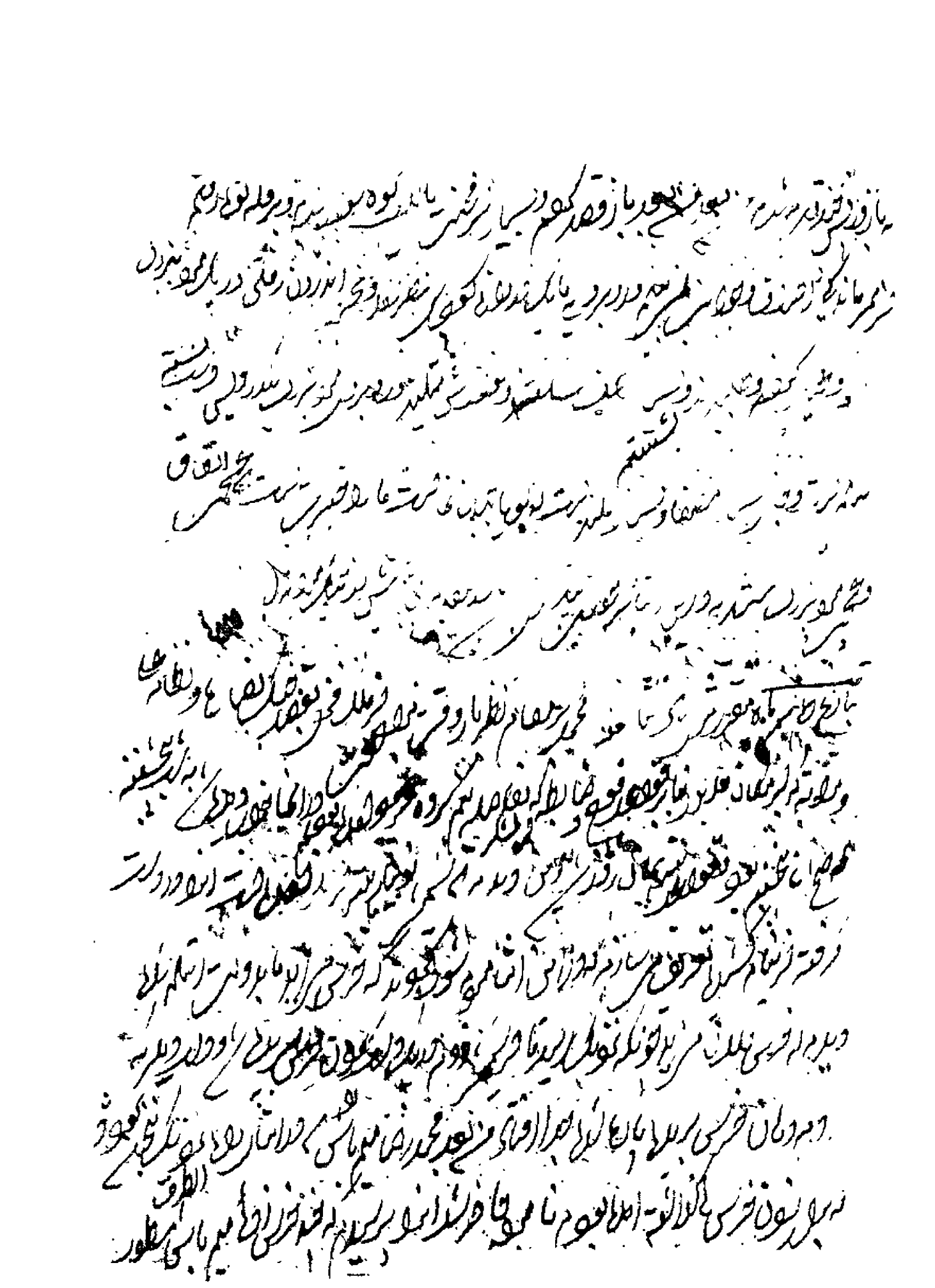

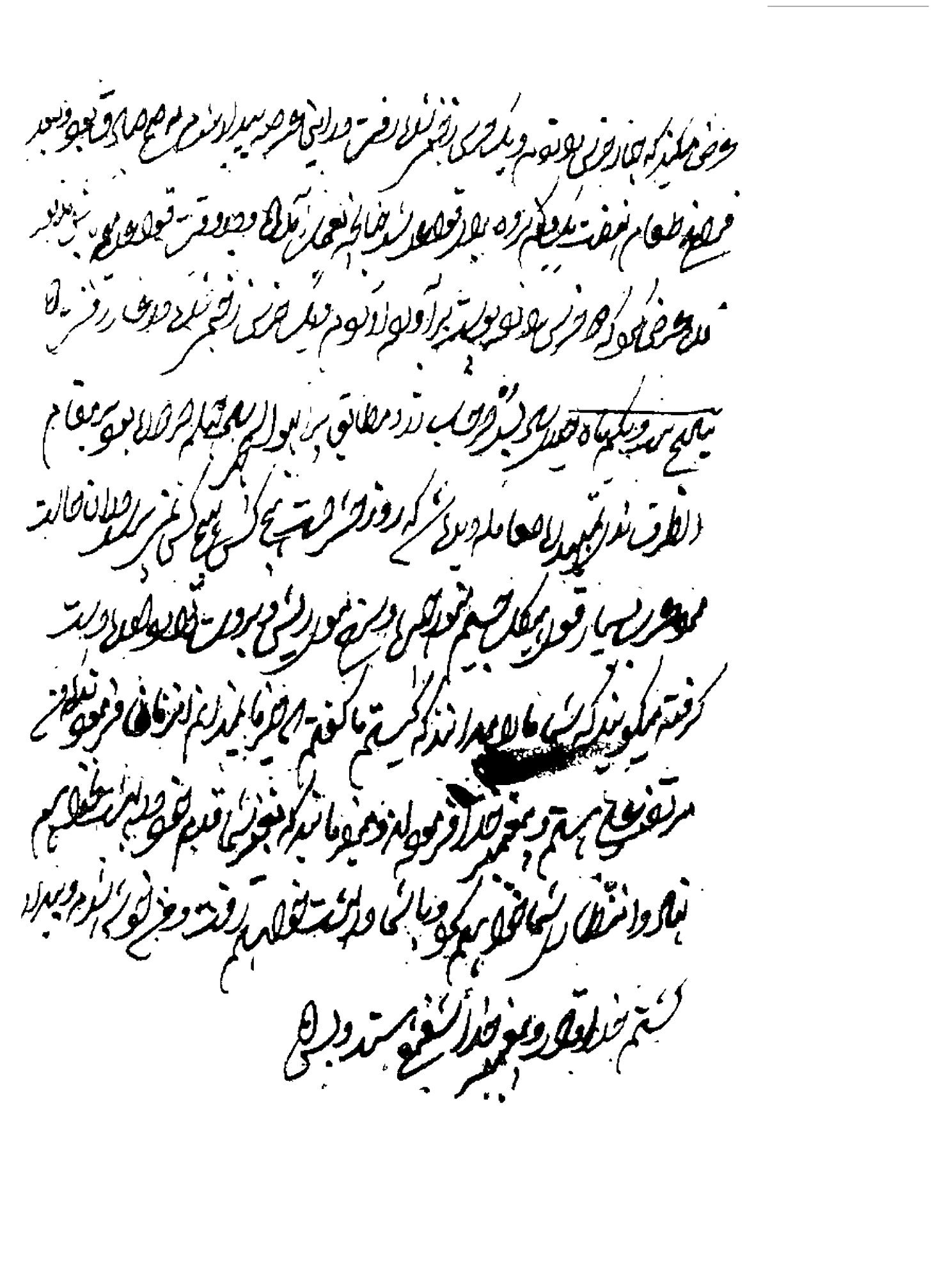

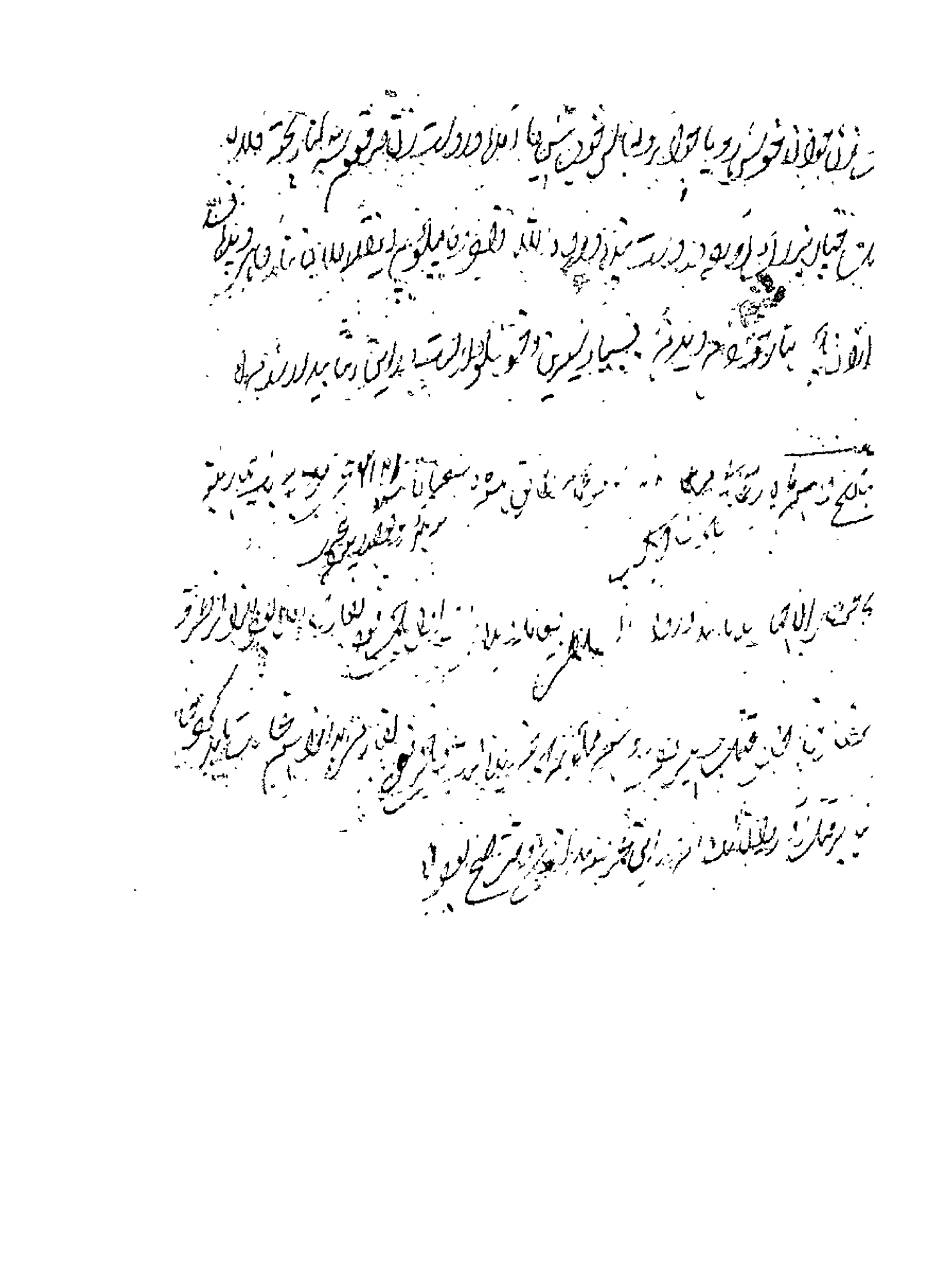

U.S. Armament & Tactics
Officers who were killed
with the Origin in the
Line of Duty of the
Revenue Service

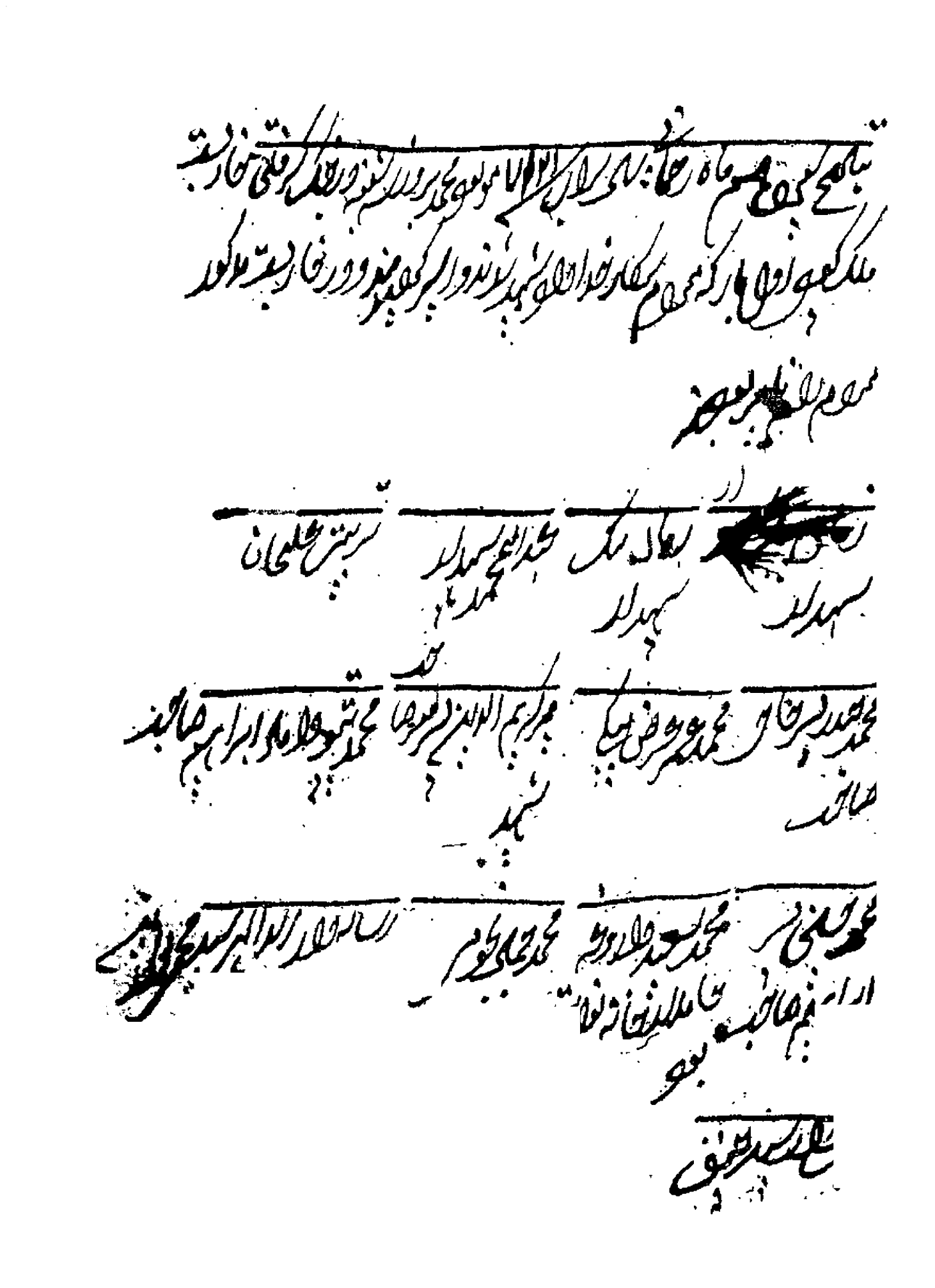

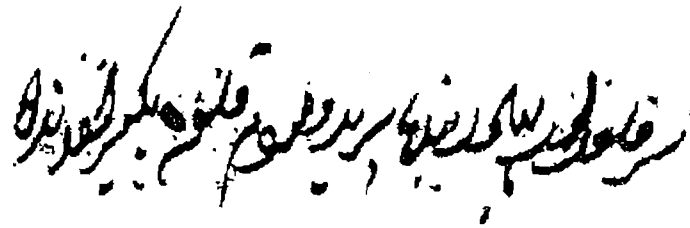

Tippoo Sultaun's

Letter

in his own hand writing

presented in the name

of James Wellesley to Hugh

Chairman of the Court of Directors

By

Captain Beatson, late Aid de Camp

to

[illegible] of the Sultaun's dreams was discovered
an Book, which, amongst other papers of
a confidence found in the Palace of Seringapatam
Purneah Pollah, one of the most confidential of the
minority, was present at the time it was discovered, the
of there was such a Book of the Sultaun's compo
never seen it, as the Sultaun always manifested
care to conceal it from the view of any who happen
touch while he was either reading or writing
these extraordinary productions are only known
I have inserted in the Appendix of a View of the
duct of the War. By some of them it appears
magnet, and the destruction of the Russians, were
cets of his sleeping than of his waking thoughts

London 23 April 1800.

Persian MS. Ethe 3001 (I.O. 3563)

Ends